

فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران

خبرنامه، سال سیزدهم، شماره ۴۷ ■ تابستان ۱۳۹۲

سخن اول

عدال، عقل و اعتدال

اخبار

صد و چهارمین جلسه مجمع عمومی

نامه به رؤسای آکادمیهای علوم دنیا در خصوص تحریمهای علمی-تجاری علیه نویسندگان ایرانی

انتشار مجموعه مقالات و مذاکرات سمینار چالشهای فیزیک کشور

انتخاب و معرفی پژوهشگر جوان برچسته در حوزه علوم پایه

برگزاری سمینار افقهای آینده مهندسی برق و کامپیوتر

انتشار شماره جدید فصلنامه آموزش مهندسی ایران

گزارش

مراسم تجلیل از دکتر رضا داوری اردکانی

خلاصه طرح پژوهشی خاتمه یافته گروه علوم مهندسی

تشکیل دولت صفوی و اهمیت تاریخی آن؛ سخنرانی دکتر احسان اشراقی

بیماریهای مشترک یا قابل انتقال بین انسان و حیوان؛ سخنرانی دکتر محمدعلی نادعلیان

زبد گنجنامه علمی دکتر محمدحسن بزرگمهری فرد

معرفی آکادمی علوم لهستان

کتاب

فرهنگستان علوم
جمهوری اسلامی ایران

The Academy of Sciences
Islamic Republic of Iran



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرهنگستان علوم
جمهوری اسلامی ایران

The Academy of Sciences
Islamic Republic of Iran

خبرنامه، سال سیزدهم، شماره ۴۷ ■ تابستان ۱۳۹۲

صاحب امتیاز: فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران

مدیر مسئول: دکتر رضا داوری اردکانی

سردبیر: دکتر حسن ظهیر

مدیر داخلی: مهندس سیدعلی پزشکی

مدیر هنری: مجید میرابزاده

نشانی: تهران، بزرگراه شهید حقانی، خروجی فرهنگستانهای

جمهوری اسلامی ایران و کتابخانه ملی، فرهنگستان علوم

کدپستی: ۱۵۳۷۶۳۳۱۱۱ - صندوق پستی: ۱۹۳۹۵/۵۳۱۸

تلفن: ۸۸۶۴۵۵۹۲ - دورنگار: ۸۸۶۴۵۵۹۸

تارنما: www.ias.ac.ir - رایانامه: info@ias.ac.ir

سامانه پیامک فرهنگستان: ۲۱۸۸۶۴۵۵۹۲

«مسئولیت مطالب به عهده گویندگان و نویسندگان است»



فهرست

سخن اول

۶

■ عدل، عقل و اعتدال

رضا داوری اردکانی

اخبار

۱۷

■ جلسات شورای علمی

■ جلسات شورای پژوهشی

■ صد و چهارمین جلسه مجمع عمومی

■ نامه به رئیس محترم جمهوری و درخواست لغو مصوبه سال

۱۳۸۸ فرهنگستانها

■ نامه به رؤسای آکادمیهای علوم دنیا در خصوص تحریمهای

علمی - تجاری علیه نویسندگان ایرانی

■ انتصابات جدید

■ جلسات شورای همگانی گروه علوم مهندسی

■ انتشار مجموعه مقالات و مذاکرات سمینار چالشهای فیزیک کشور

■ انتخاب و معرفی پژوهشگر جوان برجسته در حوزه علوم پایه

■ فعالیتهای بین المللی اعضای گروه علوم اسلامی در تابستان سال

جاری

■ سخنرانی دکتر رضا نیلی پور در نوزدهمین کنگره بین المللی

زبان شناسان

■ برگزاری سمینار افقهای آینده مهندسی برق و کامپیوتر

■ درگذشت شادروان استاد عبدالمحمد آیتی

■ برگزاری پنجمین جلسه کمیسیون پیشبرد ریاضیات کشور

■ انتشار شماره جدید فصلنامه آموزش مهندسی ایران

■ اخبار کوتاه

گزارش

۳۳

■ مراسم تجلیل از دکتر رضا داوری اردکانی

■ خلاصه طرح پژوهشی خاتمه یافته گروه علوم مهندسی

■ تشکیل دولت صفوی و اهمیت تاریخی آن

خلاصه سخنرانی دکتر احسان اشراقی

■ بیماریهای مشترک یا قابل انتقال بین انسان و حیوان

سخنرانی دکتر محمدقلی نادعلیان

معرفی

۵۰

■ زندگینامه علمی دکتر محمدحسن بزرگمهری فرد

عضو پیوسته گروه علوم دامپزشکی

■ آکادمی علوم لهستان

کتاب

۵۶

■ فلسفه، ایدئولوژی و دروغ

■ فرهنگ و کارآمدی

■ توضیح المسائل و مجمع المسائل

■ گلکاری (مبانی و گونه ها)

■ نوآوری در آموزش مهندسی

■ تولید پایدار محصولات زراعی؛ زراعت عمومی



عدل، عقل و اعتدال

رضا داوری اردکانی

۱- اعتدال مثل عدل و تعادل یک وضع عام است و اختصاص به روش زندگی و رفتار و عمل اخلاقی و سیاسی و روحیه مردمان ندارد. چنانکه پزشکان از اعتدال مزاج می‌گفتند و در گردش فصول و اختلاف شب و روز مواقعی به نام اعتدال بهاری و خزانیهست. یونانیان که بنای نظم جهان را بر عدل و اعتدال می‌دیدند، معتقد بودند که سیاست باید با این نظم هماهنگ و متناسب باشد. بر این مبنا بود که ارسطو اعتدال را در اخلاق و سیاست مورد بحث قرار داد و آن را به صورت تازه‌ای تعریف کرد و میزان عمل قرار داد. ولی نباید استنباط شود که یونانیان آراء و نظرهای سیاسی خود را بر مبنای مطالعات نجومی و کیهانی بنا کرده‌اند. آنها نظر درست و عمل عادلانه را موقوف به زندگی در مدینه می‌دانستند و معتقد بودند که میان عمل و نظر و نظم جهانی تناظری وجود دارد. پیامبر عظیم‌الشان اسلام هم وقتی قیام زمین و آسمانها را به عدل دانست، می‌خواست بر اهمیت عدل تأکید فرماید نه اینکه عدل را مستنبط از نظام فلکی بداند. افلاطون و ارسطو صورت عدل آسمانی را در مدینه انسانی طلب کردند و با این نظر بود که طراحی راه قانونگذاری بشری و سیاست عقلی آغاز شد. هرچند که این راه تا دوره جدید پر رهرو نبود، فیلسوفان یونانی صورتی از قواعد عمل در سیاست و اخلاق را تدوین کردند. آنان عمل شایسته را فضیلت خواندند و در بیان و تعریف فضیلت آن را اعتدال به معنی بودن میان دو حد افراط و تفریط دانستند. اکنون وقتی لفظ فضیلت

را می‌شنویم اگر آن را با تقوی به معنایی که در نظرمان مسلم شده است مترادف بدانیم، قدری از معنی فضیلت یونانی دور می‌شویم زیرا اگر تقوی یک وضع روحی و اخلاقی ثابت در کردار و گفتار فردی است، فضیلت وجهی از جمع توانایی و دانایی و بودن در وضعی ورای افراط و تفریط و رعایت موقع و مقام در اتخاذ تصمیم و اختیار فعل و عمل است. در وضع کنونی مخصوصاً باید اختلاف میان فضیلت به معنی میانه‌روی و اعتدال از یک‌سو و تقوی از سوی دیگر را در نظر داشته باشیم. اگر در تقوی به معنایی که در گفتار و رفتار متقیان زمان جلوه می‌کند می‌توان از دنیا اعراض کرد و یکسره به عبادت پرداخت و بر آنچه از خوب و بد و زشت و زیبا و ظلم و عدل وجود دارد و می‌گذرد چهار تکبیر زد، در میانه‌روی و فضیلت درستی سخن و بجا بودن فعل و ادای آن در موقع و مقام مناسب و پرهیز از ظلم و انظلام شرط است. به عبارت دیگر تقوی بیشتر فردی و فضیلت به معنای یونانی‌اش یک امر مدنی و سیاسی است. مسلماً زهد بخصوص اگر معامله‌ای برای خریدن بهشت نباشد، فضیلت است. ولی زهد زاهد وقتی تمام می‌شود و به عدل و اعتدال می‌پیوندد که زاهد همواره متذکر و مواظب باشد که مبدا دروغ و فساد و ظلم و تحکم بیجا در پس حجاب بعضی اعمال و تشریفات و رسوم پسندیده پوشیده و پنهان شده باشد. چون سخن از ارسطو و فضیلت ارسطویی به میان آمد اشاره کنیم و بگذریم که می‌توان از کلیت مباحث اخلاقی و سیاسی



فیلسوف استنباط کرد که اعتدال منطقاً مقدم بر عدل است و حتی شاید بتوان گفت که فیلسوف، عدالت در عمل را وجهی از اعتدال می‌دانسته است. زیرا وقتی عدل حد وسط میان ظلم و انظلام باشد طبیعی است که تا حد رفتار و روحیه و صفت شخصی تنزل پیدا کند. ظاهراً ارسطو هم متوجه این مشکل بوده است که به اعتباری دیگر به فضیلت عدل نظر کرده و آن را برترین فضایل و شرط تحقق آنها خوانده است. عدلی که حد وسط ظلم و انظلام است نمی‌تواند اشرف فضایل باشد زیرا آشکار است که برای رسیدن به فضیلت از این هر دو باید گذشت. چنانکه اشاره شد ارسطو عدل و اعتدال را در مدینه و سیاست می‌دیده و آنچه در باب حد وسط گفته است، بیان صوری و تعبیر قاعده‌ای از قواعد عقل عملی است. به عبارت دیگر اعتدال و عدل در نظر ارسطو یک مفهوم انتزاعی صرف نیست زیرا فیلسوف عدل را در نظم مدینه و نه صرفاً در وجود اشخاص می‌دیده و فضایل دیگر را هم به زندگی در مدینه موقوف می‌دانسته است. با این همه آیا عدل عین اعتدال و میانه‌روی در عمل و گفتار نیست؟ مگر میانه‌روی چیست و چگونه می‌توان میانه‌رو بود؟ میانه‌روی مستلزم درک و شناخت دو حد افراط و تفریط است. افراط و تفریط را چگونه می‌توان تشخیص داد و شناخت؟ این تشخیص به عهده فضیلت عقلی (فرونزیس) است که نه فقط مایه اعتدال در وجود آدمی است بلکه اعتدال جهان هم با آن درک و دریافت می‌شود. ولی آیا عقل عملی و فرونزیس (فضیلت عقلی) کسب‌کردنی است و اگر باشد آن را از کجا باید به دست آورد؟ به این پرسش در مجال دیگر باید اندیشید. اکنون به نظر می‌رسد که اگر این فضیلت موجود باشد اعتدال هم هست. پس همه مشکل در نقصان و پوشیدگی فضیلت عقلی است.

۲- در شرایطی که افراط و تفریط حاکم و غالب است تمییز میان اضداد هم دشوار می‌شود. چنانکه ممکن است افراط را اعتدال و اعتدال را افراط بخوانند. همه اهل افراط و تفریط خود را صاحب خرد و میانه‌رو می‌دانند بی‌آنکه از فضیلت عقلی برخوردار باشند. بنابراین آنها قول و فعل خود را هم افراطی و تفریطی نمی‌دانند. اگر چنین است باید به پرسیم که اعتدال را از

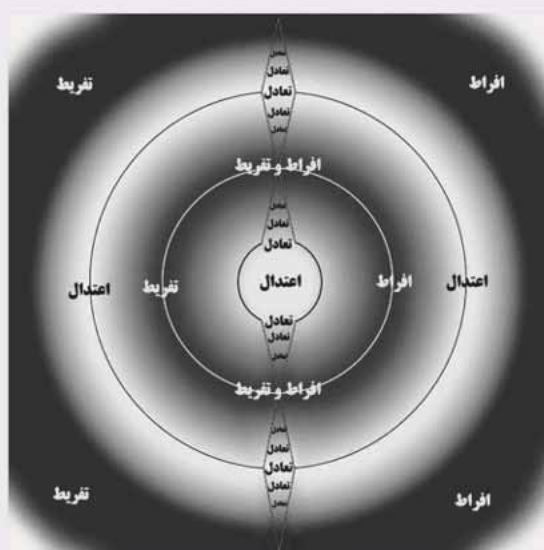
کجا به دست آورده‌ایم و چگونه می‌توانیم دیگران را به اعتدال دعوت کنیم و با ایشان در مورد افراط و تفریط و اعتدال به تفاهم برسیم و مختصر اینکه اگر مردم کشوری خدا نکرده در وجود و در روابط و مناسباتشان دچار افراط و تفریط باشند از چه راهی می‌توانند به وضع اعتدال برسند. در جهانی که بنیاد استوار ندارد و پیوند میان اجزایش گسیخته است این خطر وجود دارد که همه هرجا باشند، کم و بیش افراطی و تفریطی باشند. به این جهت نباید گمان کرد که بی‌اعتدالی را اشخاص افراطی و تفریطی به جهان می‌آورند و افراط و تفریط را با اقدامها و تصمیمهای سیاسی و با وعظ و نصیحت می‌توان علاج کرد. مسلماً اشخاص استعدادهای متفاوت برای قرار گرفتن در وضع اعتدال یا در دو جانب افراط و تفریط دارند اما افراط و تفریط مردمان بیشتر به تاریخ و جهان انسانی بستگی دارد. مثلاً در جهان توسعه‌نیافته که بنیان تاریخی استوار ندارد و با تعادل و تناسب بنا نشده است افراط و تفریط یک امر شایع و عادی است و نمی‌توان و نباید توقع داشت که به زودی و آسانی گردش چرخ آن بر مدار اعتدال قرار گیرد. در این جهان قدم اول راه این است که مردمان خود را به اعتدال نیازمند بدانند و در جستجوی عقل و توسعه باشند و برای رسیدن به آن بکوشند. مردم این جهان باید با رجوع و تذکر به سوابق تاریخی جهان خود و با درک چگونگی قوام تجدد و جهان متجدد در طلب فضیلت عقلی و اعتدال باشند تا به مدد آن راه را بجویند و پیمایند. ما معمولاً افراط و تفریط را به اشخاص و گروهها نسبت می‌دهیم و البته اشخاص و گروههای اهل افراط و تفریط هم وجود دارند اما مسئولیت تمام آفات و زیانیایی که از افراط و تفریط حاصل می‌شود، بر عهده آنان نیست. آنان اگر در جایی بودند که زمینه برای افراط و تفریطشان وجود نداشت راه دیگری پیش می‌گرفتند. این سخن را بر توجیه نادانی اهل افراط و تفریط نباید حمل کرد. این نادانی، نادانی وجودی و تاریخی است و به این جهت به صرف آموزش نمی‌توان آن را تدارک کرد. وقتی کسی سفید را سیاه و زیبا را زشت و نفرت را مهر و ظلم را عدل و کدورت را صفا و بی‌خردی را خردمندی و دروغ را راست و ... می‌انگارد، فهم و درک و جهانش باید



دگرگون شود تا از کج‌بینی به در آید و گرنه صرف بحث و نزاع با او ثمری ندارد و شاید به جایی نرسد. گفتگو با کسی که گوش سخن نیوش ندارد بیهوده است. به این جهت ملامت آنان و گذاشتن تمام بار تقصیر بر گردنشان اصل مشکل افراط و تفریط را حل نمی‌کند بلکه مسئله را منتفی می‌سازد. وقتی چهل را با افراط و تفریط ملازم می‌دانیم، متذکر باشیم که این چهل در برابر خرد قرار دارد و به معنی بی‌خردی است. چنانکه اشاره شد در وضع توسعه‌نیافتگی، اعتدال و خرد عملی اگر حکم کیمیا نداشته باشد، ظاهر و حاکم نیست. مع‌هذا بشر همیشه هر جا باشد می‌تواند تا حدی از این فضیلت برخوردار باشد و در جهان توسعه‌نیافته نیز شاید عده معدودی از آنها وجود داشته باشند. در شرایط کنونی امر امیدوارکننده این است که در علم و فرهنگ به اعتدال مایل شده‌ایم و در آراء همگانی هم از اندیشه و فکرت اعتدال استقبال شده است. این استقبال نشانه آن است که ما کم و بیش با وضع فکر و امکاناتی عمل در جهان کنونی آشنا شده‌ایم و در زندگی عمومی و در جامعه خود بی‌تعادلی و دوری از اعتدال در رفتار و کردار و در اخلاق و سیاست را آزموده‌ایم و چون بی‌اعتدالی بیشتر در سیاست ظاهر شده است عکس‌العمل آن هم سیاسی بوده است. در وضع سیاسی کنونی مراد از اعتدال، بیشتر واقع‌بینی و شناخت جایگاه امور و اشیاء و پرهیز از اشتباه میان امور و مراتب آنها و اکتفا نکردن به حرف و لفظ و قدم‌گذاشتن در راه اصلاح امور است و به این جهت بیشتر یک شعار سیاسی است. مع‌هذا از تاریخی بودن این شعار نباید غافل شد و پیداست که حل مشکل تاریخی دشوار است. برای تحقق اعتدال ابتدا باید بپذیریم که در راهی دشوار قرار داریم و چیزی را می‌طلبیم که به آسانی نمی‌توان آن را به دست آورد. افراط و تفریط صفت بعضی اشخاص نیست که اگر دستشان از کارها کوتاه شود، از اثر بیفتد و مگر کوتاه کردن دست افراطیها و تفریطیها در جهان افراط و تفریط کار آسانی است؟

۳- در زندگی آدمیان آسانترین و پرترددترین راه، راه افراط و تفریط است و در مقابل، هیچ راهی به اندازه راه اعتدال، دشواریاب و تیره و پرپیچ و خم و صعب نیست. در جهان

توسعه‌نیافته و به طور کلی در جهان جدید، تمییز و تفکیک افراط و تفریط از اعتدال موقوف به شناخت اوصاف این جهان و امکاناتی آن است و با بیان تعاریف اعتدال و مثلاً اینکه اعتدال حد وسط میان افراط و تفریط است، بی‌اعتدالی از میان نمی‌رود بلکه با رضایت و اکتفا به این حرفها شاید مشکل پیچیده‌تر و پوشیده‌تر شود. درست است که تعبیر توسط میان افراط و تفریط اعتدال را امری آسان جلوه می‌دهد اما بودن در میان افراط و تفریط امری بسیار دشوار است.



اگر اعتدال را نقطه وسط یک پاره‌خط و حتی نقطه‌ای روی عمود منصف آن پاره خط بدانیم، از درک آن باز می‌مانیم زیرا اعتدال یک نقطه و مقام ثابت نیست و در هر عالمی اعتدال جایی متفاوت دارد و در مقام تمثیل می‌توان با توجه به تصویری که می‌بینید و بیشتر با جهان جدید تناسب دارد، گفت که اعتدال در مرکز و وسط یک کره قرار دارد اما افراط و تفریط، اعتدال را رها نمی‌کنند تا در همه‌جا بسط پیدا کند بلکه آن را در محاصره می‌گیرند تا وقتی که در محیط کره، افراط و تفریط چندان غالب شود که زندگی را بر مردمان سخت کند و چه بسا که شاید دوام آن دیگر میسر نباشد. در

این وضع ممکن است حصار محکم افراط و تفریط شکسته شود و فضای اعتدال و آزادی گشایش یابد تا دوباره همان سیر اول تکرار شود و کدورت افراط و تفریط فضای کره محیط را تیره و تار کند. در این تصویر جهان توسعه نیافته در نزدیکیهای محیط دایره اول بی آنکه جایگاه معینی داشته باشد، به این سو و آن سو می رود و برای اینکه به صورتی از تعادل و اعتدال برسد، باید جایگاه خود را تعیین کند و بشناسد. نظر ارسطو را هم با این تمثیل بهتر می توان دریافت الا اینکه شاید ارسطو در مدینه یونانی نمی توانست افراط و تفریطی را که ما اکنون می شناسیم بیازماید و به این جهت به مسامحه فضیلت را وضعی در میان دو ردیلت می دانست. درست است که افراط و تفریط دو امر متضادند اما این دو متضاد آن قدر به هم نزدیکند که به دو روی یک سکه می مانند و به این جهت بیشتر اهل افراط به اعتباری دیگر اهل تفریطند. مثلاً چنانکه اگر افراطیهای مذهبی از نوع طالبانی و بن لادنی را با بعضی روشنفکران جهان توسعه نیافته که غافل از تنگناهای جهان کنونی و محدود شدن امکانهای آن جز به دموکراسی تام و تمام و بی قید و شرط یعنی به مفهوم و صورت انتزاعی و رویایی دموکراسی به چیزی رضایت نمی دهند قیاس کنیم، می بینیم که اینها در ظاهر در برابر هم و در تضاد آشتی ناپذیر قرار دارند اما (اگر تعجب نمی کنید می گویم) از حیث فهم و درک عملی و سیاسی بسیار به هم نزدیکند. هر دو گروه گرفتار اوهامند و تحقق میل و سلیقه و آرزوی خود را بدون فراهم آمدن شرایط و پیمودن راه طلب ممکن می دانند و بر آن اصرار دارند.

هیچ یک از آنها به شرایط و امکانها نمی اندیشند و همه چیز را همیشه در همه جا با اقدامهای احساساتی فردی و گروهی ممکن می دانند. هر دو گروه و از جمله آنکه خود را دموکراسی خواه می داند، خشنند و گروه مقابل را واجد همه عیبه و زشتیها و گاهی عین عیب و زشتی می دانند و به این جهت زبانیشان پر از سخن ناسزا و دروغ است هر چند که قصد دروغ گفتن نکرده باشند. هیچ یک از دو گروه نه فقط نظر دیگری بلکه وجود او را هم تحمل نمی کند. به این جهت چه بدانند و چه ندانند سیاستی که می پسندند و می توانند اعمال

کنند، سیاست امنیتی است. هر دو گروه دیگری را مستحق نابودی می دانند. گروههایی از آرمانخواهان افراطی چون از لوازم امور سیاسی غافلند و سیاست را با حقیقت اشتباه می کنند و مبتذل ترین و بی اهمیت ترین امور را مسئله اساسی سیاست و احیاناً تمام سیاست می دانند، در سیاست و اداره امور دچار تفریط می شوند زیرا نمی دانند که آرمان (تعلق به حق و عدل و کمال) حافظ و ضامن دوام و بقاء جامعه هاست و نمی تواند وسیله ای برای رسیدن به مقاصد دیگر باشد و متوجه نمی شوند که شیوع فساد و نادرستی و دروغ و بیماری و بی نظمی و قاچاق و فقر و گرانی و ناکارآمدی سازمانهای اداری و گسیختگی پیوندها و روابط اجتماعی و بی سامانی فرهنگ، نظام کشور و اصل آرمان را به خطر می اندازد. در شرایطی که مثلاً تلویزیون رسمی کشور می گوید در پنج ماه اول سال، سی و یک هزار قاچاقچی دستگیر شده اند (امیدوارم گوینده اشتباه کرده باشد یا من اشتباه شنیده باشم) و هر روز در اینجا و آنجا پرده از فساد بزرگ و انباشته برمی افتد و می گویند ما از حیث مصرف مواد مخدر و تلفات در جاده ها و از حیث میزان بازدهی کار و ... در مقام اول یا در صدر فهرست جهانی قرار داریم، می گویند اینها مسائل جزئی است و اهمیتی ندارد. بلکه باید نگران به خطر افتادن آرمان بود. در کشوری که سیاستمداران و متصدیان امور اهل دین و اخلاقند، توقع و انتظار اینست که فساد به آسانی تحمل نشود ولی ظاهراً ما به فساد عادت کرده ایم و به آن رضایت داده ایم یا اصلاً آن را تشخیص نمی دهیم. شاید هم گرفتاریها و کارهایی که مقدم دانسته می شود توان و مجالی برای دفع فساد و اصلاح اخلاق عمومی و تعدیل روابط و مناسبات زندگی باقی نمی گذارد. من نمی دانم این گرفتاریها و کارها چیست اما این را می دانم که جز در هوای اعتماد و دوستی و پیوستگی و همبستگی اجتماعی به آرمان نمی توان اندیشید و رسید زیرا تحقق آرمان مسبوق به این است که صلاح جای فساد را گرفته باشد. این مشکل را با اندرز و نصیحت و حداکثر با مواخذه و مجازات بعضی از مظاهر فساد نمی توان حل کرد. بدون تردید آرمان مهم است و اگر کسی بگوید همه چیز را فدای آن باید کرد سخنش را باید



بگوش جان شنید. ولی کاش می‌شد همه چیز را فدای آرمان کرد و آن را به دست آورد اگر مشکلات مردم و معاش و حقوق آنان مهم‌ل گذاشته شود و فساد در کشور گسترش یابد و پیوند همبستگی در جامعه و بنیاد نظم زندگی رو به سستی رود چه باقی می‌ماند که فدای آرمان شود؟ در بحبوحه فساد و دروغ و خشونت و با وسایلی که ضد آرمان است به آرمان نمی‌توان رسید. کسانی هم هستند که فقط حرف‌ها و شعارهای مشهور در سیاست در دهان دارند و البته قتل عام مردم یک کشور برای رسیدن به دموکراسی را نیز موجه می‌دانند. جمع افراط و تفریط محدود و منحصر به مواردی که ذکر شد نیست و شاید در همه‌جا افراط و تفریط با هم باشند. اگر افراطیها و تفریطیها بنا به ملاحظات و به حکم مصلحت‌بینی راه خود را اختیار کرده بودند، مشکل چندان بزرگ نبود و می‌شد آنها را متوجه زیاده‌روی‌شان کرد و به راهشان آورد اما افراط و تفریط یک نحوه درک و فهم و عمل است که می‌تواند به درجات و با شدت و ضعف در یک جامعه کم و بیش شیوع و رسوخ داشته باشد. آن که درک و فهم افراطی دارد نه فقط خطر پیش‌پایش و پرتگاه راهی را که نشان می‌دهد نمی‌بیند بلکه دروغهای خود را باور می‌کند و ابایی ندارد که اگر مقتضی باشد دو ضریب دو و بیست و پنج صدم را (۲۵/۲×) بزرگتر از نوزده و بیست بداند. پیداست که صاحب چنین فهمی نمی‌تواند درباره افراط و تفریط و اعتدال بیندیشد و حکم کند. اعتدال در نظر او همان روشی است که خود از آن پیروی می‌کند. پس برای عبور و گذشت از افراط و تفریط باید به فکر فهمها بود. مسئله اختلاف فهم به آسانی فهمیده نمی‌شود و اگر هم فهمیده شود نمی‌توان با اتخاذ تصمیم، فهمها را که با جان مردمان درهم آمیخته است جز از طریق خودآگاهی دگرگون کرد. مع‌هذا اگر مردمی به فهم خود بیندیشند و آن را بازشناسند مستعد برخورداری از فضیلت عقلی و راهیابی به اعتدالند.

۴- در دایره افراط و تفریط دیدیم که با شکستن آن و پدید آمدن امکان خروج از افراط و تفریط، این دو از هم دور می‌شوند و روی دو قوس مقابل یکدیگر در دو طرف وضع اعتدال قرار می‌گیرند تا باز به هم برسند و اعتدال را در حصار بگیرند و مجال آن را تنگ

کنند. وقتی افراط و تفریط از هم دورند دامنه تعادل و اعتدال وسعت دارد و در فضای گشوده میان افراط و تفریط، زندگی کم و بیش با نظم و اعتدال می‌گذرد. در همه تاریخها، هم دوران اعتدال وجود دارد و هم زمانی جمود و قسریت و افراط و تفریط بر زندگی غالب می‌شود. دوران اعتدال تاریخ تجدد از اواخر قرن هفدهم آغاز شده و تا اوایل قرن بیستم دوام یافته است اما در قرن بیستم دوران نزدیکی افراط و تفریط به یکدیگر (در همه شئون و نه صرفاً در ناسیونال‌سوسیالیسم یا در بلشویسم و آزمایش بمب اتمی در هیروشیما و ناکازاکی) آغاز می‌شود و با پدید آمدن استعمار جدید و جهانی‌شدن شیوه زندگی مصرفی و تثبیت وضع توسعه‌نیافتگی و مخصوصاً پس از احساس ناتوانی در رسیدن به غایات و مطلوبهای تجدد و تحویل آرزوها به کین و کین‌توزی بدترین صورتهای افراط و تفریط در جهان توسعه‌نیافته پناه بسته و حتی در علم و فلسفه و سیاست و اخلاق این جهان خانه می‌کرده است. تا آنجا که ترور و آدمکشی و کشتار زنان و کودکان بی‌گناه نام دین و دینداری و عدالت و آزادی‌بخش می‌گیرد. در این جهان حتی قواعد روش علم و اصول اخلاق و سیاست که هر یک در جای خود باید اعمال شوند، همه‌جایی می‌شوند گویی احکام و قواعد به امور معین و وقت و موقع خاص تعلق ندارند بلکه همه احکام همیشه در همه‌جا به طور مطلق باید اجرا و رعایت شود غافل از اینکه این احکام و قواعد چون انتزاعی هستند، عملی نیستند و اجرا نمی‌شوند. در این وضع همت متصدیان امور که از ابتدا سست بوده است، سست‌تر می‌شود (به این ترتیب که افراط در رعایت قانون و مقررات با تفریط زیر پا گذاشتن همه قوانین جمع می‌شود). در وضع پست‌مدرن نیز با اینکه بی‌اعتبار شدن به اصطلاح روایت‌های بزرگ کم و بیش به خودآگاهی رسیده است، از آنجا که دیگر اصول راهنمایی وجود ندارد اعتدال پیوسته رسمی‌تر و صوری‌تر می‌شود و خطر افراط و تفریط افزایش می‌یابد. در این زمان، افراط و تفریط را نباید صرفاً در سوداها یا مثل مبتنی‌کردن نظام اداری و آموزشی و سبک زندگی بر اندیشه و هنر و فلسفه قدیم جستجو کرد. بلکه جنگ‌ها و تجاوز به کشورها با داعیه اعطای دموکراسی نیز نشانه ابتلای جهان

توسعه یافته به افراط و تفریط است. در مقابل اگر هنوز کم و بیش در جایی نشان از تعادل و اعتدال صوری و رسمی می بینیم آن نیز مرهون اندک تذکری است که غرب نسبت به وضع تاریخی خود داشته و پیدا کرده است. این تذکر در جهان توسعه نیافته هنوز پدید نیامده یا کمتر ظهور داشته است. در این جهان اگر درکی هست، درک وهمی و اپیستمولوژیک و تعلیمی است و ضرورتاً راهی به آزمایش تعادل و اعتدال ندارد. البته مردم بر حسب استعداد بهره هایی از عقل و تعادل دارند و اگر با تأمل عزم خود را جزم کنند از افراط و تفریط بیرون می آیند اما تعادل در همه جا به تعادل کلی در جهان بسته است و راه آن در همه جا گشوده نیست. اگر کسانی گمان می کنند که ذهنها همچون لوح پاک و صرفاً پذیرای تأثیر از خارج است و علمها از بیرون در آن نقش می بندد نظر مقابل را هم نادیده بگیرند که ذهن بشر هرگز لوح پاک و صاف نبوده است و نیست بلکه همواره رنگ و نقش یا رنگها و نقشها دارد و گاهی نیز مکدر و آشفته است. در این صورت هر چه در آن وارد شود، تغییر صورت و ماهیت می دهد یا تصویری خشک و جامد از مدرکات و امور جهان بیرون را منعکس می کند. فلسفه هم در این لوح مکدر و کدر، به صرف حرف و درس مبدل می شود و در آن نزاعهای بیهوده جای بحث و تفکر را می گیرد. ما غالباً عقل را ستایش می کنیم اما ملتفت نمی شویم که آن را به کار نمی بریم و به آسانی نمی توانیم به کار ببریم. کسی که درس می آموزد و نمی داند که این درس به چه چیز تعلق دارد و در کجا به کار می آید و چرا آن را می آموزد، علم و عملش از هم جداست و این جدایی عین بی اعتدالی است.

۵- در دوره جدید و بخصوص از زمان کانت با اینکه این فیلسوف تعبیر عقل محض و عقل عملی را در عنوان دو کتاب مهم خود آورده است، علم دیگر به نظری و عملی تقسیم نمی شود (کانت هم تعبیر مبهم عقل محض را به کار برده و جلوه و تحقق آن را در فاهمه دیده و اخلاق را از حوزه این عقل بیرون دانسته است) و فیلسوفان میان علم تحصلی و اخلاق پیوند و رابطه ای نمی بینند. اگر فیلسوفان ما از تقدم نظر بر عمل و اتکاء فضیلت های عقلی و اخلاقی بر فضیلت نظری می گفتند، فلسفه زمان ما که علم را زمانی می داند نمی تواند

ناظر به عمل و رفتار و نظم کنونی زندگی و اخلاق و سیاست نباشد. پس ناگزیر آموخته های ما هم برای اینکه جایی در فهم و عقل متعادل پیدا کند باید در نسبت با این جهان و سیر آن به محک آزمایش بخورد. علم آموختنی است اما با آموزش قوام پیدا نمی کند و اگر در حد آموخته ها بماند، دیگر علم نیست بلکه فضل است. در جهان افراط و تفریط چون در این قبیل معانی و در آنچه می آموزند تأمل نمی کنند، به دشواری می توانند به اعتدال روحی و اخلاقی و فکری برسند و به این جهت با همه داعیه هایی که دارند، در حل کوچکترین مسائل درمی مانند و عجباً که هر روز با این درماندگی در عمل، روز را به شب می رسانند اما خالی بودن شب و روزشان را به آزمایش جان در نمی یابند و البته نمی توانند درک آن را بر خود هموار کنند. جهل و ناتوانی را آزمودن و آن را پذیرفتن شجاعت می خواهد یا نشانه ظهور شجاعت و عدالت در وجود مردمان است. اگر این را ندانیم و همه مسائل را با رأی خود و فکر خود قابل حل بدانیم، به جایی نمی رسیم. از رأی و نظر و فکر نباید گذشت اما خودرأی و خودبین نیز نباید بود. ما گمان می کنیم که خودرأیی اختصاص به مستبدان و اهل استبداد رسمی دارد ولی مستبدان در فضایی که هر کس با فکر و رأی خود تنهاست، پرورش می یابند و مگر نه اینکه در این زمان همه و از جمله بعضی از مدعیان آزادیخواهی و ستایشگران افراطی دموکراسی چندان خودبین و خودرأیند که نه فقط مخالفت بلکه وجود مخالف را بر نمی تابند. اینان چون از بستگیهای خود و از اسارت در چنگال خودبینی خبر ندارند در طرفداری از آزادی و عدالت، آنها را تا حد عمل بر وفق رأی و میل و هوس خود تنزل می دهند و موهون می کنند.

۶- از این مقدمات ممکن است نتیجه بگیرند که پس راه اعتدال بسته است و باید به غلبه افراط و تفریط و غفلت از وضع زمان و اشتباه میان عقل و جهل و دروغ و راست و پاکی و ناپاکی و خدمت و خیانت و صلاح و فساد تن در داد ولی جنگ میان نیکی و بدی، خردمندی و بی خردی، زیبایی و زشتی، رحمت و کین توزی و آزادی و استبداد هرگز به غلبه مطلق یکی بر دیگری نمی انجامد. آدمی نه به تباهی تام تن در

می‌دهد و نه در روی زمین توفیق سکونت در مدینه‌ای الهی پیدا می‌کند. در جامعه‌های بشری سیر گاهی از بی‌خردی به سوی خرد است و زمانی این سیر معکوس می‌شود. در فرصتهایی هم تعادل نسبی برقرار است. این فرصتها را بهترین دورانهای یک تاریخ می‌توان دانست. اکنون در میان ما همین که به وجود افراط و تفریط توجه شده و در جستجوی اعتدال برآمده و از این طلب شاد شده‌ایم، غنیمت است و این غنیمت را نباید از دست داد. این شادی می‌تواند نشانه توجه و تعلق به اعتدال و مقدمه و شرط لازم (و البته نه کافی) برای خروج از افراط و تفریط باشد. هر وقت در کشوری و در میان مردمی شادی و امید پدید می‌آید، اگر این شادی، شادی فرار و فراغ از مسئولیت و ماندن در سودای معجزه‌های نجات‌بخش اشخاص و حکومتها نباشد، احتمال گشایش در کارها بیشتر می‌شود. یک مشکل بزرگ در جهان توسعه‌نیافته این است که مردم معمولاً حکومت را داناتر و تواناتر از آنچه هست می‌دانند و از آن توقع حل و رفع هرچه زودتر مسائل و مشکلاتی دارند که حل و رفع آنها به آسانی از عهده حکومت بر نمی‌آید اما گاهی هم که حکومت از عهده کار برنیاورد کسانی به جای اندیشیدن به مشکل و چاره‌جویی ممکن است باز امید خود را به رفتن حکومت موجود و آمدن حکومت دیگر ببندند. این توهم که دولت ناتوان می‌رود و دولتی می‌آید که با تصمیمهای آرامش و اعتماد و فراوانی و رفاه و مسکن و بهداشت و سلامت و مدرسه خوب و صلاح اخلاقی و نشاط فرهنگ و ادب و آزادی و بهروزی می‌آورد، از نشانه‌های وجود افراط و تفریط در جانهاست. دولت و حکومت، دولت و حکومت مردم است. اگر مردم نه صرفاً در حرف و شعار بلکه در کار تدبیر و اصلاح با حکومت همراهی و همکاری کنند، معجزه‌ای که توقع دارند محقق می‌شود یعنی دولت و حکومت حتی اگر مرکب از صالح‌ترین اشخاص باشد، در صورتی از عهده کارها برمی‌آید که با مردم پیوند دوستی و صمیمیت داشته باشد و از اعتماد و پشتیبانی فکری و عملی آنان برخوردار شود.

در ماههای اخیر که مردم با شادی و امید از اعتدال استقبال کرده‌اند، باید در عین توجه به اینکه جانها کم و بیش پرورده

فضای افراط و تفریط است و آثار افراط و تفریط را در همه‌جا می‌توان یافت، به شرایط اعتدال اندیشید و راهی برای خروج از افراط و تفریط جست. چگونه از این وضع می‌توان خارج شد؟ افراط و تفریط صرفاً با انکار و تقبیح و تبری جستن لفظی از آنها و ایراد سخنان انتزاعی از میان نمی‌رود زیرا با جان و دل مردمان درآمیخته و در متن زندگی و روابط و مناسبات و فهم و درک آنان نفوذ کرده است. این خروج موقوف به تحولی در وجود ما و نزدیک‌شدنمان به فضیلت عقلی است. اعتدال نه یک امر موجود بلکه یک وضع خواستنی است و باید به وجود آید و هرگز امکان به وجود آمدنش را نمی‌توان نفی کرد. مع‌هذا در جهانی که با عقل تقلیدی می‌اندیشد و احیاناً از عقل به لفظ آن راضی است، پدیدآمدنش آسان نیست. در شرایطی که فساد به سرعت گسترش می‌یابد و در کار معاش و درمان و بهداشت و آموزش و اقتصاد هزار خلل و مشکل وجود دارد و چنانکه باید به علاج این دردها و گذشت از این مصیبتها و ابتلاها نمی‌اندیشند راه اعتدال بسته می‌ماند. برای رسیدن به اعتدال ابتدا باید بتوانیم به این مسائل بیندیشیم و از قول و فعل بیهوده درگذریم و به عین مسائل برسیم. درک درست مسائل شرط اعتدال است. با خودآگاهی به وضع فقدان تعادل و اعتدال است که راه گذشت از افراط و تفریط و رسیدن به اعتدال گشوده می‌شود.

۷- اعتدال و افراط و تفریط مفاهیم عام و کلی نیستند بلکه در هر جا به صورتی خاص ظاهر می‌شوند پس آنها را در همانجا که ظاهر می‌شوند باید شناخت. یعنی هرچند که نباید از ریشه و اصل آنها غفلت کرد، شناسایی‌شان با تأمل در فکر و عمل و رفتار شایع اخلاقی و سیاسی آغاز می‌شود. تخطی از قواعد اخلاقی و قوانین حقوقی همیشه بوده است اما اگر این تخطی شایع و عادی شود و قبح آن از میان برود و صرفاً به رعایت ظاهری و صوری بعضی از قواعد اخلاقی و حقوقی اکتفا شود و عمده قواعد اخلاق و قوانین مهمل بماند، به رعایت هیچ قانون و قاعده‌ای نمی‌توان امیدوار بود. شنیده‌ام یا در جایی خوانده‌ام که سمیناری با عنوان اخلاق تشکیل شده و در آن از میان همه مسائل اخلاق صرفاً از حجاب بحث کرده‌اند. امیدوارم این فقط

یک شایعه باشد. بحث در حجاب و به طور کلی در قواعد شرع جایگاه و اهمیت خاص دارد اما تلقی حجاب به عنوان تمام اخلاق نه تنها بی‌اعتنایی به اخلاق است (زیرا به صورت نه چندان سربسته می‌گوید تا هشتاد سال پیش در ایران هیچگونه فساد اخلاقی وجود نداشته است) بلکه به حجاب و حتی شاید به اصل آن آسیب می‌رساند. منکر نمی‌شویم که این قبیل اقدامها با حسن نیت صورت می‌گیرد. اما حسن نیت که برای اخلاقی‌بودن و اخلاقی‌شدن اعمال ضروری است شرط کافی برای آن نیست و ضرورتاً به ترویج اخلاق کمک نمی‌کند. راستی آیا حجاب تمام اخلاق است و اگر رعایت شود به هیچ اصل و قاعده اخلاقی دیگر نیاز نداریم؟ اصلاً مگر چه عیبی داشت که عنوان سمینار به جای اخلاق، حجاب می‌بود و جمعی از فقها و صاحب‌نظران مسائل دینی و فرهنگی و اجتماعی می‌نشستند و از وجهه‌های دینی و اخلاقی و فرهنگی و سیاسی درباره حجاب بحث می‌کردند. پس چرا نام سمینار حجاب را سمینار اخلاق گذاشتند؟ این نامگذاری بی‌آنکه برگزارکنندگان قصد و عمدی داشته باشند، به غلبه روح افراط و تفریط باز می‌گردد. افراطش که از تأثیرات تجددمآبی هم برکنار نیست این است که حجاب را به جای کلّ اخلاق می‌گذارد و آن را به اخلاق تحویل می‌کند. تفریطش تحویل اخلاق به حجاب و ناچیز انگاشتن تلویحی کلّ اخلاق است. تکرار کنیم که این افراط و تفریط اختصاص به یک جامعه خاص ندارد بلکه جهان ما جهان افراط و تفریط شده است و ما نیز به آن خو کرده‌ایم. تکرار کنیم که افراط و تفریط را صرفاً در سیاست نباید دید اما در عالمی که قهر و غلبه اصل است و دوستی جایی ندارد و شکست‌ها و درماندگی‌ها به کینه مبدل شده است و رفتار و گفتار را احیاناً و در بعضی مناطق جهان کین‌توزی راه می‌برد، افراط و تفریط هم صورت سیاسی پیدا می‌کند یا بیشتر در سیاست ظاهر می‌شود. وقتی در سیاست افراط و تفریط راه می‌یابد کار آن با موافقت یا مخالفت تمام نمی‌شود بلکه باید از وضعی که پیش آمده است خارج شد. افراط و تفریط اختصاص به این یا آن حوزه و روش سیاست ندارد و شاید بتوان گفت که همه‌جایی شده است هر چند که

صورت‌های آن متفاوت است. اگر در جایی مثلاً کسی بزرگترین خیانت و گناه و خطای سیاست و تاریخ را مذاکره سیاسی با آمریکا بدانند، او را افراطی می‌دانند و البته حق هم دارند زیرا نمی‌دانیم آیا سخنی هست که تا این اندازه از اعتدال دور باشد اما فکر نمی‌کنند که مثلاً بعضی از ایرانیان درس‌خوانده‌ای که در آمریکا و اروپا دور از وطن نشسته‌اند و ورد زبان‌شان آزادی و حقوق بشر و عدم خشونت و ... است و آرزوی تحقق دموکراسی تام و تمام و تسلیم همگان به نظام لیبرال دموکراسی کامل برای کشور خود دارند و حتی حمله نظامی به یک کشور و کشتار مردمش را برای تنبیه زمامداران تأیید می‌کنند، اهل افراط و تفریط باشند ولی اینها هم به همان اندازه، افراطی و گرفتار اوهامند و تمنای بیهوده و محال دارند و از محال بودن تمنای خود بی‌خبرند و این مهمترین وجه مشترک اهل افراط و تفریط در سیاست است. یعنی هیچ یک از آنها به شرایط امکان امور فکر نمی‌کنند. یکی به جای اینکه بپرسد و ببیند که مذاکره چه شرایطی دارد و چه وقت به مذاکره نیاز نیست و به نتیجه نمی‌رسد و کی و کجا باید مذاکره کرد، مذاکره را با تسلیم اشتباه می‌کند و تنها به شرطی آن را می‌پذیرد که طرف مذاکره کاملاً تسلیم شده باشد. او هرگز نمی‌پرسد و فکر نمی‌کند که از مذاکره‌نکردن چه به دست آمده است که در مذاکره از دست برود. آن دیگری هم خیال می‌کند که دموکراسی را به صورت بسته‌بندی شده می‌توان از بازار خرید و حتی آن را به نیروهای مهاجم و اشغالگر نظامی سپرد که آن را با بمبها و موشک‌هایشان به هرجا ببرند و مصرف کنند. هر دو گروه هرکس را که مثل آنان نیندیشد به نام حق و عدالت یا آزادی مطرود و منحرف می‌خوانند. اولی اگر ملاقات سیاسی را ذنب عظیم و خیانت مسلم و بر باد دهنده همه دستاوردها و آرمانها و احیاناً جاسوسی می‌داند، دیگری داشتن گوشه چشمی به تاریخ سی و شش ساله انقلاب را جرم بزرگ و بخشش‌ناپذیر می‌شمارد. هیچ یک از دو گروه به تاریخ و تجربه تاریخی کاری ندارند و به مسائل اصلی سیاست و زندگی مردم و طریق صلاح و فساد کشور نمی‌اندیشند و اگر توجهی بکنند، توجهشان اتفاقی و عرضی است و در فهم سیاسی جایی ندارد.

هر دو گروه زبان خشن و تند و ناسزاگو دارند. به نظر یک گروه، سیاست و تمام سیاست این است که با آمریکا مذاکره نشود گویی اگر آمریکا نبود هیچ مشکل سیاسی وجود نداشت و حتی سیاست هم هیچ بود و منتفی می‌شد. به نظر گروه دیگر برقرار شدن رابطه با آمریکا راه حل تمام مسائل است و البته در این راه باید رسوم دموکراسی را نیز ستود و تمام آن رسوم را لااقل در ظاهر بی‌چون و چرا و بی‌کم و کاست رعایت کرد. هیچ یک از این دو گروه کاری به مقتضیات عمل سیاسی ندارند بلکه این آن را فاسد و خائن و مزدور و آن این را بی‌شعور و جاهل و قشری و خشن می‌داند. اصلاً مسئله و مشکل و اینکه چه باید کرد مطرح نیست بلکه هر یک از دو طرف رأی و راه خود را درست می‌داند و همه باید متابعت کنند. کیست که بتواند به ایشان بفهماند و بقبولاند که در راه بن‌بست و محالند. فهم اهل افراط و تفریط سخن اهل اعتدال را در نمی‌یابد و نمی‌پذیرد. این مشکل کوچکی نیست مع‌هذا باید برای رفع آن کوشید. اگر در جایی زبان اعتدال گشوده شود، قدرت آن را دارد که به تدریج هم نقاب از چهره افراط و تفریط بردارد و هم از نفوذ و تأثیرش بکاهد یا جلوگیری کند. نویسندگان و شاعران و فیلسوفان و دانایان و دانشمندان بزرگ به مقابله مستقیم با مشکلات زمان خویش بر نمی‌خیزند بلکه با زبان و سخن و دم آتشین خود آلودگی‌های هوا و فضای زندگی را کم و بیش می‌زدایند و راهی به روی خرد و اعتدال می‌گشایند و مردمان را مهیای ورود در آن راه می‌کنند. در این گشایش است که امکانهای عمل سیاسی و ترتیب اهم و مهم در کارها و اینکه هر کاری را کی و در کجا باید انجام داد، آشکار می‌شود. اعتدال شناخت وقت و انس با زمان است و همه افراط و تفریط‌ها هر جا که باشد، از بیگانگی با زمان و معلق ماندن در اوهام برمی‌خیزد. اعتدال در سیاست چنانکه اشاره کردیم وضعی در میان دو وضع متضاد نیست و فی‌المثل نمی‌توان قدری از استبداد را با عنصری از دموکراسی ترکیب کرد یا میان این دو وضع ایستاد. اعتدال در عمل اخلاقی و سیاسی توانایی اندیشیدن، قبل از هر موافقت و مخالفت و آماده‌بودن برای اتخاذ تصمیم‌های به موقع و انتخاب مناسبترین راه‌ها و اقدام‌هاست.

۸- با توجه به آنچه گفته شد اعتدال شرط برنامه‌ریزی و عین آینده‌بینی است. سخن اوایل این نوشته را به یاد آوریم که راه رسیدن به تعادل و اعتدال در جهان توسعه‌نیافته، راهی بسیار ناهموار و دشوار است اما این راه بر هیچ قوم و مردمی بسته نیست. وقتی امید به اعتدال و آینده در دلها پدید می‌آید و زبان افراط و تفریط کم و بیش بازشناخته می‌شود و مردمان نسبت به پریشانی و آشوبی که در معانی عدل و ظلم و آزادی و استبداد و قدرت و حقیقت و علم پدید آمده است به خود آگاهی نسبی می‌رسند، اقامت در مهلکه و مخافتگاه افراط و تفریط برایشان دشوار می‌شود و باید راهی برای رسیدن به جایگاه امن بیابند. این جهان امن با انباشتن زرادخانه‌ها و برافروختن آتش جنگ و امنیتی‌کردن فضای زندگی و پر کردن آن با هول و تشویش بنا نمی‌شود و پدید نمی‌آید. اصلاً جهان با این سیاست و شیوه عمل سیاسی پر از خشم و خشونت و دروغ و کین‌توزی شده و (برحسب آنچه اورول در کتاب ضد اوتوپیا «۱۹۸۴» خود گفته است، ظلم و جنگ و انقیاد، نام عدل و صلح و آزادی یافته) وجود بشر در معرض خطر قرار گرفته است. با چشم بستن بر روی این جهان و اعتنا نکردن به آن و البته با مخالفت‌های رمانتیک و ایراد شعارهای اخلاقی-سیاسی کار جهان به صلاح نمی‌آید. این گمان که در کناره‌های آشوب این جهان راهی می‌توان یافت، گمانی بیهوده است. همه جهان در محاصره آشوب و پریشانی است پس راه را هم باید از میان آشوبی که در فکر و زبان و عمل و اخلاق و سیاست و در راه‌ها و روح‌ها و کارها پدید آمده است، گشود. در جهان مبتلی به افراط و تفریط هیچ یک از ما نباید خود را به کلی بیرون از محیط افراط و تفریط و برکنار از آن بدانیم بلکه باید به افراط و تفریط در زمانه عسرت بیندیشیم و صورتهای آن را بازشناسیم. برای آشنایی بیشتر با وضع اعتدال و افراط و تفریط بد نیست که در نظر آوریم که در جهان رو به توسعه گروه‌هایی از مشتغلان به کار سیاست با نظم سیاسی موجود به هیچ‌وجه سر موافقت و سازگاری ندارند و با آن دشمنند. گروه دیگر به یک نظم آرمانی که آن را تحقق‌بخش همه آرمانها می‌دانند قائلند. آرمان یک نظام دینی و معنوی، امر مهم و

بزرگی است که اگر گمان کنند با اتخاذ تدابیر معمولی و اقدامهای رسمی و با برگزاری صرف مراسم آئینی متحقق می‌شود آن را بسیار ناچیز انگاشته‌اند زیرا نظم آرمانی (آرمان) که می‌گویند مراد معنی لفظی و لغوی آن یعنی آرزو نیست بلکه منظور یک نظم اخلاقی و عادلانه در زندگی است) نه در گذشته وجود داشته است و نه هم‌اکنون وجود دارد بلکه باید در آینده ساخته و پرداخته شود و این ساختن و پرداختن موقوف به دانستن طرحی برای آینده و راهی برای تحقق بخشیدن به آن است.

۹- من که از چهل سال پیش همواره به این نظم آرمانی (ایده‌آل) می‌اندیشیده‌ام، همواره در نظر داشته‌ام و در نظر می‌آورده‌ام که پدیدآمدن نظم تازه مستلزم تحول در وجود مردمان و مسبوق به ظهور تفکر آینده‌بین و توانایی عبور و گذشت از تمامیت تاریخ عظیم تجدد است. در آغاز انقلاب این تفکر هنوز ظهور نکرده بود و از همان وقت افراط و تفریط‌هایی در قول و فعل دیده می‌شد. گاهی فکر می‌کردم شاید این بار پدید آمدن نظم جدید موقوف و مسبوق به تحول در تفکر نباشد و تحول سیاسی و فکری با هم پدید آید و هم‌عنان پیش رود اما به تدریج معلوم شد که دو نظر کاملاً متفاوت سیاسی سیر انقلاب را رقم می‌زند. یکی اینکه آرمان با پیروی از علم موروث و دستورالعمل‌های مرسوم و موجود و از طریق اقدامهای سیاسی و برگزاری مناسک و رسوم آئینی متحقق می‌شود و گروه دیگر پیروی از رسوم رسمی لیبرال‌دموکراسی یا سوسیالیسم را راه درست می‌شناسند. البته صاحبان آرمان دینی که سیاست را عین دین و اعمال و مراسم دینی می‌دانند به نیت اهمیت می‌دهند و معمولاً نتیجه و مقصد راه را فراموش می‌کنند و حتی وقتی در هر قدم با مشکل مواجه می‌شوند کمتر به آن اهمیت می‌دهند و شاید اصلاً اعتنا نکنند. گروه دیگر که به پیروی بی‌چون و چرا از روشها و از رسوم سیاسی مشهور در جهان جدید قائل بودند به نیت واقعی نمی‌گذاشتند و نمی‌گذارند بلکه صرفاً به نتیجه نظر داشتند. یعنی می‌گفتند انگیزه مهم نیست بلکه به انگیزه فکر باید کرد. هر دو به اعتباری درست می‌گفتند زیرا در عمل نیت و نتیجه هر دو مهم

است به شرط اینکه هیچ یک را مطلق نینگارند. در عبادت و عبودیت و عمل عبادی و اخلاقی نیت اصل است و نتیجه اهمیت ندارد اما در کار سیاست و مدیریت تدبیر برای رسیدن به نتیجه مطلوب است. اینجا به جای نیت باید در جستجوی تدبیر بود. هیچ یک از این دو گروه توجه نداشتند که موقع و مقام و مراتب را رعایت نکرده و سخن را از جای خود بیرون آورده و به این جهت آن را به احکام جدلی مورد نزاع تبدیل کرده‌اند. سیاست گرچه مجال و میدان نزاع و مخالفت و موافقت است اما سیاستمداران در نزاع‌هایشان کاری به حقایق و مباحث نظری درست یا نادرست ندارند بلکه باید راهی برای تأمین مصالح و منافع کشور خود بجویند. سیاست دینی هم از این حیث تفاوتی با سیاستهای دیگر ندارد و نباید آن را با اعمال عبادی دین اشتباه کرد. سیاست هر جا و هر وقت باشد سیاست است چنانکه امام علی علیه‌السلام نیز در صدر نامه به مالک اشتر گرفتن خراج و آبادانی کشور و دفاع از آن و اصلاح کار مردمان را وظیفه حکومت دانسته است. می‌توان با اوضاع فعلی جهان مخالف بود و به آینده آن با نگرانی نگریست اما باید توجه داشت که مثلاً تجدد و قدرت آن با حرف و لفظ و ناسزاگویی نفی نمی‌شود و به فرض اینکه به صرف نفی لفظی وضع موجود، جهان متجدد از هم بپاشد، عدل و اعتدال و عدالت خود به خود پدید نمی‌آید که جای آن را بگیرد. حتی استقرار دموکراسی هم موقوف به پدید آمدن شرایط تاریخی مادی و اخلاقی خاص است. اختلاف این دو گروه آشکار است. یکی آرمانش مأخوذ از سوابق تاریخی و مآثر دینی است و دیگری آن را در گذشته غرب و رسوم سیاسی آن می‌جوید اما وجه عمده و اساسی نزدیکی‌شان این است که هر دو می‌پندارند صرفاً با حرف و زبان و گفتار و عمل بی‌پروا و تند و خشن و با تصمیم‌ها و اقدامهای عملی که به حکم ضرورت‌های هر روزی اتخاذ و اجرا می‌شود و بدون درنگ و تأمل و ذکر و فکر جهان را می‌توان به اوتوپای آزادی و رفاه و آسایش یا به شهر الهی و قدسی مبدل کرد. شهر خدایی و جامعه آزادی و آسایش هر دو خواستنی‌اند ولی به صرف خواهش این و آن، حاصل و متحقق نمی‌شوند. اعتدال این است که از رویای طلب و خواستن برترین آرزوها و

بخصوص آرزوهای تقلیدی بی‌آنکه شرایطش فراهم باشد (و نمی‌گویم در شرایط پریشانی و فساد و کدورت زبان و فهم و خرد) بیرون آییم و قدم در راه بگذاریم و در هر گام به گام و گامهای بعدی نظر داشته باشیم. همه ما در فکر کردن، آزادیم و در عین احترام به خرد و خردمندی باید بدانیم که هیچ یک از ما قائم مقام همه مردم و فرمانروای ملک خرد نیستیم و به جای مردم و به عنوان مظهر خرد و خردمندی نمی‌توانیم اظهار نظر کنیم بلکه باید با مردم هم‌زبان شویم. حکومت هم باید از در هم‌زبانی و همداستانی با مردم وارد شود تا بتواند به نمایندگی از مردم سخن بگوید و عمل کند. کشور به گروه خاصی از مردم تعلق ندارد و همه باید بدانند و همواره به یاد داشته باشند که:

خلق سراسر همه نهال خدایند

هیچ نه بشکن از این نهال و نه برکن

۱۰- خلاصه کنم اعتدال یک امر روان‌شناسی یا صفت اخلاقی شخصی نیست و مخصوصاً آنچه امروز و اکنون در باب اعتدال گفته می‌شود، ناظر به اعتدال در سیاست و جامعه است. اعتدال در سیاست و جامعه این است که بدانیم در شرایط کنونی بهترین و مناسبترین کارهایی که برای تأمین مصالح و منافع کشور و مردم می‌توانیم و باید انجام دهیم کدامهاست و در چه کارهایی که انجام شده است و می‌شود، به مردمان زیان و آسیب رسیده است. سیاست اعتدالی باید از گسترش فساد و لابی‌گری در گفتار و عمل و نومی‌دی و شیوع روحیه رفع تکلیف به جای انجام وظیفه جلوگیری کند. اعتدال با امید نسبت دارد و البته امیدوار بودن توانایی می‌خواهد. هرچه آرزومندی و آرزوکردن آسان است و جدا شدن از زمین واقع‌بینی و پرواز در ابرهای اوهام آسودگی خیال می‌آورد، امیدواری که با درد و خردمندی ملازمت دارد و متوقف بر آشنایی با زمان و برخورداری از درک شرایط و امکانات تاریخی است صبر و شکیبایی و طاقت می‌خواهد. به عبارت دیگر امید، یک وضع اخلاقی است که با درک آینده مناسب دارد و راه آن به قدم همت و نه با قهر و خشونت و عبوس تحکم، پیموده می‌شود. اعتدال سلیقه‌ای در میان سلیقه‌ها یا طبعی در میان طبعها و مزاجها هم نیست. بلکه بر تعادل وجودی و

ادراکی مبتنی است. مردمی که با عدل و تعادل نسبت دارند و حد و اندازه را می‌شناسد اعتدال در فکر و عمل پیدا می‌کنند. اینانند که به صفت اخلاقی عدالت و عادل بودن متصف می‌شوند. پس از اوصاف اهل اعتدال یکی هم این است که حد و قدر خود را می‌شناسند و داعیه بیهوده ندارند و فهم و فعل خود را مطلق و بی‌چون و چرا نمی‌انگارند و اگر خدمتی به کشورشان کردند طلبکار کشور و مردم نمی‌شوند و به دیگران از این بابت فخر نمی‌فروشند و خود را از دیگران در بیان نظر و در سیاست و قدرت مقدم و برتر نمی‌شناسند. آنها می‌دانند یا می‌توانند یاد بگیرند و بدانند که مناسبترین کارها در هر وقت و هر جا چیست و کدام است و چه کسانی از عهده این کار بر می‌آیند. پیداست که اگر مسئولان و متصدیان امر خدمتی کردند مردم قدر آن خدمت را می‌دانند و اگر این خدمت بزرگ باشد، اهل فرهنگ و هنر هم در راه پاسداری آن می‌کوشند به شرط اینکه خدمت خادمان وسیله و دستاویز طلبکاری و منت‌گذاشتن و تحکم نباشد و نشود و نکته آخر اینکه:

اعتدال و کمال‌طلبی (یا به اصطلاح نه چندان مناسب آرمانخواهی) در تقابل با یکدیگر قرار ندارند مگر آنکه کمال‌طلبی با سیر در ابرهای اوهام اشتباه شود. درست است که مبتلایان به اوهام از اعتدال دورند اما مردمی هم که طالب کمال نباشند و مقصد و مقصودی نداشته باشند، راه نمی‌جویند و اهل فکر و عمل نیستند پس چگونه از اعتدال برخوردار باشند زیرا اعتدال مستلزم شناخت مقصد و راه و شرایط سیر در آن و گزینش وسایل مناسب برای رسیدن به غایات مطلوب است. اگر شرایطی که گفته شد فراهم شود، دروغ و فساد تا حدی از رواج می‌افتد و زبانها و دستها بالنسبه پاک و پاکیزه می‌شود. اعتدال اندیشیدن به کارها و سخنها و گفتن سخن راست و به موقع و مناسب و عمل کردن به موقع و بجا و یک‌زبان و هم‌زبان بودن با خود و دیگران است. اگر می‌فرمایید اعتدال را با کمال مطلوب اشتباه کرده‌ام می‌گویم مگر اعتدال و عدل همان کمال مطلوب نیست؟ اعتدال فضیلت است و فضیلت مایه کمال آدمی و عین نظم عادلانه زندگی است.



جلسات شورای علمی

در تابستان سال جاری ۴ جلسه شورای علمی با حضور رئیس فرهنگستان، رؤسای گروههای علمی، دبیر و معاونان پژوهشی فرهنگستان و سرپرست گروه مطالعات آینده‌نگری مرکز مطالعات فرهنگستان برگزار شد. در این جلسات ضمن تأیید درخواست عضویت وابسته آقای دکتر جعفر مهرداد در گروه علوم انسانی و ارسال آن به مجمع عمومی فرهنگستان برای تصویب، با همکاری آقای دکتر عباسعلی مطلبی استاد و رئیس مؤسسه تحقیقات شیلات کشور در گروه دامپزشکی و آقای دکتر منوچهر وثوقی استاد دانشکده مهندسی شیمی و نفت دانشگاه صنعتی شریف در گروه علوم مهندسی برای یک دوره دو ساله به عنوان همکار مدعو، موافقت به عمل آمد و با تمدید همکاری آقایان دکتر امیر بدخشان و دکتر محمدکاظم مروج فرشی در گروه علوم مهندسی برای یک دوره دو ساله دیگر موافقت شد. تأیید تمدید عضویت وابسته ۳ عضو وابسته گروه علوم دامپزشکی، ۱۵ عضو وابسته گروه علوم پایه و ۲۰ عضو وابسته گروه علوم کشاورزی برای یک دوره چهار ساله دیگر و ارسال به مجمع عمومی برای تصویب، از دیگر موارد مطرح شده در این جلسات بود.

■ در جلسه شورای علمی مورخ ۱۳۹۲/۴/۹ که آقای دکتر جعفر توفیقی عضو گروه علوم مهندسی فرهنگستان نیز حضور

داشت، نظرات تدوین‌شده در فرهنگستان پیرامون «آموزش عالی و نظام دانشگاهی کشور» بررسی و ضمن اعمال اصلاحات لازم، در هفت بند به تصویب رسید. تصمیم‌گیری درخصوص مطالب تدوین‌شده پیرامون مشکلات اقتصادی کشور از دیگر موضوعات مطرح شده در جلسه بود که پس از بحث و تبادل نظر، مقرر شد شاخه اقتصاد گروه علوم انسانی با عنایت به نظرات اعضای شورا، «مهمترین مشکلات اقتصادی کشور» را به صورت بیانیه تنظیم کند تا این پیشنهادها نیز مانند پیشنهادهای مرتبط با «آموزش عالی کشور» طی نامه‌ای برای رئیس محترم جمهوری ارسال شود.

■ در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۰، نامه رؤسای مشترک شبکه جهانی آکادمیهای علوم درخصوص ارائه پیشنهاد برای انتخاب اعضای کمیته ارزیابی طرح توسعه آکادمیهای علوم آفریقا مطرح شد و موضوع جهت بررسی و اظهار نظر به گروههای علمی محول گردید. در این جلسه پس از توضیحات آقای دکتر محمدرضا عارف رئیس گروه علوم مهندسی درباره کارگروه جدید انرژیهای تجدیدپذیر در گروه علوم مهندسی، آیین‌نامه کارگروه به تصویب رسید.

آقای دکتر سیدمصطفی محقق‌داماد رئیس گروه علوم اسلامی نیز در این جلسه پیشنهاد کرد گروه علوم انسانی گزارشی از وضع علوم انسانی دانشگاهها در سالهای اخیر تهیه و ارائه کند که این پیشنهاد مورد موافقت قرار گرفت. تعیین دستور جلسه یکصد و چهارمین جلسه مجمع عمومی فرهنگستان از دیگر موضوعات مطرح‌شده در جلسه شورای علمی چهارصد و دهم بود.

■ در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۶/۱۷، گزارش نهایی طرح پژوهشی تاریخ مهندسی ایران (مدیر طرح: آقای دکتر پرویز دوامی) به تصویب رسید و با توجه به تمایل مدیر طرح مذکور به انتشار کتاب حاصل از یافته‌های طرح، اجازه داده شد که کتاب چاپ و در مقدمه آن ذکر شود که این اثر حاصل طرح پژوهشی اجراشده در فرهنگستان علوم است. موافقت فرهنگستان با حمایت از نخستین کنفرانس ملی ارزیابی کیفیت در نظامهای دانشگاهی از دیگر مصوبات این جلسه بود.

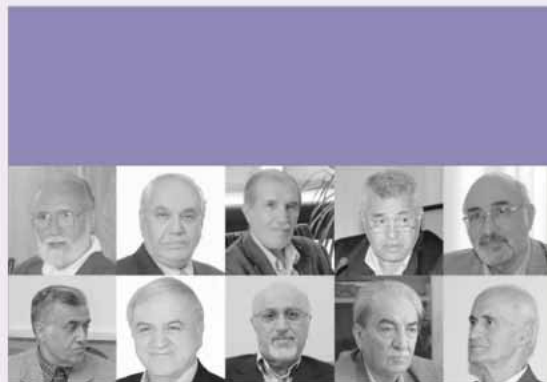
■ در چهارصد و دوازدهمین جلسه شورای علمی مورخ ۱۳۹۲/۶/۳۱، نامه رئیس بنیاد علم سازمان همکاریهای اقتصادی (ECOSF) مطرح و با درخواست مشارکت فرهنگستان علوم ایران به عنوان یکی از کشورهای عضو اکو جهت آموزش علم برای نسلهای آتی به منظور توسعه اقتصادی در منطقه موافقت شد. همچنین در این جلسه با کلیات نامه

تهیه شده توسط گروه علوم پایه درخصوص رفع تحریمهای علمی-تجاری علیه نویسندگان ایرانی موافقت شد و مقرر گردید این نامه پس از تصحیحات مورد نظر رئیس فرهنگستان از سوی ایشان برای آکادمیهای علوم دنیا و آکادمیهایی که با فرهنگستان علوم ایران تفاهم نامه همکاری امضا کرده اند و تعدادی از سازمانهای مهم علمی بین المللی ارسال شود.

قرار گرفت. همچنین در این جلسه پیشنهاد شد آقای دکتر غلامرضا اعوانی عضو پیوسته گروه علوم اسلامی، گزارش سفر به کشور چین را در یک جلسه سخنرانی به استحضار اعضا برساند.

■ در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۶/۱۰، با تأیید گزارش نهایی طرح پژوهشی «تاریخ مهندسی در ایران (مدیر طرح: آقای دکتر پرویز دوامی)»، طرح مزبور خاتمه یافته تلقی شد. در این جلسه ضمن تأیید چاپ ۹ جلد کتاب حاصل از طرح پژوهشی «سیر تاریخی علوم پزشکی در حیطه ایران و اسلام- بخش دوم» با آرم مشترک فرهنگستان علوم و دانشگاه علوم پزشکی تهران مقرر شد مراتب به شورای تلفیق طرح کلان پژوهشی «بررسی وضع علم در کشور برای جهت گیری آینده» اعلام شود. موافقت با سمینارها و جلسات سخنرانی پیشنهاد شده از سوی گروه علوم کشاورزی در شش ماهه دوم سال جاری از دیگر موضوعات این جلسه بود.

■ در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۶/۲۴، ضمن تصویب مقالات حاصل از طرحهای پژوهشی خاتمه یافته، درخصوص نتایج حاصل از کارگروه آینده اخلاق دانشگاهی در ایران بحث و تبادل نظر شد و هر یک از استادان عضو شورای پژوهشی به بیان نظرها و دیدگاههایشان پرداختند. در نهایت مقرر شد پس از جمع بندی و اعمال نظرات اعضا، نسخه نهایی نتایج این کارگروه تدوین و ارائه شود.



جلسات شورای پژوهشی

در تابستان سال جاری ۳ جلسه شورای پژوهشی با حضور آقایان دکتر حسین نمازی و دکتر محمد شاهدی معاونان پژوهشی، دکتر ظهور دبیر فرهنگستان، دکتر اعوانی، دکتر رفیع پور، دکتر بلورچیان، دکتر نادعلیان، دکتر شریفی تهرانی و دکتر کاوه نمایندگان گروههای علمی و دکتر گواهی نماینده مرکز مطالعات فرهنگستان تشکیل شد.

■ در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۴/۱۶ با عنایت به گزارش داور، طرح پژوهشی «سیر تاریخی علوم پزشکی در حیطه ایران و اسلام- بخش دوم (مدیر طرح: آقای دکتر محمدرضا شمس اردکانی)» تأیید شد و برای تصویب در دستور کار شورای تلفیق طرح پژوهشی «بررسی وضع علم در کشور برای جهت گیری آینده»



صد و چهارمین جلسه مجمع عمومی فرهنگستان علوم

روز پنجشنبه ۱۳۹۲/۵/۲۴، یکصد و چهارمین جلسه مجمع عمومی با حضور اعضای پیوسته فرهنگستان، به ریاست آقای دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم، برگزار شد. در ابتدای جلسه آقای دکتر داوری ضمن خوش آمدگویی، فرا رسیدن عید سعید فطر را تبریک گفت. در ادامه و پس از تصویب صورتجلسه مجمع عمومی صد و سوم، آقای دکتر محمدحسن بزرگمهری فرد عضو پیوسته جدید گروه علوم دامپزشکی در سخنانی ضمن تشکر از رأی مجمع عمومی فرهنگستان، به موضوع بیماریهای مشترک بین انسان و پرندگان پرداخت. در پایان سخنرانی، حکم عضویت پیوسته آقای دکتر بزرگمهری فرد، از سوی رئیس فرهنگستان علوم، به ایشان اعطا شد.

سپس درخواست عضویت وابسته آقای دکتر جعفر مهرداد استاد علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه شیراز در گروه علوم انسانی فرهنگستان علوم مطرح شد. پس از توضیحات رئیس فرهنگستان علوم و رئیس گروه علوم انسانی و تبادل نظر، رأی‌گیری کتبی صورت گرفت و با عضویت وابسته آقای دکتر

جعفر مهرداد برای یک دوره چهارساله موافقت به عمل آمد. تمدید عضویت وابسته ۱۵ عضو وابسته گروه علوم پایه، ۳ عضو وابسته گروه علوم دامپزشکی و ۲۰ عضو وابسته گروه علوم کشاورزی برای یک دوره چهارساله دیگر، از دیگر موضوعات مطرح‌شده در جلسه بود که پس از بحث و تبادل نظر و رأی‌گیری کتبی، با عضویت وابسته استادان پیشنهادشده: آقایان دکتر محمدرضا سعیدی، دکتر عباس شفیعی، دکتر مجتبی شمسی‌پور، دکتر سیدحبیب‌الله فیروزآبادی، دکتر علی‌اکبر موسوی موحدی، دکتر جواد بهبودیان، دکتر مگردیچ تومانیان، دکتر محمد اخوان، دکتر حبیب تجلی، دکتر محمدعلی شاهزمانیان، دکتر محمدمهدی شیخ‌جباری، دکتر بهمن خلدبرین، دکتر محمود شمسی شهرآبادی، دکتر کاظم سیدامامی و دکتر فرید مر در گروه علوم پایه، آقایان دکتر اسدالله توسلی، دکتر پرویز اهورایی و دکتر خداداد مستغنی در گروه علوم دامپزشکی، و آقایان دکتر حسین صدقی، دکتر امین علیزاده، دکتر علی خلیلی، دکتر سیروس سلمان‌زاده، دکتر مجید کوپاهی، دکتر عزت‌الله کرمی، دکتر عنایت‌الله تفضلی، دکتر محمود زبیری، دکتر مجید

مخدوم، دکتر منوچهر مفتون، دکتر علی نیکخواه، دکتر مرادعلی زهری، دکتر داریوش مظاهری، دکتر مصطفی ولیزاده، دکتر عبدالمجید رضایی، دکتر قباد آذری تاکامی، دکتر محمد شاهدی باغ خندان، دکتر جلال جمالیان، دکتر ضیاءالدین بنی‌هاشمی و دکتر علی‌محمد برقی برای یک دوره چهارساله دیگر موافقت شد.

در بخش دیگری از جلسه، آقای دکتر حسن ظهور دبیر فرهنگستان، گزارشی از برگزاری جلسات کارگروه بحث و تبادل نظر پیرامون موضوع «نقش آکادمیها در ریشه‌کن کردن فقر و پیوند میان علم و جامعه» و نتایج حاصل از آن ارائه کرد و بحث درباره این موضوع ادامه پیدا کرد. در پایان مقرر شد جلسات کارگروه با حضور آقایان دکتر غلامرضا اعوانی، دکتر حسین نمازی، دکتر فرامرز رفیع‌پور، دکتر یوسف ثبوتی، دکتر مهدی بهزاد، دکتر سیدمحمد بلورچیان، دکتر پرویز دوامی و

دکتر حسن ظهور ادامه پیدا کند.

در پایان جلسه، پیشنهاد شورای علمی فرهنگستان درخصوص ارسال نامه به رئیس محترم جمهوری و رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی برای تجدید نظر در مفاد آخرین مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی درخصوص انتخاب و تعیین رئیس فرهنگستان و انتخاب عضو، مطرح شد. پس از تبادل نظر میان اعضا مقرر شد کارگروهی به ریاست آقای دکتر محمدرضا عارف و با حضور آقایان دکتر مهدی گلشنی، دکتر محمدرضا مخبر دزفولی، دکتر سیدحسین صفایی، دکتر مهدی بهزاد، دکتر سیدمحمد بلورچیان و دکتر حسن ظهور، اساسنامه را بررسی کنند و اگر علاوه بر انتخاب عضو و رئیس فعلاً تغییری را لازم می‌دانند پیشنهاد کنند تا پیشنهاد مجمع، طی نامه‌ای از سوی رئیس فرهنگستان به رئیس محترم جمهوری برای طرح در شورای عالی انقلاب فرهنگی ارسال شود.

در نامه‌ای از رئیس محترم جمهوری درخواست شد:

■ لغو مصوبه سال ۱۳۸۸ در خصوص اساسنامه فرهنگستانها

همانند گذشته تنها مرجع انتخاب اعضا باشد و درخصوص انتخاب رئیس نیز همانند گذشته مجمع عمومی سه نفر واجد شرایط را به رئیس جمهوری که ریاست عالی فرهنگستانها را نیز به عهده دارد پیشنهاد کند تا ایشان یکی از آنان را به عنوان رئیس فرهنگستان تعیین و منصوب فرماید.

لازم است ذکر شود که بر اساس مصوبه سال ۱۳۸۸، اعضای فرهنگستان با انتخاب و تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی و یا خود فرهنگستان انتخاب خواهند شد و رئیس فرهنگستان نیز از میان اعضای فرهنگستان به پیشنهاد رئیس جمهوری و تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی تعیین خواهد شد.

بر اساس مصوبه یکصد و چهارمین جلسه مجمع عمومی فرهنگستان مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۴، و با توجه به پیشنهادها مطرح‌شده از سوی کارگروه منتخب مجمع، آقای دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم در نامه‌ای به رئیس محترم جمهوری و رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی درخواست کرد که با عنایت به حفظ جایگاه و شأن علمی فرهنگستان، لغو مصوبه سال ۱۳۸۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی درخصوص انتخاب رئیس و اعضای فرهنگستان در دستور کار آن شورا قرار گیرد و ترتیب انتخاب اعضا و رئیس فرهنگستان به روال سابق بازگردد تا در این صورت مجمع عمومی فرهنگستان

نامه رئیس فرهنگستان علوم به رؤسای آکادمیهای علوم دنیا و تعدادی از مراکز مهم علمی بین‌المللی درخصوص:

تحریمهای علمی - تجاری علیه نویسندگان ایرانی

در پی درخواست بسیاری از دانشمندان و پژوهشگران کشور از فرهنگستان علوم و بر اساس مصوبه شورای علمی فرهنگستان، آقای دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران در نامه‌های جداگانه به رؤسای برخی از سازمانهای مهم علمی بین‌المللی نظیر رئیس انجمن آکادمیها و مجامع علمی آسیا، رئیس مجمع بین آکادمیها، رئیس آکادمی علوم جهانی و رئیس آکادمی علوم جهان اسلام و رؤسای آکادمیهای علوم دنیا و آکادمیهایی که با فرهنگستان علوم تفاهم‌نامه همکاری امضا کرده‌اند خواست که در رفع مشکلی که اخیراً برای جامعه علمی و دانشگاهی ایران در زمینه تحریمهای علمی-تجاری پیش آمده است، سعی نمایند. این نامه برای رؤسای: آکادمی علوم فرانسه، آکادمی علوم اتریش، آکادمی علوم لئوپولدینا آلمان، انجمن سلطنتی انگلستان، اتحادیه آکادمی علوم و علوم انسانی آلمان، آکادمی علوم چین، آکادمی علوم جمهوری چک، آکادمی علوم مجارستان، آکادمی ملی علوم هندوستان، آکادمی علوم ایالات متحده آمریکا، مجمع علم ژاپن، آکادمی علوم و تکنولوژی کره، آکادمی علوم لهستان، آکادمی رومانی، آکادمی علوم و هنر صربستان، آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان، آکادمی علوم ترکیه، آکادمی علوم و هنر کرواسی، آکادمی علوم روسیه، آکادمی ملی علوم سريلانکا، شاخه سبیری آکادمی علوم روسیه و ... ارسال شده است. متن نامه رئیس فرهنگستان علوم ایران بدین شرح است:

باسمه تعالی

در آستانه سال تحصیلی جدید و شروع به کار مراکز علمی، آموزشی و دانشگاهی در ایران مایلیم نکته‌ای را با جنابعالی در میان بگذارم تا شاید با همکاری آنجناب و سایر اندیشمندان آکادمیهای علوم جهان مشکلی که اخیراً برای جامعه علمی و دانشگاهی ایران پیش آمده‌است، مرتفع شود.

چنانکه جنابعالی اطلاع دارید، به گواهی منابع و مراجع بین‌المللی، استادان، پژوهشگران و دانشجویان دانشگاهها و مراکز علمی ایران زمین نوعاً از توان علمی نسبتاً بالایی برخوردار هستند به طوری که در سالهای اخیر حاصل تحقیقات و پژوهشهای علمی-بنیادی و دانشگاهی آنان به صورت مقالات معتبر علمی در اختیار همه پژوهشگران علاقمند در سرتاسر دنیا بالاخص جهان اسلام قرار گرفته است. متأسفانه چند صباحی است که بعضی از مجلات و انتشارات علمی به بهانه تحریم، از چاپ مقالات علمی‌ای که نویسندگان تولیدکنندگان آن ایرانی هستند، امتناع می‌ورزند. چنانکه به عنوان نمونه، پایگاه اطلاعاتی الزویر مستقر در هلند، در ۳۰ آوریل سال جاری، طی یادداشتی به شبکه سردبیران مجلات خود، از تمام سردبیران و داوران آمریکایی خواست تا از پذیرش مقالاتی که نویسنده و یا یکی از نویسندگان آن ایرانی و در استخدام دولت ایران باشد، سر باز زنند.

همانگونه که مستحضريد نشر علم جایگاه آزاد دارد و عدالت ایجاب می‌کند که آثار علمی پژوهشگران ایرانی نیز در نشریات بین‌المللی مورد داوری و نشر قرار گیرد و منعی برای چاپ آنها نباشد. چاپ آثار علمی و دسترسی به منابع علمی حق تمامی پژوهشگران جهان است و ضروری است که کلیه فرهنگستانها، برای رفع این مشکل و تحقق حق اندیشمندان ایرانی کوشش نمایند.

از آنجا که روابط دوستانه فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران و آکادمی آن کشور می‌تواند در رفع این مشکل اثرگذار باشد، از جنابعالی و اعضای محترم آن فرهنگستان درخواست دارد که برای رفع معضل ناخواسته اندیشمندان ایرانی حتی المقدور سعی نمایند.

رضا داوری اردکانی

رئیس فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران

انتصابات جدید

■ بنا به موافقت یکصد و چهارمین جلسه مجمع عمومی فرهنگستان مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۴ و طی حکمی از سوی رئیس فرهنگستان، آقای دکتر جعفر مهراد استاد علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه شیراز، برای یک دوره چهارساله، به عنوان عضو وابسته جدید گروه علوم انسانی فرهنگستان منصوب شد.

■ با پایان دوره چهارساله عضویت وابسته ۳ استاد عضو وابسته گروه علوم دامپزشکی و بنا به موافقت یکصد و چهارمین جلسه مجمع عمومی مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۴، طی احکام جداگانه از سوی رئیس فرهنگستان، آقایان دکتر اسدالله توسلی، دکتر پرویز اهورایی و دکتر خداداد مستغنی برای یک دوره چهارساله دیگر به عضویت وابسته گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان منصوب شدند.

■ با پایان دوره چهارساله عضویت وابسته ۱۵ استاد عضو وابسته گروه علوم پایه و بنا به موافقت یکصد و چهارمین جلسه مجمع عمومی مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۴، طی احکام جداگانه از سوی رئیس فرهنگستان، آقایان دکتر محمدرضا سعیدی، دکتر عباس شفیعی، دکتر مجتبی شمس‌پور، دکتر سیدحبیب‌الله فیروزآبادی، دکتر علی‌اکبر موسوی موحدی، دکتر جواد بهبودیان، دکتر مگردیچ تومانیان، دکتر محمد اخوان، دکتر حبیب تجلی، دکتر محمدعلی شاهزمانیان، دکتر محمدمهدی شیخ‌جباری، دکتر بهمن خلدبرین، دکتر محمود شمس‌شهرآبادی، دکتر کاظم سیدامامی و دکتر فرید مر برای یک دوره چهارساله دیگر به عضویت وابسته گروه علوم پایه فرهنگستان منصوب شدند.

■ با پایان دوره چهارساله عضویت وابسته ۲۰ استاد عضو وابسته گروه علوم کشاورزی و بنا به موافقت یکصد و چهارمین جلسه مجمع عمومی مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۴، طی احکام جداگانه از سوی رئیس فرهنگستان، آقایان دکتر حسین صدقی، دکتر امین عزیززاده، دکتر علی خلیلی، دکتر سیروس سلمان‌زاده، دکتر مجید کوپاهی، دکتر عزت‌الله کرمی، دکتر عنایت‌الله تفضلی، دکتر محمود زبیری، دکتر مجید مخدوم، دکتر منوچهر مفتون، دکتر علی نیکخواه، دکتر مرادعلی زهری، دکتر داریوش مظاهری،

دکتر مصطفی ولیزاده، دکتر عبدالمجید رضایی، دکتر قباد آذری تاکامی، دکتر محمد شاهی باغ خندان، دکتر جلال جمالیان، دکتر ضیاءالدین بنی‌هاشمی و دکتر علیمحمد برقی برای یک دوره چهارساله دیگر به عضویت وابسته گروه علوم کشاورزی فرهنگستان منصوب شدند.

■ بنا به پیشنهاد رئیس گروه علوم دامپزشکی و موافقت چهارصد و دهمین جلسه شورای علمی مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۰، طی حکمی از سوی رئیس فرهنگستان آقای دکتر عباسعلی مطلبی استاد و رئیس مؤسسه تحقیقات شیلات ایران برای یک دوره دوساله به عنوان همکار مدعو گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان علوم منصوب شد.

■ بنا به پیشنهاد رئیس گروه علوم مهندسی و موافقت چهارصد و دهمین جلسه شورای علمی مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۰، طی احکام جداگانه از سوی رئیس فرهنگستان آقای دکتر منوچهر وثوقی استاد دانشکده مهندسی نفت و انرژی دانشگاه صنعتی شریف برای یک دوره دوساله به عنوان همکار مدعو جدید گروه علوم مهندسی فرهنگستان منصوب شد و همکاری آقایان دکتر امیر بدخشان و دکتر محمدکاظم مروج فرش برای یک دوره دوساله دیگر به عنوان همکار مدعو گروه علوم مهندسی تمدید گردید.

■ بنا به پیشنهاد شورای گروه علوم کشاورزی و طی حکمی از سوی رئیس فرهنگستان، آقای دکتر کاظم دوست‌حسینی عضو وابسته گروه یادشده برای یک دوره دو ساله دیگر در سمت رئیس شاخه چوب‌شناسی گروه علوم کشاورزی ابقا شد.

■ از سوی رئیس فرهنگستان علوم، آقایان دکتر حسن تاج‌بخش و دکتر پرویز جبه‌دار مارالانی به عنوان نمایندگان فرهنگستان علوم برای عضویت در هیأت‌میزه مشترک فرهنگستانها، به معاون اول محترم رئیس‌جمهوری و رئیس هیأت‌امانی فرهنگستانها معرفی شدند.

■ طی حکمی از سوی دبیر فرهنگستان انجام امور دبیرخانه شوراها و هیأت‌امانی فرهنگستان علوم به خانم مریم ظریفیان محول شد.





جلسات شورای همگانی گروه علوم مهندسی

روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۲/۴/۲۶، سومین جلسه شورای همگانی گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم در سال جاری با حضور اعضای پیوسته، وابسته و همکاران مدعو گروه، اعضای شورای اتاق فکر مهندسان برجسته کشور و دبیر و تعدادی از مسئولان و اعضای ستاد ویژه توسعه فناوری نانو نهاد ریاست جمهوری، به ریاست آقای دکتر محمدرضا عارف رئیس گروه علوم مهندسی فرهنگستان برگزار شد.

در ابتدای جلسه آقای دکتر عارف ضمن آرزوی قبولی طاعات و عبادات همکاران در ماه مبارک رمضان و خوش آمدگویی به حاضران، اظهار امیدواری کرد با بحثها و اظهارنظرهایی که در این جلسات پیرامون مسائل گوناگون مهندسی، فناوری و صنعت کشور می شود، در نهایت تصمیمات خوبی اتخاذ شود و اعلام نظر فرهنگستان برای مسئولان ذیربط مفید باشد.

پس از سخنان آقای دکتر عارف و در بخش اول جلسه، آقای مهندس عبدالمهدی اجلائی رئیس شورای اتاق فکر مهندسان برجسته کشور ضمن معرفی اعضای شورای اتاق فکر، درخصوص جایگاه، انتظارات و اهداف، مأموریت و برنامه های این شورا مطالبی بیان کرد و اهم فعالیت های یک سال اخیر شورا را برشمرد. سپس آقایان مهندس محمدحسن پیوندی و مهندس سیدعباس موسوی رهپیمان دو تن از مهندسان برجسته منتخب فرهنگستان علوم، به ترتیب پیرامون «سیر تحول و توسعه صنعت پتروشیمی ایران» و «آلودگی هوا» به ایراد سخن

پرداختند و به پرسشهای حاضران پاسخ دادند. در بخش دوم جلسه، آقای دکتر سعید سرکار دبیر ستاد ویژه توسعه فناوری نانو نهاد ریاست جمهوری ضمن تشکر از دعوت گروه علوم مهندسی فرهنگستان و با بیان آنکه این ستاد با تلاشهای مؤثر آقای دکتر عارف در زمان معاون اولی دولت هشتم تشکیل شده است، درباره تاریخچه، ساختار، مأموریت و برنامه های ستاد مزبور و کلیه فعالیت های کشور در عرصه فناوری نانو و انتظارات این ستاد از نهادهای علمی بزرگی چون فرهنگستان علوم سخنانی ایراد نمود.

در پایان جلسه به پاس قدردانی از حضور فعال و ایراد سخنرانی در جلسه شورای همگانی گروه علوم مهندسی، لوح تقدیری از سوی آقای دکتر عارف به آقای دکتر سرکار اهدا شد.

همچنین روز چهارشنبه ۱۳۹۲/۷/۳، چهارمین جلسه شورای همگانی گروه علوم مهندسی در سال جاری به ریاست آقای دکتر عارف رئیس گروه علوم مهندسی و با حضور آقای دکتر جعفر توفیقی سرپرست وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و عضو گروه علوم مهندسی، اکثریت اعضای پیوسته، وابسته و همکاران مدعو گروه، مهندسان برجسته منتخب فرهنگستان علوم و اعضای شورای اتاق فکر مهندسان برجسته برگزار شد. در ابتدای جلسه آقای دکتر پرویز جبه دار مارالانی عضو پیوسته گروه علوم مهندسی درخصوص معرفی مهندسان برجسته،

استادان برجسته و دانشمندان جوان برجسته مهندسی در سال ۱۳۹۲ توضیحاتی ارائه کرد و از شاخه‌های تخصصی گروه خواست نسبت به معرفی نامزدهای مورد نظر هر شاخه اقدام نمایند.

در ادامه دو سخنرانی تخصصی ایراد شد. در اولین سخنرانی آقای دکتر سیدعباس شجاع‌الساداتی استاد مهندسی شیمی دانشگاه تربیت مدرس و همکار مدعو گروه علوم مهندسی به موضوع «آموزش و پژوهش در مهندسی شیمی» پرداخت و در سخنرانی دوم آقای دکتر محمد نجمایی استاد مهندسی عمران دانشگاه علم و صنعت ایران و عضو شورای اتاق فکر مهندسان برجسته منتخب فرهنگستان علوم در خصوص «بحران آب در کشور» سخنانی ایراد نمود. در پایان هر سخنرانی حاضران به بحث و

تبادل نظر پیرامون مسائل مطرح‌شده پرداختند و سخنرانان به پرسشها پاسخ دادند. آقای دکتر عارف رئیس گروه علوم مهندسی نیز ضمن جمع‌بندی مطالب اظهار داشت: «بحران آب یکی از مسائل مهم جهانی است. در رابطه با مسئله آب در کشور و نقشی که فرهنگستان پیرامون این مسئله می‌تواند داشته باشد ان‌شاءالله پیگیری می‌کنیم که کارگروهی در فرهنگستان با همکاری سایر گروههای علمی تشکیل شود تا با برگزاری جلسات تخصصی و دعوت از صاحب‌نظران، کلیه جنبه‌های مسئله آب کشور بررسی و درنهایت پیشنهاد فرهنگستان همراه با راهکارهای مناسب تهیه و برای مراجع ذیربط ارسال شود». در پایان جلسه لوح تقدیری توسط آقای دکتر عارف به آقایان دکتر شجاع‌الساداتی و دکتر نجمایی اهدا شد.

فیزیک فرهنگستان تنظیم و ویرایش شده است، مشتمل بر سخنان آقای دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم در جلسه افتتاحیه سمینار، خیر مقدم و گزارش آقای دکتر محمد اخوان دبیر سمینار و ۸ سخنرانی از استادان و صاحب‌نظران دانشگاههای مختلف کشور است.

عناوین سخنرانها عبارتند از:

■ رابطه پژوهشکده‌های فیزیک و صنعت (دکتر هاشم رفیعی‌تبار، دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی، و پژوهشکده علوم نانو پژوهشگاه دانشهای بنیادی)

■ فلسفه وجودی پژوهشکده‌ها (دکتر مصطفی صحرایی، پژوهشکده فیزیک کاربردی و ستاره‌شناسی، و دانشگاه تبریز)

■ لزوم بازنگری در شیوه ارزیابی و عملکرد مؤسسات پژوهشی (دکتر محمد پازوکی، پژوهشکده انرژی پژوهشگاه مواد و انرژی)

■ تبیین لزوم پژوهشکده‌های فیزیک بر گسترش تحقیقات فیزیک تجربی (دکتر محمدمهدی طهرانچی، پژوهشکده لیزر و پلاسما، و گروه فیزیک دانشگاه شهیدبهشتی)

■ انجمنهای علمی، علوم فیزیک و برنامه توسعه کشور (دکتر محمدحسین مجلس‌آرا، انجمن بلورشناسی، و دانشگاه تربیت معلم)



انتشار مجموعه مقالات و مذاکرات

چهارمین سمینار

چالشهای فیزیک کشور

مجموعه مقالات و مذاکرات چهارمین سمینار چالشهای فیزیک کشور، به همت شاخه فیزیک فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، در ۱۴۸ صفحه منتشر شد. این مجموعه که توسط آقای دکتر محمد اخوان رئیس شاخه

■ جایگاه انجمن اپتیک و فوتونیک در برنامه‌ریزیهای علمی کشور (دکتر محمدآقا بلوری‌زاده، انجمن اپتیک و فوتونیک ایران، و دانشگاه تحصیلات تکمیلی صنعتی کرمان)

■ نقش انجمنهای علمی در توسعه علمی کشور (دکتر مرتضی براری، دبیر کمیسیون انجمنهای علمی کشور - وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)

■ آیا توسعه علمی بدون توسعه انجمنها امکان‌پذیر است؟ (دکتر رضا منصوری، انجمن فیزیک ایران و دانشگاه صنعتی شریف)
مجموعه مذاکرات و بحثهای انجام‌شده در جلسه میزگرد سمینار با موضوع: «لزوم هم‌اندیشی و هماهنگی نهادهای متولی فیزیک

کشور در حل چالشهای موجود: ارائه راهکار و ساز و کار»، نظرهای شرکت‌کنندگان در پایان هر سخنرانی، نظرهای پایانی شرکت‌کنندگان و عکسهای سمینار از دیگر بخشهای این کتاب می‌باشد.

چهارمین سمینار چالشهای فیزیک کشور در اسفندماه سال ۱۳۹۰ به همت شاخه فیزیک فرهنگستان علوم و با حمایت دانشگاه شهیدبهشتی، قطب علمی سیستمهای پیچیده و ماده چگال دانشگاه صنعتی شریف و گروه پژوهشی مواد پیشرفته دانشکده فیزیک دانشگاه صنعتی شریف در محل فرهنگستان علوم برگزار شده بود.

از سوی گروه علوم پایه فرهنگستان علوم برگزار خواهد شد:

انتخاب و معرفی پژوهشگر جوان برجسته در حوزه علوم پایه

گروه علوم پایه فرهنگستان علوم در نظر دارد همه‌ساله پژوهشگران جوان برجسته کشور در حوزه علوم پایه را انتخاب کند و طی مراسمی از برگزیدگان تجلیل به عمل آورد. آیین‌نامه انتخاب پژوهشگر جوان برجسته توسط گروه علوم پایه تنظیم شده و به تصویب شورای علمی فرهنگستان رسیده است. برخی از موارد این آیین‌نامه عبارتند از:

نحوه نامزد شدن از طریق اقدام مستقیم پژوهشگر جوان و یا با پیشنهاد یکی از استادان باسابقه کشور است. حداکثر سن نامزد پژوهشگر جوان برجسته ۴۰ سال است. وی باید دارای مدرک دکتری و ملیت ایرانی باشد. همچنین در حوزه تخصصی خود شاخص و از شهرت علمی و اخلاقی برخوردار باشد. پژوهشگر جوان برجسته باید دارای دستاوردها و افتخارات علمی - خدماتی ارزنده شامل یک یا چند مورد از موارد ذیل باشد:

الف. دستاوردهای علمی:

۱- تألیف کتاب که توسط ناشران معتبر ملی و بین‌المللی چاپ شده باشد.

۲- تألیف مقالاتی که با تأیید شاخه مربوط در فرهنگستان علوم از ویژگی خاصی برخوردار باشد.

۳- نظریه‌پردازی در قالب تألیف مقالات علمی چاپ‌شده که به آن ارجاع شده باشد.

۴- راهاندازی آزمایشگاههای تحقیقاتی در زمینه کاری خود و انتشار مقالات از نتایج آن.

۵- راهاندازی آزمایشگاههای آموزشی و تألیف دستور کار آزمایشگاه.

ب. خدمات علمی نظیر مشارکت در راهاندازی مراکز و مؤسسات علمی - پژوهشی، کنفرانسها، انجمنهای علمی، نشریات علمی و ...
ج. افتخارات علمی نظیر نشانها و جوایز.

د. نوآوری، اختراعات و اکتشافات:

۱- اختراع و اکتشاف ثبت‌شده در مراجع بین‌المللی یا تجاری‌شده.
۲- نگارش استانداردهایی که به تأیید مراجع ذیصلاح رسیده باشد.
امتیازات مربوطه در موارد فوق‌الذکر، توسط هریک از شاخه‌های گروه علوم پایه فرهنگستان تعیین می‌شود.



فعالیت‌های بین‌المللی اعضای گروه علوم اسلامی فرهنگستان علوم

در تابستان سال جاری

روش‌های زندگی در دوره تغییر جهانی در روزهای نهم تا سیزدهم مردادماه تشکیل شد، آقای دکتر اعوانی دو مقاله با عناوین «اعتدال به مثابه راه زندگی در فلسفه اسلامی» و «وحدت‌بخشیدن ماده و روح» ارائه کرد. یکی از برنامه‌های روز افتتاحیه کنگره جهانی فلسفه، تجلیل از آقای دکتر مکین به مناسبت بیش از نیم قرن فعالیت ایشان در عرصه گفتگوی فرهنگ‌ها و ادیان ملل بود. در این برنامه استاد اعوانی تحت عنوان «اهمیت گفتگو در عرصه جهانی» سخنرانی کرد. دکتر غلامرضا اعوانی طی نشست‌ها و میزگردهای مختلف بیست و سومین کنگره جهانی فلسفه، مقالات دیگری نیز با موضوعات اسلام و تجدد، نحوه تصحیح متون فلسفه اسلامی با توجه به آثار غیر منتشره ابن‌سینا، غربت‌زدایی از مابعدالطبیعه و بررسی علم‌بحثی و علم‌تحقیقی به عنوان روش زندگی در فیلسوفان یونان و اسلام ارائه کرد. همچنین استاد اعوانی در این کنگره برای بار دوم و با اکثریت آراء، به عنوان عضو هیأت‌مدیره فدراسیون بین‌المللی انجمن‌های فلسفه جهان (FISP) برگزیده شد. ایشان همچنین به مدت ۵ سال دیگر به ریاست انجمن بین‌المللی فلسفه اسلامی که برای اولین بار در سال ۲۰۰۸ به پیشنهاد ایشان در زمره انجمن‌های مصوب وابسته به FISP در آمده است، انتخاب شد.

■ **بیست و سومین کنگره جهانی فلسفه:** در تاریخ ۱۳ تا ۱۹ مرداد ۱۳۹۲، بیست و سومین کنگره جهانی فلسفه با عنوان اصلی فلسفه به عنوان روش زندگی و با هدف توجه به مسئولیت اخلاقی انسانها در قبال یکدیگر، نحوه همزیستی انسانها در جهان معاصر و نیز مسئولیت انسان در قبال سایر جانداران، طبیعت و ... در دانشگاه آتن یونان برگزار شد. آقای دکتر غلامرضا اعوانی رئیس انجمن علمی حکمت و فلسفه ایران و عضو پیوسته فرهنگستان علوم ضمن شرکت در کنگره مزبور، چندین سخنرانی در نشست‌های مختلف آن ایراد نمود. آیت‌الله دکتر سیدمصطفی محقق‌داماد عضو پیوسته و رئیس گروه علوم اسلامی فرهنگستان علوم هم که مقاله‌ای با عنوان «اعتدال؛ راه زندگی در حکمت اسلامی» برای بیست و سومین کنگره جهانی فلسفه تنظیم و ارائه کرده بود، به علت تأخیر در صدور روادید نتوانست در این اجلاس شرکت کند اما مقاله ایشان در مجموعه مقالات این کنگره منتشر خواهد شد. لازم است ذکر شود اصل مقاله ایشان به زبان انگلیسی و ترجمه آن به زبان فارسی در پایگاه اطلاع‌رسانی فرهنگستان علوم قرار گرفته است. در پیش‌کنگره‌ای که تحت عنوان کلی فرهنگ و فلسفه به عنوان



آیات الاحکام در قرآن مربوط به روابط خانواده» ارائه نمود. اصل مقاله انگلیسی استاد محقق داماد و ترجمه آن به زبان فارسی در پایگاه اطلاع رسانی فرهنگستان علوم منتشر شده است.

■ **مجلس درس دکتر محقق داماد در مؤسسه المهدی بیرمنگام:** آقای دکتر محقق داماد به دعوت مؤسسه آموزشی المهدی بیرمنگام، به مدت ۴ هفته و هر هفته دو روز، در مرکز آموزشی المهدی تحت عنوان «روش اجتهاد شیعی» تدریس نمود.

■ **شبی با آیت الله دکتر محقق داماد:** مؤسسه دینی - تحقیقاتی محمدی تراست لندن، مؤسسه‌ای است که از حدود ۴۵ سال پیش توسط شیعیان هند در لندن تأسیس شده است. در این مؤسسه بسیاری از کتب شیعی به صورت تألیف و ترجمه، منتشر شده‌اند. این مؤسسه از شخصیت‌های بزرگ اسلامی برای ایراد سخنرانی دعوت می‌کند. در تاریخ ۱۳۹۲/۶/۳۱، به دعوت هیأت مؤسس و هیأت امنای مؤسسه مزبور مراسمی با عنوان «شبی با آیت الله دکتر محقق داماد» برگزار شد که استاد محقق داماد ضمن شرکت در این مراسم و بازدید از قسمتهای مختلف مؤسسه، در سخنانی به موضوع «نظام اخلاقی قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی» پرداخت و در پایان نشست، به سؤالات حاضران پاسخ داد.

■ **گنجره بین المللی دوستی میان ملت‌ها از دیدگاه ادیان ابراهیمی:** در تاریخ ۲۴ تا ۲۷ مردادماه سال جاری (۱۵ تا ۱۷ آگوست ۲۰۱۳ میلادی)، آیت الله دکتر سیدمصطفی محقق داماد عضو پیوسته و رئیس گروه علوم اسلامی فرهنگستان علوم، به دعوت دانشگاه کاتولیک واشنگتن و سازمان تحقیقاتی اسلو (نروژ)، به عنوان سخنران افتتاحیه، در گنجره بین المللی «دوستی میان ملت‌ها از دیدگاه ادیان ابراهیمی» شرکت کرد و سخنانی تحت عنوان «جهان بینی دوستی در نظام اخلاق اسلامی» ایراد نمود. علاقمندان جهت مشاهده اصل مقاله انگلیسی استاد محقق داماد و ترجمه آن به زبان فارسی می‌توانند به پایگاه اطلاع رسانی فرهنگستان به نشانی www.ias.ac.ir مراجعه کنند.

■ **کنفرانس معنای خانواده و آثار حقوقی آن:** از تاریخ ۲۴ تا ۳۱ شهریورماه سال جاری و به دنبال قرارداد همکاری علمی میان دانشگاه گوتینگن آلمان و دانشگاه شهید بهشتی، کنفرانسی با عنوان «معنای خانواده و آثار حقوق آن در جمهوری فدرال آلمان و جمهوری اسلامی ایران» در آلمان برگزار شد. آقای دکتر سیدمصطفی محقق داماد رئیس گروه علوم اسلامی فرهنگستان علوم و استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی، به دعوت دانشگاه گوتینگن در این کنفرانس شرکت کرد و به عنوان سخنران کلیدی در افتتاحیه کنفرانس مزبور که در مؤسسه ماکس پلانگ هامبورگ برگزار شد، مقاله‌ای با عنوان «بازخوانی بعضی از



سخنرانی دکتر رضا نیلی پور در:

نوزدهمین کنگره بین‌المللی زبان‌شناسان

«نوزدهمین کنگره بین‌المللی زبان‌شناسان همزمان با صدمین سال تولد فردینان سوسور پدر زبان‌شناسی نوین، با حضور نوام چامسکی زبان‌شناس انقلابی آمریکایی در مردادماه سال جاری با حضور ۱۲۰۰ نفر از زبان‌شناسان ۸۷ کشور دنیا در دانشگاه ژنو کشور سوئیس برگزار شد. در ۷ روز برگزاری جلسات همزمان و ۲۵ کارگاه تخصصی کنگره، که با تأکید بر تعامل بین زبان و شناخت و استفاده از شیوه‌های جدید و تجربی در بررسی رابطه زبان و شناخت همراه بود، ۱۵ سخنران ویژه و مدعو سخنرانی کردند. از عمده‌ترین عنوانهای سخنرانیها می‌توان به: نسبت علوم شناختی و زبان، زبان‌آموزی و آسیب‌شناسی زبان، منشاء زبان و نسبت نحو و معناشناسی زبان اشاره کرد. یکی از دستاوردها و جاذبه‌های کنگره، مرور تاریخی بر مبانی نظریه‌های زبان‌شناسی جدید در ۱۰۰ سال گذشته و شناسایی نقاط قوت و ضعف نظریه‌ها همراه با تأکید بر یافته‌های جدید علوم شناختی بود. مقاله‌ها عمدتاً جنبه نظری داشت و بر تعامل و بررسی مبانی شناختی نظریه‌های زبان‌شناسی تأکید می‌کرد.

نوام چامسکی نیز علاوه بر سخنرانی یک ساعت و نیم خود درباره نظریه زبان‌شناسی «زایا-گشتاری» که سبقه «فلسفه تحلیلی» داشت، در یک مصاحبه مطبوعاتی سیاسی و در نقش نظریه‌پرداز طرفدار فلسفه انقلابی «دولت آزاد» از سیاستهای آمریکا و آنچه در خاورمیانه می‌گذرد انتقاد کرد. آقای دکتر رضا نیلی‌پور استاد زبان‌شناسی و عضو وابسته گروه علوم انسانی فرهنگستان علوم که با دعوت از طرف برگزارکنندگان در این کنگره شرکت کرده بود، در کارگاه تخصصی جنبه‌های پیچیدگی زبان به عنوان سخنران مدعو درباره «تفکر استعاری و جنبه‌های پیچیدگی شناختی» سخنرانی کرد. خلاصه سخنان ایشان بدین شرح است:

■ پیچیدگی معرفت‌شناختی و شیوه تفکر استعاری از دیدگاه نوروساینس

در این گفتار نقش معرفت‌شناختی زبان در شکل‌گیری فعالیت‌های پیچیده شناختی با طرح یک نظریه شناختی عصب پایه فعالیت‌های ذهنی و شکل‌گیری آگاهی انسان بر محور دو سامانه پیچیده زیست‌شناختی زبان و ذهن بحث می‌شود. در این نظریه مطرح شده اگر چه سامانه پیچیده زیستی از بخش‌ها و واحدهای کوچکتر تشکیل شده است، ولی همین واحدها و بخش‌های کوچکتر و هم‌شکل از نظر نقش و کارکردهای معرفت‌شناختی از یکدیگر متمایز هستند. در حالی که این بخش‌های همسان و جدا از هم در تعامل با یکدیگرند و به صورت واحدهای متمایزند ولی در نهایت در کارکرد به صورت یکپارچه درمی‌آیند. این واحدها به شیوه‌های مختلفی با یکدیگر ترکیب می‌شوند ولی در ترکیب و در عملکرد و یادگیری فعالیت‌های پیچیده شناختی تمایل به یکپارچگی دارند. برای ساختار و عملکرد این واحدهای معرفت‌شناختی چهار مشخصه اصلی تعریف شده است: «استقلال»، «انترویی»، «ارتباط دوطرفه» و «یکپارچگی».

اطلاعات محتوایی این سامانه‌های پیچیده به شیوه‌ای با یکدیگر ترکیب و بیان می‌شوند که ادلمن به آن «پیچیدگی نورونی» نام داده است.

در این مدل معرفت‌شناختی، بنیادی‌ترین شیوه تفکر عمدتاً مبتنی بر تشخیص الگو و از طریق شکل‌گیری استعاره‌ها است، و استعاره‌ها الگوهایی هستند که بازتابی از شکل‌گیری همبستگی شبکه‌های نورونی جدید در مغز می‌باشند. یادگیری زبان هم بازتابی است از شکل‌گیری همین تداعیها و همبستگیهای استعاری که مبتنی بر شیوه تفکر تشخیص الگو یا استعاری است. در عین حال در این مدل معرفت‌شناختی عصب پایه ادعا شده است که امکان دسترسی به دو شیوه تفکر وجود دارد. یکی شیوه تفکر منطقی و دیگری شیوه

تفکر استعاری. ولی با توجه به اینکه شیوه تفکر انسان حتی در دوران پیش‌زبانی هم به شیوه تشخیص الگو و استعاری است، بنابراین، شکل‌گیری ساختارهای استعاره‌های زبانی به دامنه تفکر و غنای مفهومی آن می‌افزاید. ولی در عین حال، شیوه تفکر منطقی به نسبت شیوه تفکر استعاری در خلاقیت دامنه تفکر انسان نقش ندارد. در نهایت در مدل عصب پایه زیست‌شناختی ادلمن تعامل و تعادل بین دو شیوه تفکر منطقی و شیوه تفکر استعاری در گسترش و غنای بیشتر فکر انسان و پیچیده‌تر شدن آن نقش دارند.

برگزاری سمینار «افقهای آینده مهندسی برق و کامپیوتر»



روز پنجشنبه ۲۸ شهریور ۱۳۹۲، ششمین سمینار از مجموعه سمینارهای ادواری شاخه مهندسی برق گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم، با عنوان «افقهای آینده مهندسی برق و کامپیوتر»، با حضور اعضای شاخه مهندسی برق فرهنگستان و جمعی از استادان و دانشجویان دانشگاههای مختلف کشور به ریاست آقای دکتر جواد صالحی رئیس شاخه مهندسی برق فرهنگستان علوم برگزار شد.

در مراسم افتتاحیه این سمینار آقای دکتر صالحی در سخنانی ضمن خیر مقدم به حاضران، یکی از وظایف فرهنگستانهای هر کشور را پرداختن به مرزهای دانش عنوان کرد و اظهار داشت: «ارائه سمینار و میزگرد در خصوص دانشهای جدید و انتقال آن به استادان، دانشجویان و محققان از جمله وظایف فرهنگستان به شمار می‌رود. در همین رابطه شاخه مهندسی برق فرهنگستان علوم با همکاری جمعی از همکاران حوزه مهندسی برق تصمیم گرفت سمینارهایی ادواری در رابطه با

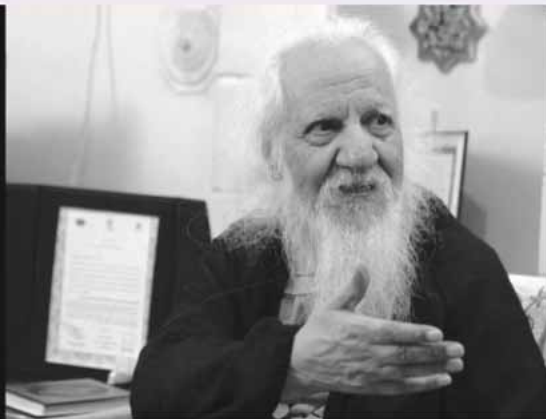
افقهای مهندسی برق و کامپیوتر، هر سه ماه یکبار برگزار کند و با دعوت از محققان برجسته کشور، آخرین یافته‌ها در زمینه‌های تخصصی ارائه شود». دکتر صالحی در پایان سخنان خود اظهار امیدواری کرد با ارائه مباحث علمی و جرقه‌های فکری در کشور بتوان به ایده‌های ناب و اثرگذار دست یافت.

در این سمینار نیم‌روزه ۳ سخنرانی به شرح ذیل ایراد شد:

■ پیشرفت‌ها و چالش‌ها در سامانه‌های واسط مغز-کامپیوتر (دکتر عباس عرفانیان، دانشگاه علم و صنعت ایران)

■ سیر تحولات جدید و آتی در سیستمهای مبدل انرژی الکترومکانیکی (دکتر مهدی معلم، دانشگاه صنعتی اصفهان)

■ سیستمهای هوشمند: گذشته، حال و آینده در ایران و جهان (دکتر محمدباقر منهای، دانشگاه صنعتی امیرکبیر)
در پایان سمینار شرکت‌کنندگان به بحث و تبادل نظر در خصوص موضوعات مطرح شده در سخنرانیها پرداختند.



درگذشت شادروان استاد عبدالمحمد آیتی

ادبی در سال ۱۳۷۱، تا سال ۱۳۷۹ ریاست این گروه و پس از آن ریاست شورای علمی دانشنامه تحقیقات ادبی آن فرهنگستان را بر عهده داشت. ایشان در سال ۱۳۸۱ به عنوان چهره ماندگار کشور در عرصه ترجمه معرفی شد و در سال ۱۳۸۷ به عنوان برگزیده فرهنگستان زبان و ادب فارسی در مراسم بزرگداشت مشترک فرهنگستانهای جمهوری اسلامی ایران انتخاب و به کسب نشان درجه یک فرهنگ و ادب فارسی از رئیس جمهوری نائل شد.

برخی از آثار استاد آیتی عبارتند از: کشتی شکسته (ترجمه)؛ تحریر تاریخ و صفای؛ آموزش ابوالعلا معری (ترجمه)؛ درباره فلسفه اسلامی؛ روش و تطبیق آن؛ گزیده و شرح خمسة نظامی؛ تاریخ ابن خلدون (العبر)؛ شکوه قصیده؛ تاریخ دولت اسلامی در اندلس؛ قرآن مجید (ترجمه فارسی)؛ شکوه سعدی در غزل؛ شرح و ترجمه معلقات سبع؛ الفارات در حوادث سالهای معدود خلافت علی(ع)؛ گنجور پنج گنج؛ شرح منظومه مانلی و پانزده قطعه دیگر؛ بسی رنج بردم، باز نویسی شده از فردوسی؛ قصه بارید و بیست قصه دیگر از شاهنامه؛ معجم الأدبا (ترجمه)؛ داوری حیوانات نزد پادشاه پریان (ترجمه)؛ گزیده شرح مقامات حمیدی؛ در تمام طول شب، شرح چهار شعر بلند نیما.

خبرنامه فرهنگستان علوم ضایعه درگذشت شادروان استاد عبدالمحمد آیتی را به جامعه علمی و فرهنگی و ادبی کشور و به اعضای فرهنگستانها تسلیت می گوید و برای ایشان علو درجات از درگاه باری تعالی مسألت دارد. روانش شاد باد.

استاد عبدالمحمد آیتی عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، دارنده نشان درجه یک فرهنگ و ادب فارسی و یکی از چهره های ماندگار ایران، روز چهارشنبه بیستم شهریورماه سال ۱۳۹۲ دارفانی را وداع گفت.

ایشان در سال ۱۳۰۵ در بروجرد به دنیا آمد. ابتدا در زادگاه خود برای کسب معلومات ابتدایی وارد مکتبخانه سنتی آغاباجی شد اما پس از چندی والدینش او را به دبستان اعتضاد که قدیمی ترین مدرسه مدرن در بروجرد به شمار می رفت، فرستادند. استاد آیتی در سال ۱۳۲۰ وارد دبیرستان شد و در سالهای پایانی این دوره به تحصیل علوم حوزوی علاقه مند شد و به مدرسه علمیه نوربخش رفت و چند سالی در آنجا علوم اسلامی را فرا گرفت. در سال ۱۳۲۵ وارد دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه تهران شد و پس از به پایان بردن این دوره به خدمت وزارت آموزش و پرورش درآمد و برای تدریس به بابل رفت. ایشان بیش از ۳۰ سال در شهرهای مختلف به عنوان دبیر به تدریس پرداخت و در کنار تدریس، سردبیری ماهنامه آموزش و پرورش را نیز به عهده داشت. استاد آیتی همچنین در دانشگاه فارابی و دانشگاه دماوند دروس ادبیات فارسی و عربی را تدریس می کرد.

ایشان از مترجمان بنام و چیره دست عربی به فارسی بود و ترجمه های فارسی قرآن مجید، نهج البلاغه و صحیفه سجادیه را در طول عمر پربار خود به پایان برد.

استاد آیتی از سال ۱۳۷۰ به عضویت پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی درآمد و پس از تشکیل گروه دانشنامه تحقیقات



برگزاری پنجمین جلسه کمیسیون پیشبرد ریاضیات کشور

مصوب بحث و تبادل نظر شد و تصمیماتی اتخاذ گردید. در این جلسه مقرر شد آقایان دکتر بهزاد، دکتر جبه‌دار مارالانی و دکتر رجالی در مورد تعیین محتوا، شرایط و نحوه برگزاری سمیناری از سوی کمیسیون در دی‌ماه سال ۱۳۹۳ با موضوع «ارتقای ریاضیات کشور» طرحی تهیه و در جلسه آتی کمیسیون ارائه کنند و در این خصوص کمیسیون صاحب‌نظرانی را به عنوان سخنران مدعو معرفی نماید. تنظیم برنامه جلسات شش‌ماهه دوم سال ۱۳۹۲ کمیسیون و کارگروه تخصصی کمیسیون، از دیگر موضوعات این جلسه بود.

روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۲/۶/۲۷، پنجمین جلسه کمیسیون پیشبرد ریاضیات کشور با حضور اکثریت اعضای حقیقی و حقوقی کمیسیون به ریاست آقای دکتر محمدرضا عارف رئیس کمیسیون پیشبرد ریاضیات برگزار شد. در این جلسه که آقایان دکتر مهدی بهزاد، دکتر پرویز جبه‌دار مارالانی، دکتر علی رجالی، دکتر سعید سهراب‌پور، دکتر مگردیچ تومانیان، دکتر محمدعلی دهقان و دکتر حمید پزشک حضور داشتند در خصوص مسائل و مشکلات دانشگاه فرهنگیان، ارتقای حرفه‌ای معلمان ریاضی، افت ریاضی در کشور و نحوه اجرای طرح‌های

انتشار شماره جدید فصلنامه آموزش مهندسی ایران

■ ارائه الگویی برای ارزیابی عملکرد بخش تحقیق و توسعه گروه‌های فنی و مهندسی (مطالعه موردی: گروه‌های فنی و مهندسی دانشگاه یزد) (حبیب زارع احمدآبادی، سمیه جاویدی و محمدحسین طحاری مهرجردی)

■ بررسی ضعف دانشجویان دوره کارشناسی رشته مهندسی شیمی در یادگیری درس موازنه مواد و انرژی (مطالعه موردی: دانشکده مهندسی شیمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد گچساران) (مهدی ارجمند و محمدمامین دانشفر)

■ جدایی هوا و فضا؛ رویکردی جدید در برنامه درسی کارشناسی مهندسی هوا و فضا (رضا اسماعیل‌زاده)

گفتگو با دکتر ژیلبرت لاپورت استاد دانشکده مطالعات عالی بازرگانی مونترال و صاحب کرسی تحقیقاتی کانادا در حوزه مدیریت توزیع، تقویم کنفرانسها و خلاصه مقالات منتشر شده در مجله به زبان انگلیسی، از دیگر بخشهای پنجاه و هشتمین شماره فصلنامه آموزش مهندسی ایران می‌باشد.

پنجاه و هشتمین شماره فصلنامه آموزش مهندسی ایران (ویژه تابستان سال ۱۳۹۲) به همت گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم در ۱۶۰ صفحه منتشر شد. در این شماره ۷ مقاله با عناوین ذیل منتشر شده است:

■ روند تکامل آموزش مهندسی در جهان و ایران (حسین مطهری‌نژاد)

■ بررسی ساختاری باورهای معرفت‌شناختی و مهارت مدل‌سازی دانشجویان مهندسی دانشگاه شیراز (مهدی محمدی، طاهره دارابی و لاله کوچکی)

■ تحلیل عوامل مؤثر طراحی و اجرای دوره‌های آموزشی فنی و مهندسی (مطالعه موردی: شرکت توزین‌نیرو) (سعید هداوند)

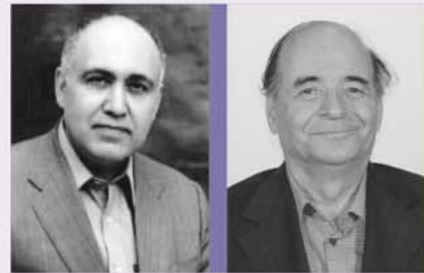
■ بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشکده‌های فنی و مهندسی دانشگاه تهران به منظور ارائه مدلی برای پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی آنها (مهدی ابوالقاسمی و ام‌کلثوم میرالی رستمی)

اخبار کوتاه



■ بر اساس گزارش سرپرست پایگاه استنادی علوم جهان اسلام، آقای دکتر سیدمهدی الوانی استاد مدیریت دانشگاه علامه طباطبائی و عضو وابسته گروه علوم انسانی فرهنگستان علوم به عنوان یکی از ۲۰ دانشمند بر تألیف ایران در حوزه علوم انسانی که مقاله‌های آنان در نشریات معتبر کشور چاپ و در ISC نمایه‌سازی شده است، معرفی شد.

■ در بیست و پنجمین دوره جایزه کتاب فصل جمهوری اسلامی ایران، کتاب «درآمدی به گفت‌وگوهای فلسفی» تألیف آقای دکتر لطف‌الله یارمحمدی عضو پیوسته گروه علوم انسانی فرهنگستان علوم و استاد دانشگاه شیراز به عنوان کتاب برگزیده فصل در حوزه زبان‌شناسی و کتاب «سیستم‌های قدرت الکترونیکی» تألیف آقای دکتر مهرداد عابدی استاد دانشگاه صنعتی امیرکبیر و عضو وابسته گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم به عنوان کتاب برگزیده فصل در حوزه مهندسی برق معرفی شدند.



■ بر اساس گزارش سرپرست پایگاه استنادی علوم جهان اسلام، ۵ استاد عضو پیوسته و وابسته گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم آقایان دکتر علیرضا کوچکی (عضو پیوسته فرهنگستان علوم و استاد دانشگاه فردوسی مشهد)، دکتر حسن احمدی (عضو پیوسته فرهنگستان علوم و استاد دانشگاه تهران)، دکتر علی نیکخواه (عضو وابسته فرهنگستان علوم و استاد دانشگاه تهران)، دکتر بهمن یزدی صمدی (عضو پیوسته فرهنگستان علوم و استاد دانشگاه تهران) و دکتر داریوش مظاهری (عضو وابسته فرهنگستان علوم و استاد دانشگاه تهران) به عنوان یکی از ۲۰ دانشمند برتر کشور در حوزه علوم کشاورزی که مقالات تحقیقاتی خود را در ۱۰۷ مجله معتبر کشور مصوب کمیسیون نشریات معتبر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری چاپ و منتشر کرده‌اند، معرفی شدند.



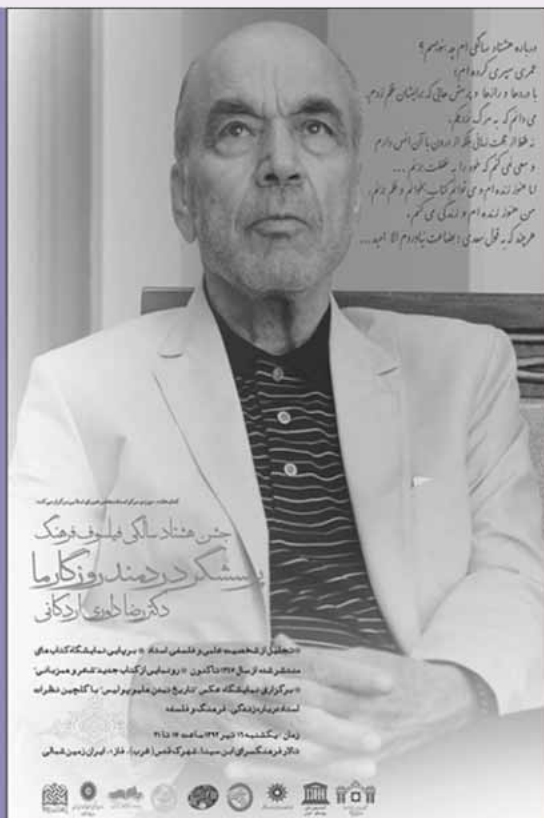
۳۲

اخبار

مراسم تجلیل از استاد دکتر رضا داوری اردکانی

روز یکشنبه ۱۶ تیرماه ۱۳۹۲، مراسم تجلیل از مقام شامخ علمی و فلسفی «فیلسوف فرهنگ» آقای دکتر رضا داوری اردکانی استاد ممتاز دانشگاه تهران و رئیس فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، همزمان با جشن هشتاد سالگی ایشان، با همکاری و هماهنگی چندین نهاد علمی، فرهنگی و فلسفی کشور از جمله کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، دانشگاه تهران، کمیسیون ملی یونسکو - ایران، سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، مؤسسه کتابشهر ایران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و ... در فرهنگسرای ابن سینا برگزار شد.

در این مراسم که چند صد نفر از علاقمندان علم و فرهنگ و فلسفه و اهالی کتاب و مطبوعات کشور و دهها تن از شخصتهای برجسته علمی و سیاسی و بسیاری از دانشمندان و اعضای فرهنگستانهای کشور حضور داشتند، آقایان دکتر محمد رجبی رئیس کتابخانه مجلس شورای اسلامی، دکتر علی اکبر ولایتی عضو پیوسته فرهنگستان علوم پزشکی، دکتر سیدمحمدصادق خرازی سفیر اسبق ایران در سازمان ملل متحد و کشور فرانسه، دکتر سیدمصطفی محقق داماد رئیس گروه علوم اسلامی فرهنگستان علوم، احمد مسجدجامعی وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس کنونی شورای اسلامی شهر تهران، استاد بهاءالدین خرمشاهی عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، حجت الاسلام والمسلمین عبدالحسین خسروپناه رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، دکتر محمدرضا تابش نماینده مردم اردکان در مجلس شورای اسلامی، سیدعبدالجواد موسوی از شاعران و نویسندگان معاصر، دکتر محمدرضا سعیدآبادی دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو - ایران و دکتر محمدجعفر اقبال استاد دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی سخنرانی کردند. جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای سیدمحمد خاتمی رئیس جمهوری پیشین ایران نیز در انتهای



گزارش

مراسم سخنان کوتاهی ایراد نمود. قرائت پیام دکتر سیدحسین نصر استاد فلسفه دانشگاه جورج واشنگتن و پیام کمیسیون ملی یونسکو به مناسبت هشتاد سالگی فیلسوف فرهنگ و پخش کلیپ از سخنان فرزندان و نوههای استاد داوری که در آن زمان خارج از کشور بودند و به همت همسر استاد این کلیپ تنظیم و برای مراسم ارسال شده بود، از دیگر برنامههای مجلس بزرگداشت رئیس فرهنگستان علوم بود. همچنین به علت ضیق وقت آقایان دکتر علی اصغر مصلح و دکتر بیژن عبدالکریمی از شاگردان سابق آقای دکتر داوری که اکنون از اعضای هیأت علمی دانشگاه هستند نتوانستند سخنرانیهایشان را ارائه کنند. در بخش پایانی مراسم نیز با حضور آقایان سیدمحمد خاتمی، دکتر ایرج فاضل رئیس جامعه جراحان ایران و رئیس سابق فرهنگستان علوم پزشکی، دکتر حسین نمازی معاون پژوهشی علوم انسانی و اسلامی فرهنگستان علوم و وزیر اسبق اقتصاد و دارایی، دکتر

غلامرضا اعوانی عضو پیوسته فرهنگستان علوم و رئیس انجمن علمی حکمت و فلسفه ایران، حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود دعایی مدیر مسئول روزنامه اطلاعات، دکتر محمد رجبی و خانم دکتر فاطمه طباطبایی عروس حضرت امام خمینی (ره) از کتاب جدید آقای دکتر داوری با عنوان «شعر و همزمانی» رونمایی شد و رؤسا و نمایندگان برخی سازمانها و مراکز علمی کشور لوح تقدیر و هدایایی به دکتر داوری اهدا کردند. سخنرانی استاد داوری اردکانی پایان‌بخش این مراسم بود.

لازم است ذکر شود پیش از آغاز مراسم نیز، کتاب «هلیوپولیس» که با مقدمه استاد داوری اردکانی به زیور طبع آراسته شده است، با حضور آقایان دکتر غلامعلی حدادعادل رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، افتخار حسین عارف رئیس مؤسسه فرهنگی اکو، دکتر محمد رجبی رئیس کتابخانه مجلس شورای اسلامی، سفیر لبنان در ایران، دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی عضو پیوسته فرهنگستان علوم، مهندس سیدمصطفی میرسلیم عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی، استاد محیط طباطبایی و جمعی از اهالی فرهنگ کشور و با قرائت پیام وزیر فرهنگ لبنان رونمایی شد. برپایی نمایشگاه آثار منتشرشده دکتر داوری، نمایشگاه عکسهایی از تاریخ تمدن جهان در لبنان، با گلچین نظرات استاد داوری اردکانی درباره زندگی، فرهنگ و فلسفه نیز از دیگر برنامه‌های جنبی این مراسم نکوداشت بود.

خلاصه سخنرانیها و پیامها

■ **در پیام آقای دکتر سیدحسین نصر** به مناسبت جشن ۸۰ سالگی آقای دکتر داوری اردکانی آمده بود: «در سال ۱۳۳۷ که تدریس در گروه فلسفه را در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران آغاز کردم با جوانی مواجه شدم که دانشجوی دکتری در رشته فلسفه بود و مدیر گروه محترم دکتر یحیی مهدوی از او تعریف می‌کرد. آن جوان دکتر رضا داوری بود که اکنون بیش از پنجاه سال از آشنایی بنده با این دانشمند و متفکر پر ارج می‌گذرد. در طی این نیم قرن، دکتر داوری خدمات فراوانی در رشته فلسفه و سوق دادن جوانان متفکر کشور عزیزمان به راه درست‌اندیشیدن

انجام داده است و پیش‌تاز میدان بحث جدی فلسفی و طرح سؤالات واقعی در امور گوناگون بوده است. از درگاه پروردگار متعال برای این متفکر پر ارج ایران معاصر طلب سلامتی کرده و امیدوارم سالیان دراز افاضه علمی ایشان استمرار یابد».

■ **استاد بهاء‌الدین خرمشاهی** عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی با اشاره به سابقه آشنایی طولانی خود با استاد داوری اردکانی گفت: «در حدود سالهای ۴۲ و ۴۳ در اداره‌ای در میدان بهارستان، عده‌ای جوان گرد هم می‌آمدند که دکتر داوری محور بحث فلسفی آنها بود و به آنها درس می‌داد. در آنجا من واژه‌نویس بودم و از درس ایشان استراق سمع مشروع می‌کردم و به‌ویژه بحث ایشان مربوط به حافظ چنان مرا مجذوب می‌ساخت که نوشتن را کنار می‌نهادم». خرمشاهی همچنین با اشاره به ویژگیهای برجسته علمی و فلسفی دکتر داوری، قطعه شعری به ایشان تقدیم کرد.

■ **آقای دکتر علی اکبر ولایتی** عضو پیوسته فرهنگستان علوم پزشکی در بخشی از سخنان خود اظهار داشت: «آقای دکتر داوری به عنوان یک مدافع فرهنگ و هویت اسلامی و ایرانی تلاش کرده است در برابر هجوم فرهنگی سینه سپر کند. دکتر داوری تلاش کرده است تا جوانهای ما را به هویت دینی و ملی ما برگرداند. این یک مبنای علمی قابل دفاع دارد چرا که اگر ما به خودمان برگردیم می‌توانیم به جایی برسیم که گذشتگان ما رسیده بودند».

■ **آقای دکتر محمد رجبی** رئیس کتابخانه مجلس شورای اسلامی و از شاگردان سابق استاد داوری در بخشی از سخنانش اظهار داشت: «استاد دکتر داوری با دل و از روی دل آگاهی سخن می‌گوید و آنچه را که یافته است بدون هیچ تکلفی بر قلم می‌آورد. نوشتار ایشان مثل گفتار ایشان است و گفتار ایشان مثل احوال ایشان است. کتابها و آثار استاد، عمیق و دلنشین است. آفق فکری که دکتر داوری در آن است و زبان ویژه‌ای که ایشان دارد به زاویه دید خاص ایشان برمی‌گردد که ناشی از ذکری است که فکر ایشان ناشی از آن ذکر است. دکتر داوری با مرگ‌آگاهی زندگی کرده است و خوشبختانه این منبع فیاض، میوه می‌دهد و ما از آن بهره می‌گیریم».

■ آقای دکتر محمد رضا سعیدآبادی دبیرکل کمیسیون

ملی یونسکو - ایران در سخنرانی خود با تأکید بر تلاشهای مستمر و پیگیر استاد داوری در طول چند دهه فعالیت علمی اظهار داشت که ایشان میراثی سترگ و پر ارج برای اصحاب علم و دانش ایران زمین به ارمغان آورده است. دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو با یادآوری این نکته که استاد داوری از بنیانگذاران کمیسیون ملی یونسکو ایران در بعد از انقلاب اسلامی نیز به شمار می‌رود ادامه داد: «او فیلسوفی است که آموخته‌های فلسفی خویش را در خدمت تحلیل و مسئله‌شناسی معضلات پیش روی فرهنگ و زندگی ما ایرانیان به کار گرفته است».

دکتر سعیدآبادی به جمله‌ای از کتاب «فلسفه در دادگاه ایدئولوژی» استاد داوری اشاره کرد که: «می‌خواهیم بدانیم در کجای تاریخ قرار داریم و در کدام راهیم و به کجا می‌رویم و از خطرهای راه و مقصد چه خبر داریم» و در ادامه سخنانش اظهار داشت که استاد داوری همواره بین دو موهبت الهی عقل و عشق در وجد و سماع بوده است. دکتر سعیدآبادی دکتر داوری را بسان درختی کهنسال و تناور تعبیر کرد که ریشه‌هایش خرد و عقلانیت است، ساقه و تنه‌اش چرایی، پرسشگری و تفلسف و میوه مینویش عشق و شیدایی است. وی تصریح کرد که ما بر خود می‌بالیم که در سایه‌سار این درخت تناور نشسته‌ایم و از امتزاج نیکو و الهی سه عنصر یزدانی خرد، عقلانیت و عشق بهره می‌بریم. دکتر سعیدآبادی در خاتمه سخنانش به نمایندگی از کمیسیون ملی یونسکو صمیمانه‌ترین درودها و ثناها را به محضر فیلسوف فرهنگ ابلاغ نمود.

■ حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالحسین خسروپناه

رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران نیز در مراسم جشن هشتاد سالگی دکتر رضا داوری اردکانی گفت: «این مجلس، مجلس تکریم حکمت و فلسفه است و تکریم حکمت و فلسفه، تکریم انسانیت است. لذا گاهی اوقات استادی بهانه می‌شود برای اینکه از حکمت سخن گفته شود. مخصوصاً حکمتی که برای امروز ما کارایی داشته باشد. بدون اغراق عرض می‌کنم با آشنایی که از آثار استاد دکتر داوری دارم و توفیق داشتم بعضی از آثار این مرد بزرگ را بخوانم، ایشان فیلسوف

است و دغدغه فلسفی دارد و مسائل امروز را با نگرش فلسفی بررسی می‌کند. نگرش فلسفی به اخلاق در عصر مدرن، نگرش فلسفی به فرهنگ، تجدد و علم، اینها مسائل مهمی است که از جمله دغدغه‌های استاد داوری است و دانش فلسفی و علوم انسانی ایشان یکی از نیازهای جدی روزگار ماست. علوم انسانی و اجتماعی از دغدغه‌های اصلی دکتر داوری با نگرش فلسفی است نه نگرش سیاسی. یکی دیگر از مسائلی که دکتر داوری در برخی نوشته‌هایشان به آن تأکید دارند این است که کاش می‌توانستیم به حرفهای سیاسی که در لباس فلسفه و به نام فلسفه زده می‌شود اهمیت ندهیم».

■ آقای دکتر سید محمد صادق خرازی سفیر اسبق ایران در

سازمان ملل متحد و در فرانسه نیز در مراسم جشن هشتاد سالگی آقای دکتر داوری اردکانی طی سخنانی ضمن بیان خاطراتی از آشنایی با دکتر داوری در ایران و ادامه دوستی در آمریکا و با اشاره به اینکه در جلسات و نشستهایی که با استاد مطهری داشته است ایشان همواره به سلامت فکر استاد داوری تأکید می‌کرده‌اند، گفت: «امروز پاسداشت شخصیت مهربان و بافضیلتی است که آفاق اندیشه و حکمت و دانش ایشان وای جدول‌بندیهای سیاسی و جغرافیایی است و حکیم و فیلسوف متفکر نامدار آقای دکتر داوری اردکانی از جمله مردان نیکونهادی است که برای استقلال، آزادی و اعتلای دین و فرهنگ با آثار فکری، علمی و فلسفی خود توانسته است از گوهر دین و دیانت در دوره محجور مشتاقانه حمایت و پاسداری کند. وقتی به کارنامه علمی و تلاشها و کارهای بزرگ دکتر داوری می‌نگریم در پس این چهره آرام و متین، یک جهان جوش و خروش و مسئولیت و آگاهی می‌توانیم مشاهده کنیم». دکتر خرازی با اشاره به اینکه آموزش اخلاق و حکمت و ادبیات فلسفه اسلامی و ایرانی دغدغه و هم و غم دکتر داوری و همه حکیمان معاصر بوده است، اظهار کرد: «اگرچه از بستر دانش و اندیشه و حکمت در غرب تکنولوژی و دانش متولد شد، ولی خوب دریافتند که بی‌تردید ساحت علوم جدید اعم از دانش اطلاعات و انفورماتیک، علم اجتماع، اقتصاد، بهداشت و ... همه رابطه‌ای با علم و فرهنگ و فلسفه دارند. دانشمندان ایرانی تلاش کردند

تا خود را وامدار مکاتب فلسفی الحادی و مادی‌گرایانه و ساختارشکنانه نکنند و اینها افرادی بودند که با نگاه واقعی توانستند حکمای نامدار دین در دوران معاصر شوند و از دین و هویت ما ایرانیها دفاع کنند».

■ **آقای احمد مسجدجامعی** رئیس کنونی شورای اسلامی شهر تهران نیز با بیان اینکه «نامه فرهنگ» نشریه ماندگار در تاریخ مطبوعات و تفکر در ایران است، اظهار داشت: «می‌توان به استاد دکتر داوری علاوه بر فیلسوف فرهنگ، لقب فیلسوف گفتگو نیز داد». مسجدجامعی با بیان خاطراتی از دوران جوانی و نحوه آشنایی با دکتر داوری گفت: «استاد داوری جزو فلاسفه‌ای است که نه تنها حافظ و سعدی و شعرا و حکمای قدیم را به خوبی می‌شناسد، بلکه درباره قیصر امین‌پور، فروغ فرخزاد و اخوان ثالث نیز تعبیری دارد که نظرات وی درباره اخوان به آرای آقای دکتر شفیعی کدکنی نزدیک است». ایشان با بیان اینکه دکتر داوری علاوه بر فلسفه به ادبیات جدید و رمان و داستان نیز اشراف داشت و با آن مانوس بود عنوان کرد: «ما دانشجویان در آن زمان برای دریافت مقاله‌ای ویژه نشریه خود به استاد مراجعه کردیم و او برای نشریه «فلق» که نشریه‌ای دانشجویی بود در سال ۱۳۵۵، مقاله‌ای نوشت؛ در آن زمان که به نشریات دانشجویی توجه چندانی نمی‌شد، استاد ما را پذیرفت و راهنمایی کرد و مقاله ویژه‌ای را به ما داد تا چاپ کنیم». وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی افزود: «دکتر داوری از استادانی است که حساب خود را از مسائل فرهنگی جامعه جدا نمی‌کند و اهل عافیت‌طلبی و به دور از مسائل روز و در فضای تخیلی خود نشستن، نیست و یکی از وجوه جذابیت استاد داوری، همین ویژگی فیلسوف زمانه‌بودن است که وارد مباحث روز می‌شود و نظر می‌دهد».

■ **حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمد خاتمی** در مراسم جشن ۸۰ سالگی دکتر رضا داوری اردکانی در سخنان کوتاهی تأکید کرد: «استاد دکتر رضا داوری کسی است که نحوه حرمت به کلمه و کلام را به ما آموخت و زمینه تفکیک تکلم را از وراچی فراهم آورد». خاتمی افزود: «اگر تفکر جوهر آدمی است و اگر تفکر با پرسش آغاز می‌شود، استاد داوری اردکانی از کسانی است که هم پرسشهای زمانه را مطرح کرده و هم افقی به روی ذهن

گشوده که چگونه بپرسیم. اگر حرمت انسان و حتی وجود انسان در سخن و کلام تجلی پیدا می‌کند، حرمت‌نهادن به انسان حرمت‌نهادن به کلام است».

رئیس‌جمهور اسبق ایران تصریح کرد: «وقتی سیاست از تفکر دور می‌شود و همچون سیاه‌چالی همه ارزشهای انسانی را در خود می‌بلعد و دین و فرهنگ را به تسخیر خود درمی‌آورد، استاد داوری به ما این تذکر را می‌دهد که مرز میان تفکر و سیاست‌زدگی را تشخیص دهیم» ایشان یادآور شد: «این همه بزرگی و علم و دانش و فرهنگ با تواضع استاد داوری توأم بوده و هست که هر چه بر عمر پر برکت ایشان افزوده شد این تواضع بیشتر شد». خاتمی در پایان تأکید کرد: «این همه بزرگی وقتی شکوه می‌یابد که با نجابت استاد همراه می‌شود؛ نجابتی که از پدر و مادر بزرگوار و به ویژه مادر بزرگوارشان به ارث رسیده است».

خلاصه سخنان دکتر سیدمصطفی محقق داماد

در مراسم بزرگداشت دکتر داوری اردکانی

دکتر داوری استقلال فرهنگستان علوم را حفظ کرد.

شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوبه سال ۱۳۸۸

فرهنگستانها را لغو کند.

آیت‌الله دکتر سیدمصطفی محقق داماد عضو پیوسته و رئیس گروه علوم اسلامی فرهنگستان علوم یکی از سخنرانان مجلس نكوداشت دکتر داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم بود. ایشان در ابتدای سخنان خود با تجلیل از مقام والای علمی و فلسفی و فرهنگی دکتر داوری و با اشاره به سابقه طولانی آشنایی با ایشان اظهار داشت: «آنچه که از استاد داوری برای من جالب است، این است که من عالم، فیلسوف، فقیه، ادیب و اصولی زیاد دیده‌ام، اما کسی که بین این دانشها با اخلاق و ادب جمع کند، به شدت کم دیدم و گزاف نمی‌گویم که دکتر داوری دانش و علم و حکمت را با اخلاق و ادب قرین ساخته است و به قول حافظ: اینک می‌گویند آن خوشتر از حسن یار ما این دارد و آن نیز هم». دکتر محقق داماد در ادامه سخنانش با اشاره به اینکه درباره ویژگیهای بارز علمی و شخصیت ممتاز اخلاقی دکتر داوری قبلاً



سخن گفته است و در این مجلس می‌خواهد درباره دکتر داوری و فرهنگستان علوم صحبت کند، گفت: «هویت فرهنگستانها این بود که یک مرکز عالی علمی و جمعی از ممتازترین دانشمندان کشور هستند که رئیس و اعضای‌شان را با استقلال خود و بر اساس مدارک و مدارج علمی و به دور از هر موضع غیرعلمی انتخاب می‌کنند و این اعضا منصوب جایی نیستند. این حسن فرهنگستان و افتخاری برای انتخاب‌شوندگان بود. من که از سال ۱۳۷۰ عضو فرهنگستان علوم شدم محیطی علمی متشکل از بزرگترین دانشمندان کشور یافتیم که دور هم جمع می‌شوند و راجع به مسائل مختلف علمی و فرهنگی کشور به دور از هرگونه هیاهوی سیاسی و تبلیغاتی کار می‌کنند و به دولت مشاوره می‌دهند و همه اعضا از این بابت - چه در زمان ریاست استاد دکتر علی شریعتمداری و چه از سال ۱۳۷۷ که استاد دکتر داوری از سوی مجمع عمومی به رئیس‌جمهوری پیشنهاد شدند و با حکم رئیس‌جمهور ریاست فرهنگستان برعهده ایشان گذاشته شد - خوشحال بودیم. هویت و ماهیت حقوقی فرهنگستان همین نکته استقلالش بود. در سال ۱۳۸۸ این استقلال با مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی از بین رفت و شاید اعضای محترم شورای عالی در جریان امر فرهنگستانها و مصوبه

جدید نبودند و کسانی از بیرون قصد دخالت داشته‌اند. به هر صورت در پشت درهای بسته این نقطه امتیاز این مرکز علمی که مایه افتخار ایران زمین بود از آن گرفته شد».

دکتر محقق داماد در ادامه تصریح کرد: «می‌خواهم از آقای دکتر داوری تشکر کنم و دست ایشان را در این زمینه ببوسم که ایشان تمام تلاشش را گذاشت که این مسئله در فرهنگستان علوم اجرا نشود و افرادی به وسیله یک ابلاغ به عنوان رئیس فرهنگستان و یا عضو فرهنگستان منصوب نشوند. این استاد بزرگوار تا امروز هم موفق شد و توانست هویت و استقلال فرهنگستان علوم را حفظ کند. من امروز آمدم که به نمایندگی از همه دانشمندان فرهنگستان علوم بابت این کار از دکتر داوری تشکر کنم». رئیس گروه علوم اسلامی فرهنگستان علوم در پایان صحبت‌های خود تأکید کرد: «از آقای رئیس‌جمهور هم متشکریم که درخواست آقای دکتر داوری را قبول کردند و به نام ایشان در ایام ریاست‌جمهوریشان این ویرانی برای فرهنگستان علوم پیش نیامد و به نام ایشان تمام نشد. امیدواریم که رئیس‌جمهور منتخب آینده که دردآشنای فرهنگ و فرزند حوزه و دانشگاه است این درد ما را بشنود. ما این درد بی‌درمان را به کجا ببریم که آکادمی علوم ایران حتی با آکادمی علوم کشورهای عقب‌افتاده شرقی هم برابر نباشد که استقلال داشته باشد. امیدواریم مصوبه سال ۱۳۸۸ که استقلال فرهنگستانها را گرفت، با تدبیر رئیس محترم جمهوری منتخب و اعضای محترم شورای عالی انقلاب فرهنگی لغو شود».

خلاصه سخنانی دکتر رضا داوری اردکانی در مجلس بزرگداشت ایشان

«این ناچیز هرگز نمی‌دانسته و حتی به دشواری تصور می‌کرده است که در پایان عمر چنین مورد لطف و احسان بزرگان و صاحب‌نظران کشور قرار گیرد. من نمی‌دانم برای علم و فلسفه کشورم چه کرده‌ام و برای آینده چیزی آورده‌ام یا صرفاً با سیاه‌کردن کاغذ، به قول حافظ «خلعت شیب را چون تشریف شباب آلوده کرده‌ام» و مایه اتلاف وقت و ملال خاطر خوانندگان شده‌ام. می‌دانم که این مجلس، مجلس حکم درباره کار و آثار من



مقام بزرگتر بدهد و در برابر اعتراض کسانی که می‌گویند فلسفه بیهوده است از حیثیت شغلی و علایق علمی خود دفاع کند ضرورتاً به پاسخ راهگشا نمی‌رسد زیرا پرسش را بد و نادرست مطرح کرده است. کسانی هم می‌خواهند با رجوع به کتابها و آراء نامداران بیهودگی فلسفه را اثبات کنند. اینان هم هرچند مورد تأیید بسیاری از خوانندگان قرار می‌گیرند، اثر نوشته‌هایشان پایدار نیست. با توجه به این پیچیدگی کوشیده‌ام با تأمل در آثار فیلسوفان بزرگ و شاعران و نویسندگان دریابم که چه نسبتی میان تفکر و سیاست و معیشت مردمان وجود دارد.

چرا فیلسوفان از سقراط تاکنون همه به سیاست پرداخته‌اند. مگر سیاست عمل نیست پس فیلسوفی که نظر را اصل می‌داند چرا می‌نشیند و کتاب در سیاست می‌نویسد و این کتاب در تاریخ می‌ماند. ارسطو را می‌گویم. او هرگز این پرسش را به صورت صریح طرح نکرده و شاید نیازی به طرح آن نداشته است. زیرا می‌دانسته است که انسان حیوان سیاسی است و فلسفه در مدینه پدید می‌آید. حتی راه میان نظر و عمل را هم به صورتی تصویر کرده است. ما می‌توانیم نظر ارسطو را نقد کنیم. مهم این است که بدانیم او میان علم نظری (فلسفه که به نظر او تاجش الهیات است) و کار و عمل زندگی (مهارتها و تکنیکها) دو واسطه قرار داده است. این دو واسطه عبارتند از خردمندی یا فرزاندگی و فضایل اخلاقی. این چهار مرتبه به هم پیوسته‌اند. در نظر ارسطو تأمل باید کرد اما اگر می‌خواهیم بدانیم که اکنون و در جهان کنونی تفکر و سیاست با هم چه نسبت دارند، نمی‌توانیم در آنچه ارسطو گفته است متوقف شویم. مدینه یونانی دیگر وجود ندارد. زمان ما با زمان یونانی متفاوت است. پس باید بدانیم که در این زمان (زمانی که آن را به درستی نمی‌شناسیم) تفکر چه مقامی دارد. چیزی که برای من قضیه را دشوار کرده است تمییز میان زمانهای جهان متجدد است. این جهان مراتبی دارد و در هر مرتبه و مرحله صورت زمان هم متفاوت شده است چنانکه کسانی گفته‌اند زمان تجدد رو به پایان است و در جهان متجددمآب و توسعه‌نیافته زمان و تاریخ غایب است. این حرفها را نمی‌توان بی‌تأمل پذیرفت اما رد فوری و قطعی آنها هم با خرد و خردمندی سازگاری ندارد. اگر به این مباحث هم بپردازیم و

و رد و تأیید آنها نیست، بلکه مجلس احسان در حق کسی است که عمر را با کتاب و مطالعه به سر برده و وظیفه دانشجویی خود را انجام داده است. وقتی به گذشته خود نظر می‌کنم از اینکه همواره با کتاب محشور بوده‌ام، خشنودم. اهل معرفت و درک و درایت کشور هم چنانکه دیده‌ایم و می‌بینیم قدر این تعلق خاطر به علم را می‌دانند.

همسر و فرزندانم که متأسفانه نتوانسته‌اند در این مجلس حاضر شوند پیامی فرستاده‌اند که در آن نه فقط از اینکه به جای رسیدگی به کار و زندگی آنان مشغول درس و کتاب و مطالعه خود بوده‌ام آزرده‌ام ندارند بلکه بر رویه من صحنه گذاشته و آن را در تربیتشان مؤثر دانسته‌اند. من نمی‌دانم کار و بارم در تربیت فرزندانم چه اثر داشته است اما شاید اینکه می‌بینید فارسی را درست و خوب می‌نویسند از تأثیر مستقیم و غیرمستقیم علاقه من به زبان فارسی و اهتمام به درست‌نویسی باشد. خدا را شکر می‌کنم که فرزندانم راه مرا دنبال کرده‌اند. در ده سال اخیر عمر، مسئله‌ای که همواره در فکر آن بوده‌ام و برای اینکه آن را درست دریابم هزاران صفحه نوشته‌ام (۲۵ یا ۲۶ کتاب از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۱) این است که شعر و فلسفه به چه کار می‌آید.

در پاسخ این پرسش سخنان بسیار می‌توان گفت و با تتبع می‌توان نظر صاحب‌نظران گذشته و معاصر را گرد آورد. هرکس که به این امر می‌اندیشد ناگزیر باید به آراء صاحب‌نظران رجوع کند اما با این رجوع و نقل نظرها و انتخاب یک رأی به عنوان رأی درست و مختار کار تمام نمی‌شود. کسی که می‌پرسد فلسفه به چه کار می‌آید و می‌خواهد به شغل خود که فلسفه است شأن و



بخواهیم سرمان را زیر بیندازیم و کار و بار زندگیمان را سامان دهیم ناگزیر باید به تجربه‌هایی که خود و پدرانمان داشته‌ایم بیندیشیم. همین که بپرسیم آیا در دوره برنامه‌ریزی، برنامه خوب داشته یا نداشته‌ایم و اگر داشته‌ایم آن را چگونه اجرا کرده‌ایم وارد فلسفه شده‌ایم به شرط اینکه شکسته‌ها و پیروزیها را از نظر دور نداریم. سیاستی که فقط حرف می‌زند اگر از خوبیها هم حرف بزند سیاست بدی است و اگر به نام حق و درستی، بیهوده و باطل و ناروا بگوید گفته‌اش عین انحطاط است. ما وقتی به پیروزی و شکست می‌اندیشیم نمی‌توانیم از آن جدا شویم و شرایط را در نظر نیاوریم. اگر یونان در دو هزار و پانصد سال پیش به عظمت رسیده است هم‌رو توتوسیدید و هراکلیتس و سوفوکل و سقراط و افلاطون و بقراط و ... داشته است. ما هم در زمان عظمت کشورمان خوارزمی و محمد زکریای رازی و ابن‌سینا و سهروردی و بیرونی و فردوسی و بیهقی داشته‌ایم و نصیرالدین طوسی و سعدی و مولانا جلال‌الدین بلخی و حافظ نیز این عظمت را تجدید کرده‌اند یا به هر حال هم‌زمان با دوران عظمت و تجدید آن بوده‌اند. اروپای جدید هم پر از فلسفه و هنر است. پیداست که در زمان غلبه مصرف اشیاء تکنیک نیاز به این اشیاء محسوس‌ترین نیاز باشد و این تعجب هم ندارد زیرا رکن بزرگ و مؤثر جهان جدید علم و تکنولوژی است. اروپا علاوه بر علم و تکنولوژی هنر و فلسفه و سیاست هم دارد و اینها حواشی و فروع علم و تکنولوژی و وسیله تفنن نیستند. پیش از پدیدآمدن تکنولوژی جدید تحولی بزرگ در روح اروپایی پدید آمده و در فلسفه ظاهر شده است. تحول در وجود بشر مسبوق به تفکر است و با این تحول نظام زندگی مردمان متحول می‌شود. چنانکه در تاریخ هر وقت پیروزی و نظم و سامان بوده تفکر هم بوده است.

به آن سوی قضیه هم بنگریم. آیا جایی را می‌شناسیم که تفکر وجود داشته و بی‌سروسامانی و سرگردانی غالب بوده است؟ آیا در جایی که سرگردانی و آشوب غلبه دارد نشان تفکر ناپیدا نیست؟ من به جای اینکه در نظر افلاطون و ارسطو و فارابی و کانت و هگل توقف کنم می‌پرسم ما چیستیم و چرا چنینیم و آیا از چنین‌بودن راضی هستیم؟ اگر راضی هستیم راهمان را ادامه دهیم و اگر راضی نیستیم آیا از آن جهت راضی نیستیم که چرا

بهتر از آنچه هستیم نشده‌ایم یا اصلاً بهتر شده‌ایم و از وضع خود دلگیر و ناخشنودیم. در این قیاس در هیچ‌جا میان زندگی خوب و تفکر جدایی نیست و در همه‌جا پریشانی با بی‌فکری قرین است. راستی میان اینها چه نسبتی است. هنرمندان و شاعران و فیلسوفان که کاری به آراء همگانی و سیاست و معاش ندارند. پس آنها چگونه با سیاست و زندگی در پیوند و ارتباطند. این نسبت و پیوند از روی قصد نیست. شاعران و نویسندگان و فیلسوفان به غایت و نتیجه سخن و اثر خود نمی‌اندیشند. آنها می‌یابند و یافتشان به زندگی مردم روح می‌بخشد. جامعه و زندگی صرف تن و جسم (خور و خواب و خشم و شهوت) نیست بلکه تن با روح به تعادل و سلامت می‌رسد. البته تن را بیشتر می‌شناسیم و روح ناشناخته است اما اینکه شناختن تن آسان است مزیتی برای آن نیست. بسیار خوب است در شرایط کنونی به جسم و جان جامعه خود بیندیشیم یا لااقل قدری به فکر روح و جان باشیم و البته روح و جان را با حرف و شعار و تحکم اشتباه نکنیم. در مسلمات و مشهورات متوقف نشویم و مثلاً وقتی می‌بینیم سالها سخنی گفته‌ایم و این سخن اثری نکرده است یا نمی‌دانیم آن سخن از چه راه اثر می‌کند آن را تکرار نکنیم. این هنری نیست که حرفهای مشهور را فهرست کنیم و خود را طالب آنها بدانیم. همه مردم طالب خوبیها هستند. مهم این است که دریابیم اینجا خوبی چیست و چگونه متحقق می‌شود. یعنی بیندیشیم که تحقق کدام خوبیها در امکان و توانایی ماست. همه‌کس در همه زمانها قادر به هر کاری نیستند و این تفکر است که به آنها می‌گوید که چه می‌توانند بکنند و از عهده چه کارهایی بر نمی‌آیند. فلسفه تاریخ دارد و فیلسوفان باید آراء گذشتگان را بشناسند اما تکرار آن آرا کافی نیست و تکرارش جز برای تعلیم فایده و اثر ندارد. فلسفه درک شرایط امکان علم و عمل است. اگر به این شرایط می‌اندیشیم رو به سوی تفکر داریم و در راه قرار می‌گیریم اما اگر خود را بی‌نیاز از تفکر و توانا به هر کار و هر چیز می‌دانیم یا برای رسیدن به مقاصدی که در نظر داریم توجه و تذکر به شرایط را ضروری نمی‌دانیم و حرف می‌زنیم و کار را تمام‌شده می‌دانیم کمترین زبانی که می‌بینیم این است که به مقصودهایمان نمی‌رسیم».

خلاصه طرح پژوهشی خاتمه یافته

ارزیابی تکنولوژیهای لازم به منظور بهینه سازی تولید و مصرف انرژی با ملاحظات زیست محیطی ملی و جهانی و کنوانسیونهای بین المللی

مدیر طرح: دکتر محمد سلطانیه^۱

با همکاری: دکتر محمد حسن پنجه شاهی و دکتر نسیم طاهونی

این طرح در چهار فصل شامل «مروری بر وضعیت تولید و تبدیل انرژی در ایران و جهان»، «ارزیابی فناوریهای انرژی در بخش تولید و تبدیل انرژی در ایران و جهان»، «ارزیابی فناوریهای انرژی در بخش مصرف انرژی در ایران و جهان»، «فناوریهای سازگار با محیط زیست در بخش تولید، تبدیل و مصرف انرژی» و بخش «جمع بندی و نتیجه گیری» تهیه شده است.

در فصل اول: تولید و تبدیل انرژی در ایران و جهان در بخش نفت خام، گاز طبیعی، برق، زغال سنگ، انرژیهای تجدیدپذیر و انرژی هسته ای مورد بررسی قرار گرفته است و در ادامه به موضوع محدودیتهای زیست محیطی جهانی در ارتباط با انرژی اعم از آلودگی آب، آلودگی دریا، آلودگی هوا، کاربری اراضی، تشعشع و رادیواکتیو، دفع زائدات جامد، کاهش لایه ازن و تغییرات جهانی آب و هوا و نیز انگیزه ها و محرکهای تحول در تکنولوژیهای انرژی شامل موارد اهتمام در کارایی مصرف انرژی و استفاده بهینه از آن، استفاده از انرژیهای قابل احیا، حفاظت از منابع انرژی، کاهش قیمت تمام شده کالا برای رقابت اقتصادی، جلوگیری از ایجاد آلودگیهای زیست محیطی و کاهش دی اکسید کربن پرداخته شده است. تولید انرژی اولیه کشور در سال ۱۳۸۶، به میزان ۲۴۲۷/۸ میلیون بشکه معادل نفت خام با رشدی معادل ۵/۰ درصد نسبت به سال ۱۳۸۵ بوده است، که ۶۷/۱ درصد آن به نفت خام، مایعات و میعانات گازی و مواد افزودنی، ۳۱/۹ درصد به گاز طبیعی، ۵/۵ درصد به انرژی آبی و تجدیدپذیر، ۰/۳ درصد به زغال سنگ و ۰/۲ درصد به بیوماس جامد اختصاص داشته است. مصرف نهایی انرژی در سال ۱۳۸۶، به میزان ۹۷۵/۲ میلیون بشکه معادل نفت خام با رشدی

معادل ۶/۴ درصد نسبت به سال گذشته آن رسیده است. رشد فزاینده مصرف انرژی در بخشهای صنعت، خانگی، عمومی- تجاری و کشاورزی به ترتیب معادل ۲۰/۸، ۵/۳ و ۲/۲ درصد و رشد کاهنده ۱/۹۴- در بخش حمل و نقل نسبت به سال گذشته مشاهده می شود. همچنین، تأمین ۴۵/۶ درصد از انرژی مصرفی بخشهای مصرف کننده توسط فراورده های نفتی، ۴۴/۸ درصد توسط گاز طبیعی، ۸/۷ درصد توسط برق، ۰/۵ درصد توسط بیوماس جامد و ۰/۴ درصد توسط زغال سنگ صورت پذیرفته است [مرجع: ترازنامه انرژی ۱۳۸۶]. کل تولید انرژی اولیه جهان نیز از ۶۱۱۵ میلیون تن معادل نفت خام در سال ۱۹۷۳ به ۱۲۰۲۹ میلیون تن معادل نفت خام در سال ۲۰۰۷ رسیده است. در سال ۲۰۰۷، تولید نفت خام و گاز طبیعی با ۳۴ و ۲۰/۹ درصد به ترتیب بیشترین سهم از تولید انرژی اولیه در جهان را به خود اختصاص می دهد. مصرف نهایی انرژی نیز از ۴۶۷۵ میلیون تن معادل نفت خام در سال ۱۹۷۳ به ۸۲۸۶ میلیون تن معادل نفت خام در سال ۲۰۰۷ رسیده است. در سال ۲۰۰۷، تأمین ۴۲/۶ درصد از انرژی مصرفی بخشهای مصرف کننده توسط فراورده های نفتی، ۱۵/۶ درصد توسط گاز طبیعی، ۱۷/۱ درصد توسط برق، ۱۲/۴ درصد توسط بیوماس جامد و ۸/۸ درصد توسط زغال سنگ صورت پذیرفته است.

مرجع: [Key World Energy Statistics, 2009]

در فصل دوم: فناوریهای انرژی در بخش تولید و تبدیل انرژی در ایران و جهان مورد ارزیابی قرار گرفته است. این ارزیابی در سه حوزه تولید انرژی اولیه (بالادستی نفت و گاز)، پالایشگاههای نفت و گاز و تولید انرژی الکتریکی در نیروگاههای برق انجام شده

است. در بخش تولید انرژی در بالادستی نفت و گاز، فناوریهای تولید اولیه نفت (شامل انبساط سنگ و سیال، رانش توسط گاز محلول، رانش کلاهدک گازی و رانش توسط آب ورودی به مخزن)، تولید ثانویه نفت (شامل تزریق آب، تزریق گاز، تزریق متناوب آب و گاز و روش حرارتی) و تولید ثالثیه نفت (شامل استفاده از روش میکروبی، تزریق محلول مایسلار، استفاده از مواد شیمیایی کاهش‌دهنده نیروی کشش سطحی، روش احتراق زیرزمینی، فرایند جابجایی امتزاجی و کاربرد نیتروژن در افزایش بهره‌وری) به طور مبسوط توضیح داده شدند. در بخش پالایشگاههای نفت و گاز نیز تمامی فناوریهای مربوط به فرایندهای نفت (شامل نمک‌زدایی نفت خام، تقطیر در فشار جو، تقطیر در خلأ، گوگردزدایی از نفتای سنگین و تبدیل کاتالیستی، تصفیه گاز با آمین، رفرمینگ، کراکینگ، ایزومراسیون، الکیلاسیون، کاهش گرانشی و ...) و تمامی فرایندهای گاز (شامل جداسازی اولیه گاز، شیرین‌سازی، حذف نیتروژن، حذف جیوه و ...) بررسی شدند. در بخش فناوریهای تولید انرژی الکتریکی در نیروگاههای برق نیز نیروگاههای بخاری، گازی، سیکل ترکیبی، تجدیدپذیر، هسته‌ای و ... مقایسه شدند.

در فصل سوم: فناوریهای انرژی در بخش مصرف انرژی در ایران و جهان مورد ارزیابی قرار گرفته است. این ارزیابی در سه حوزه صنعت، حمل و نقل، خانگی و تجاری، انجام شده است.

در حوزه صنعت، فناوریهای بازیافت حرارت و قدرت، افزایش بازده تجهیزات انرژی‌بر، جایگزینی مواد و بازیافت، جایگزینی سوخت و انتگراسیون فرایند، در حوزه حمل و نقل، کاهش شدت انرژی وسایل نقلیه، جایگزینی منابع دیگر انرژی با آلایندگی کمتر، استفاده از فناوری سیستم حمل و نقل هوشمند درون و برون شهری، بهبود مدیریت ناوگان حمل و نقل با افزایش ظرفیت خودرو، جایگزینی حمل و نقل عمومی و غیرموتوری و کاهش تقاضای سفر و ایجاد خدمات الکترونیک و در حوزه خانگی و تجاری، بهبود مصرف انرژی در تجهیزات ساختمانی، گرمایش، سرمایش، تأمین آب گرم، تبرید، پخت و پز، روشنایی، تجهیزات اداری و بهینه‌سازی حرارتی ساختمان مدنظر قرار گرفته است.

در فصل چهارم: فناوریهای سازگار با محیط‌زیست در بخش تولید، تبدیل و مصرف انرژی در جهان بررسی شده و فناوریهای موجود ملی با وضعیت جهان مقایسه شده و آینده‌نگری این فناوریهای انرژی در ایران مورد ارزیابی قرار گرفته است. آینده‌نگری و پیش‌بینی فناوریهای انرژی در ایران با توجه به اسناد بالادستی کشور در بخش تولید، تبدیل و مصرف انرژی، تعیین محورهای فعالیت در ارتقای وضعیت بخش تولید، تبدیل و مصرف انرژی و پتانسیل‌سنجی صرفه‌جویی سالانه در بخش تولید، تبدیل و مصرف انرژی صورت گرفته است. در ادامه این فصل، صور مختلف انرژی بررسی شده و به موضوع سیاستگذاری در مصارف انرژی پرداخته شده است. این سیاستگذاری بر اساس بررسی سبد انرژی کنونی کشور و بررسی پتانسیلهای موجود استفاده از حاملهای جدید انرژی در ایران انجام شده است.

جمع‌بندی: تقاضای انرژی در جهان رو به رشد است و مصرف انرژی به طور مستقیم باعث افزایش آلاینده‌های زیست‌محیطی می‌شود. آلاینده‌های زیست‌محیطی با انتشار در اتمسفر، علاوه بر گرمایش زمین و تأثیرات گلخانه‌ای، هزینه‌های اجتماعی فراوانی را به دولتها و جوامع تحمیل می‌نماید. اهمیت این موضوع به حدی است که تمام کشورهای صنعتی در برنامه‌های توسعه‌ای خود، حفاظت از محیط‌زیست را در کنار بهبود کارایی انرژی و بهره‌وری اقتصادی به عنوان ضلع سوم توسعه پایدار عنوان نموده و تلاشهای زیادی را در این راستا انجام می‌دهند. حفاظت از محیط‌زیست به عنوان موتور محرک ثانویه بهینه‌سازی مصرف انرژی در کشورها عمل کرده و این موضوع، به خصوص پس از عقد پیمان کیوتو، به شکل مدون در چارچوب برنامه‌های مصرف انرژی در کشورهای صنعتی تعریف شده است.

بالا بودن شدت انرژی و پتانسیلهای بالای صرفه‌جویی انرژی در بخشهای مختلف مصرف‌کننده انرژی در کشور از یک سو و تعاملات، تسهیلات و اجبارهای داخلی و بین‌المللی از سوی دیگر شرایطی را ایجاد نموده است که باید با ساماندهی مناسب و تدوین برنامه‌های جامع، بیشترین منافع را برای کشور به دست آورد تا علاوه بر نفع اقتصادی و اجتماعی، حرکت جامعه در مسیر توسعه پایدار تضمین گردد.



استراتژی توسعه بهینه‌سازی انرژی و کاهش آلاینده‌های زیست‌محیطی در بخش صنعت بر کاهش مصرف ویژه انرژی در فرایندهای تولید با هدف کاهش شدت انرژی جهت رسیدن به توسعه پایدار صنعتی استوار است. بر اساس این استراتژی قوانین و دستورالعملهایی در مراجع قانونی تصویب شده‌اند که فعالیتهای مدیریت انرژی در صنایع را به شکل سیستماتیک هدایت کنند. قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی و استانداردهای مصرف انرژی در فرایندهای صنعتی از مهمترین این قوانین می‌باشند. اگرچه رعایت این قوانین برای واحدهای بزرگ صنعتی الزامی می‌باشد، لیکن عدم توجه جدی صاحبان صنایع به این مقررات و نبود ضمانتهای اجرایی محکم برای آنها از یک‌سو و ناقص و ضعیف بودن خود مقررات از سوی دیگر باعث شده تا فاصله ایران، نه تنها با کشورهای پیشرو در زمینه انرژی و محیط‌زیست، بلکه با آمار و ارقام متوسط جهانی بسیار زیاد باشد. بررسی اطلاعات انرژی بخش صنعت نمایانگر اختلاف فاحش مصرف انرژی در صنایع ایران در قیاس با میزان متوسط مصرف جهانی در این بخش می‌باشد. به طوری که موقعیت کشور از این نظر در وضعیت مطلوبی قرار ندارد. بدیهی است که این امر را می‌توان به عدم استقرار واحد مدیریت انرژی فعال و نظام‌مند، بازده پایین فناوریهای تبدیل انرژی، فرهنگ غیر صحیح مصرف، فرسودگی تجهیزات، قدیمی‌بودن فرایندهای تولید، نیروی کار غیر متخصص، ضعف سیستمهای آموزش نیروهای انسانی و عدم توجه به فعالیتهای تحقیقاتی و پژوهشی در واحدهای صنعتی نسبت داد. با نگاهی به آمار و اطلاعات موجود درباره فاصله شدت مصرف انرژی در ایران با کشورهای توسعه‌یافته، مصرف ناکارای انرژی در کشور ما بیشتر به چشم می‌آید که از مهمترین دلایل

آن بازده پایین فناوریهای تولید و تبدیل حاملهای انرژی و فرهنگ غیر صحیح مصرف انرژی می‌باشد. علاوه بر آن فرسودگی تجهیزات، قدیمی بودن فرایندهای تولید، عدم توجه به فعالیتهای تحقیقاتی و پژوهشی در واحدهای صنعتی، استفاده از تجهیزات و لوازم خانگی با کارایی کم و فرهنگ ناصحیح استفاده از انرژی در بخش ساختمان و تکنولوژیهای پایین خودروهای تولیدی در کشور از عوامل مهم مصرف غیر منطقی انرژی در بخشهای مختلف کشور است. افزایش روزافزون مصرف حاملهای انرژی در دهه اخیر و مسائل زیست‌محیطی مرتبط یکی از مهمترین چالشهای پیش روی سیاستگذاران حوزه انرژی کشور است. داشتن استراتژی و برنامه مشخص جهت توسعه سیستم انرژی در کشور از یک‌سو و از سوی دیگر توجه به نیاز رو به رشد، می‌تواند شرایط بهتری را جهت مدیریت سیستم انرژی در کشور ایجاد کند. جهت پاسخ به نیاز انرژی در کشور دو اقدام زیر ضروری به نظر می‌رسد:

■ مدیریت بخش عرضه انرژی که شامل توسعه کلیه زیرساختهای لازم و استفاده از فناوریهای نوین به منظور ارتقای راندمان تولید حاملهای انرژی و همچنین استفاده بیشتر از انرژیهای تجدیدپذیر خواهد بود.

■ مدیریت تقاضای انرژی به گونه‌ای که با تأکید بر روشهای فنی و غیر فنی بهینه‌سازی مصرف انرژی و کاهش آلاینده‌های زیست‌محیطی، رشد تقاضا را کند کرده و باعث توسعه پایدار کشور شود.

باید توجه داشت که جهت اجرای موفق سیاستهای انرژی در یک کشور، مدیریت بخشهای عرضه و تقاضا باید متعادل، متناسب و هماهنگ باشند.

تشکیل دولت صفوی و اهمیت تاریخی آن

خلاصه سخنرانی دکتر احسان اشراقی



بنابر تصمیم گروه علوم انسانی فرهنگستان علوم، در جلسات شورای همگانی گروه که هر دو هفته یکبار با حضور اعضای پیوسته و وابسته گروه مزبور به ریاست آقای دکتر حسین نمازی رئیس گروه علوم انسانی تشکیل می‌شود، هریک از اعضا به ایراد سخن می‌پردازند. در چند جلسه برگزار شده در فصل تابستان، آقای دکتر احسان اشراقی عضو پیوسته گروه علوم انسانی فرهنگستان علوم و استاد تاریخ دانشگاه تهران در سخنانی به موضوع «تشکیل حکومت صفوی و اهمیت تاریخی آن» پرداخت. در پایان جلسات نیز هریک از اعضا نظرشان را پیرامون مسائل مطرح‌شده بیان کردند و استاد اشراقی به پرسشهای حاضران پاسخ داد. در ذیل خلاصه‌ای از سخنان آقای دکتر اشراقی جهت اطلاع و بهره‌برداری علاقمندان منتشر می‌شود:

«تشکیل دولت صفوی در اوایل قرن دهم هجری مقارن با آغاز قرن شانزدهم میلادی یکی از رویدادهای مهم تاریخ ایران است. در سال ۹۰۷ هجری قمری شاه اسمعیل اول ششمین نسل از اولاد شیخ صفی‌الدین اسحاق اردبیلی بنیادگذار خانقاه اردبیل به پایمردی هزاران صوفی قزلباش که از آسیای صغیر و ایران به دور او گرد آمده بودند، قیام کرد و پس از جنگ با فرخ‌سیار پادشاه شروان و متحد او الوند میرزا آق‌قوینلو و تصرف شروان و آذربایجان در شهر تبریز تشکیل دولت صفوی را اعلام و مذهب شیعه اثنی‌عشری را مذهب رسمی ایران قرار داد. سپس تا سال ۹۱۶ هجری قمری با برچیدن حکومت‌های محلی زمینه دولت ملی و مستقل ایرانی را فراهم ساخت. اگرچه تأسیس این دولت به دست شاه اسمعیل انجام پذیرفت ولی عوامل تاریخی که موجبات پیدایش این دولت را به وجود آوردند به قرنهای هفتم و هشتم و نهم باز می‌گردد که مهمترین آنها مربوط به دوران و سقوط بغداد و انقراض خلافت عباسی است که زمینه جنبشهای مذهبی و

سیاسی به‌ویژه حرکت‌های تشیع و تصوف را پدید آورد. سقوط بغداد و انقراض عباسی در سال ۶۵۶ هجری قمری به دست هلاکوخان و دوران فترت بعد از دوران ایلخانی و دوران فترت در پایان حکومت تیمور و پیدایش دولت ترکمانان قره‌قوینلو و آق‌قوینلو عصری آشفته توأم با ظهور حکومت‌های محلی در سراسر ایران بوده است. در این دوران طولانی از تاریخ میانه ایران فرصتی به وجود آمد تا جنبشهای مذهبی و نحله‌های صوفیانه که زمینه‌های آن از قرن سوم هجری قمری بر ضد قدرتهای حاکم آغاز شده بود به وقوع پیوندند که نقش مذهب تشیع و حضور طریقت‌های تصوف در آنها تأثیر فراوان داشت و نهضت صفویه که با جریان طریقت در سال ۷۰۰ هجری به دست شیخ صفی‌الدین اردبیلی آغاز گردید نمونه شاخصی از این رویدادها است.

شیخ صفی‌الدین اسحاق بنیانگذار خانقاه اردبیل شاگرد شیخ زاهد گیلانی و جانشین او در آغاز قرن هشتم هجری و دورانی که غازان‌خان و الجایتو و ابوسعید ایلخانان مغول بر قلمرو ایران حکومت داشتند اقدام به تأسیس خانقاهی کرد که بعد از دو قرن منتهی به پیدایش دولت صفوی شد.

آموزه‌های شیخ صفی که از شیخ زاهد گیلانی و مکتبهای طریقت در دوران سلجوقی و ایلخانان الهام گرفته بود پس از او نسل‌بعد نسل استمرار یافت و تا زمان زعامت صدرالدین ابراهیم سومین نسل شیخ صفی (۸۵۱ هجری) هزاران نفر از عشایر شیعه آناتولی و پیروان شیعه ایرانی به خانقاه اردبیل پیوستند. با رسیدن جنید فرزند ابراهیم به رهبری طریقت صفوی، نهضت صفویه وارد مرحله دیگری گردید و جنید از هنگام تصدی رهبری علائم آشکاری از تمایل قدرت دنیوی از خود نشان داد و اولین

شجاعتی که از خود نشان دادند به قتل رسیدند و اسمعیل که در نوجوانی جای پدرش سلطان حیدر را گرفته بودند با کمک هزاران قزلباش به جنگ شروانشاه و متحدش الوندبیک آق قوینلو و تصرف شیروان و آذربایجان و پایتخت آن تبریز، سلطنت صفوی و رسمی ساختن مذهب شیعه اثنی عشری را اعلام کرد. با تأسیس دولت صفوی هویت تاریخی ایران بر اساس مرزهای شناخته شده و مرکزیت سیاسی و اداری، پس از قرن‌ها حکومت‌های متفرق و محلی و برقراری استقلال تحقق یافته و ایران بر اساس هویت کهنسال خود احیا شد.

رهبری است که لقب سلطان گرفت و نشانه‌هایی از سیاست و سلطنت صوری در طریقت صفوی در کنار سلطنت معنوی شکل گرفت و صوفیان خانقاه به نیرویی فعال در دفاع از قلمرو ترکان و ترکمانان قره‌قوینلو و آق‌قوینلو و شروانیان قفقاز شدند. شیخ حیدر یا سلطان حیدر جانشین جدید، صوفیان پیرو خود را به سلاح جنگ مجهز کرد و آنها را با کلاهی دوازده ترک با علامتی سرخ آراسته کرد که به قزلباش شهرت یافتند. این پدر و پسر یکی بعد از دیگری با هدف جنگ با کفار و استقرار تشیع در شیروان و دیگر مناطق قفقاز در جنگ‌هایی که روی نمود با

بیماری‌های مشترک (Zoonoses) یا قابل انتقال (Transmissible) بین انسان و حیوان

«طبق تعریف سازمان بهداشت جهانی (WHO) بیماری‌هایی که به طور طبیعی بین حیوانات مهره‌دار و انسان انتقال می‌یابند زئونوزها یا بیماری‌های قابل انتقال بین انسان و حیوان نامیده می‌شوند. این بیماری‌ها هم از جنبه اقتصادی و هم از جنبه بهداشت عمومی دارای اهمیت ویژه هستند.

در بسیاری از کشورهای جهان تلفات و خسارات سنگینی ناشی از این بیماری‌ها ایجاد می‌شود. طبق اعلام مراجع ذیصلاح بیش از یک‌سوم مرگ و میر انسانی در کشورهای آمریکای لاتین و جنوبی در اثر بیماری‌های قابل انتقال بین انسان و حیوان روی می‌دهد. در طی بیش از دو دهه اخیر بیماری‌های عفونی جدیدی شناخته شده‌اند که بسیاری از آنها جزو بیماری‌های قابل انتقال به انسان می‌باشند و تاکنون بیش از ۸۵۰ بیماری زئونوز (Zoonoses) شناخته شده است که جان انسانها و حیوانات را تهدید می‌کند و بعضی از آنها موجب مرگ حتمی می‌شود.

امروزه توجه زیادی به بیماری‌های قابل انتقال بین انسان و حیوان شده و با افزایش آن سازمان بهداشت جهانی (WHO) سازمان‌های ملی را واداشته است که همه‌ساله کنگره‌ها و سمینارها و



سخنرانی دکتر محمدقلی نادعلیان

همان‌طور که در خبرنامه شماره بهار (۴۶) ذکر شد آقای دکتر محمدقلی نادعلیان عضو پیوسته فرهنگستان علوم و استاد دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران در اردیبهشت‌ماه سال جاری طی یک جلسه سخنرانی در فرهنگستان علوم به موضوع بیماری‌های مشترک یا قابل انتقال بین انسان و حیوان پرداخت. در ذیل فرازهایی از سخنان ایشان جهت اطلاع و بهره‌برداری علاقمندان آمده است:



دوره‌های آموزشی متعددی در سطوح مختلف با همکاری تشکیلات بهداشت عمومی و دامپزشکی تشکیل تا بیش از پیش نظارت و کنترل بر این بیماریها را ارائه دهند. کشورهایی در این راستا موفق بوده که از تشکیلات دامپزشکی قدرتمندی برخوردار بوده‌اند.

به عبارت دیگر دامپزشکان و تکنسینهای دامپزشکی در ارتباط با این بیماریها در خط مقدم جبهه قرار دارند و چه بسا جان خود را در این راه فدا کرده و مخاطرات زیادی را متحمل شده‌اند تا به ارتقای بهداشت عمومی کمک کرده باشند و انسانها با آسودگی خاطر و آرامش زندگی کنند. آماری است مربوط به چند سال پیش (ذوقی ۱۳۸۳) که از بین ۱۷۰۹ عامل بیماری‌زای شناخته‌شده در انسان تعداد ۷۳۲ مورد (۴۹٪) از طریق حیوانات به طور مستقیم یا غیرمستقیم به انسان انتقال می‌یابند. تعدادی از بیماریها برای اولین بار ظاهر می‌شود و جزو زئونوزها محسوب می‌شود. در حالی که بسیاری از آنها پس از دوره‌های خاموشی بار دیگر تظاهر می‌نمایند. این عفونتها به بیماریهای نوپدید و بازپدید معروف شده و به میزان ۹ درصد یا تعداد ۱۵۶ مورد از عوامل عفونی بیماری‌زای انسانی به حساب می‌آیند. بیماریهایی مانند جنون گاوی (BSE)، سارس، آنفلوآنزای مرغی و غیره در زمره بیماریهای نوپدید منتقله از حیوانات به انسان می‌باشند. از طرفی دیگر موضوع بیوتروریسم که طی سالهای اخیر مورد توجه قرار گرفته از بین حدود ۳۰ جنگ افزار بیولوژیک شناخته شده جز چند مورد همه آنها از عوامل بیماری‌زای حیوانی محسوب می‌شوند مانند سیاه‌زخم، طاعون، بروسلاز، تب کریمه کنگو و غیره. در طول تاریخ گاهی تغییر ژنتیکی در یک عامل بیماری‌زا به وجود می‌آید که موجب مرگ و میر وحشتناک می‌شود. از جمله در سال ۱۹۱۸ و ویروس آنفلوآنزا با گسترش جهانی موجب ۵۰۰ هزار مورد مرگ و میر در آمریکا و ۲۰ میلیون نفر در سرتاسر دنیا شد و مرگ و میر زیادی را در ایران به دنبال داشت. با توجه به مطالب گفته‌شده و تعدد بیماریهای قابل انتقال یا مشترک بین انسان و حیوان در این سخنرانی نمی‌توان به همه آنها پرداخت و بهتر است بیماریهای مشترکی که بیشتر عارض انسانها شده و مشکلات زیادی را به همراه دارد، از جمله گاهی منجر به مرگ

انسان می‌شود برداریم. جهت تفهیم بیشتر عوامل بیماری‌زایی را که بیشتر در جوامع انسانی مسئله‌ساز است به چهار گروه ویروسی، باکتریایی، تک‌یاخته‌ای و انگلی و قارچی تقسیم کرده و آنها را شرح می‌دهیم:

الف - بیماریهای ویروسی قابل انتقال بین انسان و حیوان

■ **هاری:** هاری یکی از بیماریهای عفونی، خطرناک، شدیداً کشنده با تابلوی کلینیکی مننکو آنسفالیت و مشترک بین انسان و حیوان می‌باشد که در بسیاری از کشورهای جهان از جمله ایران وجود دارد. در ایران به صورت بومی یکی از مشکلات مهم به شمار می‌رود. انتقال هاری از راه گزش حیوان (مانند سگ) به انسان امکان‌پذیر است. البته انتقال بیماری از راههای دیگری مانند استنشاق، پیوند قرنیه و یا به وسیله خراش ناشی از پنجه آغشته به بزاق حاوی ویروس نیز امکان‌پذیر است. ولی از این راهها به ندرت اتفاق می‌افتد و راه اصلی انتقال همان گزش است. هاری حدود ۲۳۰۰ سال قبل از میلاد شناخته شده است و به نظر می‌رسد ابتدا سگ به عنوان ناقل اصلی و برای اولین بار در این حیوان شناخته شده است. پزشکان و دامپزشکان ایرانی و خارجی نیز در مورد هاری بسیار سخن گفته و شرح بیماری را داده‌اند از جمله محمدابن زکریای رازی، ابوعلی سینا و سیداسماعیل جرجانی همگی در راه انتقال و نشانه‌های آن شرح مبسوطی داده‌اند و ابوعلی سینا ۹۰۰ سال پیش موضوعی را ذکر می‌کند که آن را باید کشف سرم درمانی محسوب کرد. پاستور دانشمند بزرگ فرانسوی کاشف واکسن هاری است که با این کشف، بشر مدیون او است. خوشبختانه از سال ۱۲۹۹ شمسی انستیتو پاستور ایران بنا نهاده شد و در حال حاضر بیش از ۳۰۰ مرکز در ایران مشغول درمان و واکسیناسیون هاری می‌باشند. متأسفانه سالیانه حدود ۶ مورد مرگ انسان در اثر هاری در ایران روی می‌دهد.

■ تب خونریزی‌دهنده کریمه - کنگو

(Crimean - Congo Haemorrhagic Fever): این بیماری یکی از تبهای خونریزی‌دهنده ویروسی است که در آفریقا، آسیا و برخی قسمتهای اروپا به شکل وسیع اتفاق می‌افتد. در ایران هم

بیماری وجود دارد. ۳۱ گونه کنه مختلف به ویژه کنه هیالوما ناقلان اصلی بیماری محسوب می‌شوند. انسان نیز در اثر گزش کنه مبتلا می‌شود. تب کریمه - کنگو در اثر تماس مستقیم انسان با خون و بافت حیوان آلوده (مانند گوسفند و گاو) منتقل می‌شود. به همین جهت بیماری بیشتر در افرادی که شغل‌هایی مانند چوپانی و قصابی دارند، و کارکنان کشتارگاه‌ها و دامپزشکان که با دام سر و کار دارند، دیده می‌شود. به هر حال با توجه به واردات قاچاق گوسفند و دام از مرزها، به ویژه مرزهای شرقی، اگر دام‌ها آلودگی داشته باشند و کنه‌های حاوی ویروس روی بدنشان باشد، افرادی که با آنها سر و کار دارند بیشتر در معرض خطر هستند. درمان اختصاصی برای این بیماری وجود ندارد فقط ریباورین دارویی است که بر علیه این ویروس تأثیر دارد و از آن به عنوان داروی درمانی استفاده می‌کنند. آنچه مهم است مراقبت و محافظت افراد با پوشیدن دستکش و چکمه است. دستکاری نکردن خون و بافت‌های آلوده با دست باز و از بین بردن کنه‌ها به وسیله سموم کنه‌کش راه‌های پیشگیری و کنترل است. چنانچه دامی خریداری می‌شود باید با نظارت دامپزشکان باشد و یا گوشت خریداری شده با مهر دامپزشکی مه‌پور شده باشد.

■ **آنفلوآنزای پرندگان:** بیماری آنفلوآنزا به عنوان خطرناکترین بیماری در طی سالیان اخیر و همچنین در اپیدمی‌های گذشته برای طیور و انسان مطرح بوده و می‌باشد. این بیماری در پرندگان دارای سویه‌های متعدد است که خطرناکترین و حادث‌ترین آنها در گروه H5 و H7 قرار داشته و به عنوان آنفلوآنزای فوق حاد مطرح است. انتقال آن از پرندگان ناقل یا مهاجر به پرندگان صنعتی است و در صورت وجود شرایط مناسب و تماس بین انسان و پرندگان مهاجر و آبی و طیور صنعتی، امکان آلوده شدن انسان به وجود می‌آید که ممکن است متعاقباً شرایط انتقال بین افراد نیز فراهم گردد. انتشار ویروس توسط ترشحات تنفسی و گوارشی پرندگان آلوده بوده و از این راه نیز انتشار می‌یابد.

■ **بیماری جنون گاوی (BSE):** با عاملی به نام پریون اولین بار در گاوهای انگلستان تشخیص داده شد و قابل انتقال به انسان است. خوشبختانه در ایران هنوز دیده نشده است.

■ **اکتیمای واگیر گوسفند و بز:** این بیماری دارای عامل

ویروسی جزو خانواده پاکس ویریده است و به افرادی که با گوسفند و بز سر و کار دارند انتقال می‌یابد.

■ **تب برفکی:** تب برفکی یکی از بیماری‌های ویروسی مهمی است که در نشخوارکنندگان خسارات اقتصادی مهمی را باعث می‌شود. گاهی در اثر تماس با حیوان به ویژه به هنگام شیردوشی و تماس با پستان دام طول‌پایی بر روی دست و گاهی دهان مشاهده می‌شود.

ب- **بیماری‌های باکتریایی قابل انتقال بین انسان و حیوان**
 ■ **تب مالت یا بروسلوز:** تب مالت یکی از بیماری‌های عفونی مشترک بین انسان و دام است. در سال ۱۸۸۶ میلادی از طحال سربازی که از یک نوع تب مالت مرده بود باکتری عامل بیماری جدا شد. ده سال بعد یک دامپزشک دانمارکی به نام بانگ از جنین سقط شده یک تلیسه باکتری مسبب آن را جدا کرد. از این نظر بیماری را در گاو به نام بانگ نیز می‌شناسند. در سال ۱۹۰۵ یک پزشک انگلیسی به نام دیوید بروس طی مأموریت خود برای بررسی علت مرگ و میر انسانها در جزیره مالت بیماری را شناسایی نمود. از این لحاظ عامل بیماری را بروسلا و بیماری را بروسلوز هم می‌نامند و بیماری به تب مالت یا تب مدیترانه‌ای معروف شد. باکتری بروسلا بیشتر دام‌های اهلی به ویژه گاو، گوسفند، بز، خوک و همچنین اسب و سگ را مبتلا می‌کند. بروس رابطه بیماری انسان (تب مالت) و خوردن شیر تازه بزها را به اثبات رسانید و نشان داد که عامل بیماری (بروسلا) در شیر بزها وجود دارد و باعث بیماری در انسان شده است. معمولاً بروسلوز در دام‌های ماده موجب سقط جنین و در دام‌های نر باعث تورم بیضه و آلودگی غدد تناسلی در دام‌های نر و ناباروری در هر دو جنس می‌شود. بروسلا انواع زیادی دارد از جمله بروسلا آبورتوس بویس موجب سقط جنین در گاو و بروسلا ملی تنسیس در گوسفند و بز موجب سقط و انتقال به انسان می‌شود. توصیه بهداشتی این است که تمام گله‌های گاو و گوسفند آزمایش بروسلوز شوند تا آلوده‌ها از گله حذف و بقیه واکسیناسیون شوند. دامپزشکان و افرادی که با گله‌های مشکوک و حتی سالم سر و کار دارند همیشه با پوشیدن دستکش، چکمه، روپوش‌های غیرقابل نفوذ و عینک اعمال دامپزشکی را

انجام دهند و انسانها هم از شیر پاستوریزه و پنیری که در آب نمک خوابانده شده است استفاده کنند (حداقل سه ماه) و در صورت شک و تردید حداقل ۱۵ دقیقه شیر را بجوشانند. ضد عفونی کردن دامداری نیز از واجبات است.

■ **سل (Tuberculosis):** سل یکی از بیماریهای عفونی و قابل انتقال بین انسان و حیوان است. عامل بیماری باکتری است به نام میکوباکتریوم (Mycobacterium) که عامل سل گاوی را به نام میکوباکتریوم بویس و عامل سل انسان را به نام میکوباکتریوم توبرکولوزیس می نامند. سل از بیماریهای مهم نشخوارکنندگان در سراسر جهان از جمله ایران می باشد. از اهمیت بیماری می توان گفت که سالیانه در کشور روسیه حدود ۲۵۰۰۰ نفر در اثر سل خود را از دست می دهند. باسیل سل علاوه بر انسان و نشخوارکنندگان، حیوانات خانگی و حیات وحش را نیز مبتلا می کند. لذا امر کنترل و مبارزه با این بیماری بسیار مشکل می باشد. سگ و گربه از جمله حیواناتی هستند که نسبت به سه گونه باکتری انسانی، گاوی و مرغی حساس می باشند. بنابراین امکان انتقال به جمعیت انسانی و دامی به راحتی فراهم می شود. حتی پرندگان خانگی مانند قناری نیز به سه گونه باکتری حساس می باشند لذا در کنترل بهداشت انسان و دام از اهمیت بسزایی برخوردار هستند. در رابطه با سل انسانی می توان گفت علاوه بر منابع دامی چه اهلی، چه وحشی و چه حیوانات خانگی که موجب انتقال عامل سل به انسان می شوند، امروزه با شیوع بیماریهای سرکوب کننده ایمنی مانند ایدز که متأسفانه در کشور ما روز به روز بر تعداد مبتلایان افزوده می شود، باعث تضعیف ایمنی و به دنبال آن بسیاری از بیماریها از جمله سل بر انسانها می شوند. طبق آمار سازمان بهداشت جهانی، یک سوم جمعیت جهان به باکتری سل آلوده شده اند و سالانه ۱۰ میلیون مورد جدید سل بروز کرده که به موارد قبلی اضافه می شود و سه میلیون مرگ و میر اتفاق می افتد. از نظر ابتلا به سل در بررسیهایی که تاکنون در کشور ما انجام گرفته است استان سیستان و بلوچستان در درجه اول، استان گلستان در درجه دوم و استان خوزستان در درجه سوم قرار دارد (گزارش وزارت بهداشت). تخمین زده می شود که ۵۰ میلیون رأس گاو در

جهان آلوده به میکوباکتریوم بویس (عامل سل گاوی و مشترک) می باشند و زیان اقتصادی آن سالیانه حدود سه بلیون دلار است. در آمریکا و انگلستان در سال ۲۰۰۹-۲۰۰۸ به ترتیب ۴۰ میلیون دلار و ۱۰۰ میلیون پوند برای ریشه کنی سل هزینه شده است.

■ **شاربن یا سیاه زخم (Anthrax):** شاربن یا سیاه زخم که اسامی دیگری چون تب طحال، طحال آتشی و بیماری پشم ریسان هم به آن گفته می شود بیماری است حاد و مسری که به شکل سپتی سمی و کشنده، پستانداران زیادی از جمله انسان را مبتلا می کند. شاربن بیشتر در گاو و گوسفند و کمتر در اسب و بز دیده می شود. عامل بیماری باکتری است به نام باسیلوس آنتراسیس که هاگ تشکیل می دهد و در خاکهای قلیایی بیش از ۶۰ سال زنده می ماند. در ایران شاربن در انسان به نام سیاه زخم نامیده می شود و در مناطق مختلف کشور اسامی دیگری مانند گنده طاول، گنده دانک، کفگیرک، نارفاری و ایلات و عشایر سنگسری آن را سیاه گره (سوگره) می نامند. انتقال شاربن در حیوان از راه خوردن، استنشاق و پوست انجام می گیرد. متداول ترین راه ورود همان راه گوارشی است که به علت تخریشی که توسط علوفه خشبی به مخاط دهان وارد می شود باکتری هاگ دار نفوذ کرده و موجب بیماری می شود. در انسان نیز انتقال از راه تماس با خون و ترشحات حیوانات آلوده و یا از طریق گوارش انجام می گیرد.

■ **مشمشه (Glanders):** مشمشه بیماری بسیار مسری تک سمی ها با قابلیت انتقال به انسان می باشد که می تواند موجب مرگ شود. عامل بیماری باکتری است به نام بورخولدريا مالتی که در بسیاری از کشورهای جهان با برنامه های مدون و منظم ریشه کنی با موفقیت انجام گرفته و بروز آن را در جمعیت تک سمی ها به حداقل رسانده اند. با این حال بیماری در بخشهایی از خاورمیانه، آسیا، آفریقا و آمریکای جنوبی از جمله ایران سالانه گزارش می شود که سبب ضایعات تنفسی و پوستی و در نهایت منجر به مرگ می گردد.

■ **سالمونلوز:** مسمومیت های غذایی ناشی از سالمونلایی انسان عفونی است که بیشتر از سالمونلا تیفی موریوم می باشد. این

باکتری از حیوانات مختلف مانند سگ، گربه، خوک، موش صحرایی و برخی پرندگان از قبیل بوقلمون، جوجه، اردک و غاز جدا شده است. عفونت سالمونلایی به وفور در انسان و حیوان دیده می‌شود. حیواناتی که منبع آلودگی انسان شناخته شده‌اند بسیار زیاد و شامل گوسفند، بز، اسب، سگ، گربه، خوک، روباه، خرگوش، خوکچه هندی، پرندگان وحشی، پنگوئن، میمون، موش صحرایی و سفید و خزندگان می‌باشند. سالمونلاها از مواد غذایی با منشأ دامی به ویژه غذاهای تهیه‌شده از ماهی و استخوان و ... جدا شده‌اند.

■ **بیماری تیفوئید (حصبه):** سالمونلاهای زیادی از انسان جدا شده‌اند. بیماری حصبه که به وسیله سالمونلاتیفی ایجاد می‌شود میکروب اختصاصی انسان است. بیماری پس از یک کمون دو هفته‌ای ظاهر می‌شود و نشانه‌ها شامل بیقراری، سردرد، خواب‌آلودگی، درد دست و پا، سرفه، یبوست، زبان باردار و سرانجام اسهال به شکل مدفوع شل، اختلالات شکمی، مسمومیت و هذیان‌گویی می‌باشند. در صورتی که درمان اختصاصی انجام نشود بیمار به حالت اغما افتاده و می‌میرد. تب معمولاً در غروب زیادتر از صبح است و در دو هفته بعد به صورت مداوم تظاهر می‌یابد. گاهی لکه‌های قرمز رنگ پوستی ظاهر می‌شود که با فشار انگشت از بین می‌روند. این لکه‌ها در قسمت بالای شکم، پایین سینه و پشت وجود داشته و از نشانه‌های بارز هستند.

■ **کزاز (Tetanus):** یکی از بیماری‌های باکتریایی که زیاد در انسان دیده می‌شود کزاز است که جزو بیماری‌های مشترک محسوب می‌شود. عامل بیماری باکتری است بی‌هوازی به نام کلستریدیوم تتانی که در طبیعت (خاک، گرد و خاک و ...) به وفور وجود دارد. هاگ باکتری کزاز به محض آنکه جراحات و زخمی در پوست انسان یا حیوان ایجاد شود، وارد شده و آنها را مبتلا می‌کند. از این نظر انسانهایی که در اثر تصادفات، زخمهای جنگی، عملیات جراحی و تزریقات پوستشان ضایعه‌دار می‌شوند به وسیله باکتری کزاز آلوده شده و پس از یک دوره کمون چند روز تا چند هفته نشانه‌ها ظاهر می‌شوند.

■ **لپتوسپیروز (Leptospirosis):** این بیماری در انسان به طور انفرادی و در اکثر مواقع افرادی که با حیوانات اهلی مثل گاو،

گوسفند، سگ، بز، اسب و خوک و گاهی جوندگانی اهلی و وحشی در تماس باشند دیده می‌شود. درمان با استرپتومایسین و تتراسیکلین مؤثر است.

■ **تب خراش پنجه گربه (Cat-Scratch-Fever):** عامل آن باکتری است به نام بارتونلاهنسله که موجب یک لمفادینت موضعی خوش خیم می‌شود.

■ **تب گاز گرفتگی گربه (Cat-bite-fever):** عامل آن باکتری است به نام پاستورلامولتیسیدا و موجب آبسه در محل گازگرفتگی می‌شود و نباید آن را با تب خراش پنجه گربه اشتباه کرد.

■ **پسیتاکوزیس (Psitacosis) یا اورنیتوزیس:** عامل بیماری پسیتاکوز کلامید یا پسیتاسی است که در پرندگان دیده می‌شود و قابل انتقال به انسان است. بیماری در طوطی، پرندگان وحشی و طیور دیده می‌شود. ابتلای انسان به بیماری از طریق مواد منتشره از پرندگان آلوده و پرندگانی که تلف شده‌اند صورت می‌گیرد. مدفوع و پر پرندگان حامل مواد آلوده هستند به طوری که پس از بهبودی بیماری، مدتها مدفوع پرندگان حاوی کلامیدیا خواهد بود.

■ **تولارمی (فرانسیسلاتولارنسیس) و تب Q (کوکیسلابورنتی):** این دو بیماری از بیماری‌های قابل انتقال هستند. در اولی استرپتومایسین و در دومی تتراسیکلین و کلرامفنیکل مؤثر است.

ج - بیماری‌های انگلی قابل انتقال بین انسان و حیوان

■ **توکسوپلاسموز (Toxoplasmosis):** توکسوپلاسموز یک بیماری عفونی انگلی است که عامل آن تک‌یاخته اجباری داخل سلولی است به نام توکسوپلازما گوندهای که در بین تک‌یاخته‌های انگلی کوکسیدیاها طبقه‌بندی شده است و به شکل تروفوزوئیت، کیست و اووسیت وجود دارد. توکسوپلاسموز یک بیماری انگلی تک‌یاخته‌ای و قابل انتقال به انسان و حیوان است. عفونت از خوردن اووسیت‌های دفع‌شده توسط گربه انجام می‌گیرد. انسانها میزبانهای واسطه توکسوپلازما گوندیای هستند و از طریق خوردن اووسیت‌های مدفوع گربه‌ها، که

همکاری تنگاتنگ دستگاههای مختلف بهداشتی مانند وزارت بهداشت، سازمان دامپزشکی، مؤسسات واکسن و سرم سازی مانند رازی و پاستور و دیگر سازمانهای ذیربط مانند شهرداریها لازم است که با هماهنگی و تصمیم گیری واحد در راستای مبارزه با بیماریهای قابل انتقال، این مشکل را حل نمایند.

موجب آلودگی آب و غذا می شود، مبتلا می گردند. تقریباً نصف جمعیت آمریکا از نظر سرمی مثبت هستند.

■ کیست هیداتید (Hydatid Cysts): کیست هیداتید یا اکینوкокوس گرانولوزوس یک عفونت نسجی است که در انسان به علت مرحله لاروی یا نوزادی اکی نوکوکوس گرانولوزوس یا اکی نوکوکوس مولتی لوکولاریس ایجاد می شود. میزبان اصلی و قطعی انگل در شکل اهلی (پاستورال) سگ و میزبانهای واسطه آن گاو و گوسفند و شتر می باشد. بیشترین فرم بیماری کیست هیداتید در کشورهایی شیوع دارد که پرورش گوسفند و گاو به صورت سنتی و استفاده از مرتع متداول است و گله داری به کمک سگهای گله انجام می گیرد و انتشار کیست هیداتیک در کشورهایمانند استرالیا، زلاندنو، شرق و جنوب آفریقا، آمریکای جنوبی و اروپای مرکزی که پرورش گوسفند در آنجا متداول است و همین طور در کشورهای مناطق خاورمیانه از جمله ایران بیش از کشورهای دیگر می باشد. کیست هیداتیک توسط پرتونگاری متداول تشخیص داده می شود. درمان جراحی هنوز درمان استاندارد است.

■ دیکروسیلوز (Dicrocoeliosis): دیکروسیلوز بیماری انگلی مشترک انسان و دام است که توسط انگلی از دسته کرمهای پهن (ترماتودا) به نام جنس دیکروسیلوم ایجاد می شود. کرم برگی شکل و در مجاری صفراوی دامها و انسان زندگی می کند. آلودگی انسان کاملاً تصادفی است. چنانچه میزبان واسط دوم یعنی مورچه های آلوده به متاسرکر در سبزی وجود داشته باشند و انسان آنها را بخورد با طی طریق از روده به مجاری کلدوک و مجاری صفراوی به کبد وارد می شوند. در انسان رعایت بهداشت

به ویژه هنگام پاک کردن سبزی و عاری نمودن مورچه از این مواد ضروری است.

■ جرب سارکوپتیک (Sarcoptic mange (Barn Itch): جرب سارکوپتیک در حیوانات بسیاری از جمله خوک، گاو، شتر و گوسفند سبب درماتیت می شود که با خارش شدیدی همراه است. این جرب بیشتر سر و دست و پا را به ویژه در گوسفند مبتلا می کند و قابل انتقال به انسان است.

عامل جرب Sarcoptic Scabiei است. در صورت ابتلای انسان با داروهای ضد جرب به خوبی قابل درمان است.

■ فاسیولوز: یکی از بیماریهای انگلی مشترک بین انسان و حیوان فاسیولوز می باشد که در چند سال گذشته دو اپیدمی در رشت و انزلی به وقوع پیوست. سالیانه حدود ده هزار مبتلا در ایران دیده می شوند.

■ تریشینوز: بیماری انگلی است که از خوک به انسان منتقل می شود. در چند سال پیش یک خانواده هفت نفری با خوردن گوشت گراز مبتلا شده بودند. با توجه به اینکه اکثر مردم ایران مسلمان هستند و اسلام گوشت خوک را حرام دانسته است شیوع بیماری در ایران کم است.

در پایان می توان این طور نتیجه گرفت که با تعدد بیماریهای قابل انتقال بین انسان و حیوان (بیش از ۸۵۰ بیماری) باید فرهنگ عمومی جامعه را درباره شناخت بسیاری از این بیماریها و آگاهی عمومی افزایش داد و راه و روشهای جلوگیری از ابتلا را به شکل سمعی و بصری آموزش داد. از طرف دیگر با تقویت سازمان دامپزشکی چه از نظر کادر فنی و چه از نظر تجهیزات و امکانات تشخیصی و همین طور مالی به حدی رساند که بتواند بیماریهای قابل انتقال را با روشهای علمی به حداقل برساند تا بهداشت عمومی به خطر نیفتد. از طرفی همکاری تنگاتنگ دستگاههای مختلف بهداشتی مانند وزارت بهداشت، سازمان دامپزشکی، مؤسسات واکسن و سرم سازی مانند رازی و پاستور و دیگر سازمانهای ذیربط مانند شهرداریها لازم است که با هماهنگی و تصمیم گیری واحد در راستای مبارزه با بیماریهای قابل انتقال، این مشکل را حل نمایند.



زندگینامه علمی

دکتر محمدحسن بزرگمهری فرد

عضو پیوسته گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان علوم

آقای دکتر محمدحسن بزرگمهری فرد سال ۱۳۲۲ در تهران به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در این شهر به پایان رساند. در سال ۱۳۴۰ وارد دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۴۵ با کسب درجه دکترای حرفه‌ای دامپزشکی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. در سال ۱۳۵۱ برای ادامه تحصیل در مقطع دکترای تخصصی به دانشگاه دابلین ایرلند جنوبی عزیمت نمود و در سال ۱۹۷۵ میلادی (۱۳۵۵ شمسی) به اخذ درجه دکترای تخصصی بیماریهای طیور نائل آمد. ایشان از سال ۱۳۴۷ به عنوان دستیار و پس از آن مربی در دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران مشغول به خدمت شد و در سالهای ۱۳۵۰ و ۱۳۵۶ به ترتیب به مرتبه استادیاری و دانشیاری و در آذرماه سال ۱۳۶۵ به مرتبه استادی دانشگاه تهران نائل آمد و در سال ۱۳۸۹ با پایه ۳۶ استادی، بازنشسته شد. استاد بزرگمهری فرد از آذرماه سال ۱۳۷۰ به عنوان عضو وابسته با گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان همکاری داشته و در سال ۱۳۹۲ با رأی اعضای مجمع عمومی، به عنوان عضو پیوسته فرهنگستان

علوم برگزیده شده‌اند.

دکتر بزرگمهری فرد در طی سالهای متمادی فعالیتهای علمی، بیش از ۵۰ عنوان مقاله در نشریات معتبر بین‌المللی و بیش از ۶۰ عنوان مقاله در نشریات معتبر داخلی به چاپ رسانده و ۴۳ مقاله در همایشهای بین‌المللی و ۴۵ مقاله در همایشهای داخلی ارائه کرده‌اند. تألیف ۲ عنوان کتاب و ترجمه ۷ عنوان کتاب و اجرای بیش از ۲۰ طرح پژوهشی در زمینه بیماریهای طیور و ۵۰ طرح کاربردی در زمینه بررسی میزان کارایی و بازدهی واکسنها، داروها، مکملهای غذایی و پروبیوتیکهای مورد مصرف در صنعت طیور کشور و مقایسه اثر آنها بر اساس قراردادهای بین دانشگاه تهران و سازمان دامپزشکی کشور از دیگر آثار و فعالیتهای علمی ایشان می‌باشد. عناوین کتابهای تألیف شده و ترجمه شده توسط ایشان عبارت است از:

«راهنمای عملی تشخیص بیماریهای طیور، تألیف: محمدحسن بزرگمهری فرد، ۱۳۵۸، ناشر: سعادت»، «بیماریهای طیور ماکیان، تألیف: محمدحسن بزرگمهری فرد، ۱۳۶۴، انتشارات جهاد دانشگاهی»، «راهنمای بیماریهای طیور، ترجمه: محمدحسن بزرگمهری فرد، غلامعلی کلیدری، نریمان شیخی، بهرام شجاع دوست، علیرضا اکبری، ۱۳۷۵، ناشر: واحد آموزش و پژوهش سازمان اقتصادی کوثر»، «بیماریهای طیور، ترجمه: محمدحسن بزرگمهری فرد، عباس فتوتی، فریدون نیک‌نفس، حمیدرضا مشفق، بهرام شجاع دوست، ۱۳۷۷، ناشر: واحد آموزش و پژوهش سازمان اقتصادی کوثر»، «راهنمای عملی استفاده از ویتامینها، ترجمه زیر نظر محمدحسن بزرگمهری فرد، ۱۳۷۸، انتشارات نوربخش»، «کاربرد آنزیمها در تغذیه طیور، تألیف زیر نظر محمدحسن بزرگمهری فرد، ۱۳۷۹، انتشارات نوربخش»، «بهداشت و مدیریت طیور، ترجمه محمدحسن بزرگمهری فرد، حسین حسینی و ریما مرشد، ۱۳۸۴، انتشارات پرپور»، «وکسیدیزو طیور، گردآوری و تدوین زیر نظر محمدحسن بزرگمهری فرد، ۱۳۸۴» و «راهنمای بیماریهای طیور، ترجمه محمدحسن بزرگمهری فرد، حسین حسینی، ریما مرشد، ۱۳۹۲، انتشارات بنیاد دانشنامه‌نگاری ایران».

دکتر بزرگمهری فرد تاکنون استاد راهنمای ۲۴ عنوان پایان‌نامه

دکترای تخصصی، ۳۱ عنوان پایان‌نامه دکترای عمومی و ۵ عنوان پایان‌نامه دفاع‌شده MPVM بوده است. از جمله خدمات علمی استاد بزرگمهری فرد می‌توان به تشخیص چندین بیماری مهم طیور برای اولین بار در ایران اشاره کرد که نام برخی از بیماریها عبارتند از: پاستورلوز (۱۳۴۷)، پولورز (۱۳۶۵)، IBH (۱۳۶۹)، مارک حاد (۱۳۷۱)، گامبرو حاد (۱۳۸۰)، سالمونلا (۱۳۸۴) و کم‌خونی عفونی (۱۳۸۵). ایشان دبیر علمی بیش از ۵۰ کنفرانس، کنگره و سمینار و عضو هیأت ممتحنه و ارزشیابی رشته‌های تخصصی دامپزشکی بوده و دوره‌های تخصصی بیماریهای طیور دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران را راهاندازی و برنامه‌ریزی کرده و در راهاندازی دوره‌های تخصصی بیماریهای طیور در دانشگاههای اهواز و شهرکرد و دانشگاه آزاد اسلامی همکاری داشته‌است. همچنین ایشان در فرهنگستان علوم طرح پژوهشی «اهمیت اقتصادی بیماریهای دام، طیور و آبیان در کشور» را اجرا کرده و در برگزاری سمینارهای موفق آنفلوآنزای پرندگان، سل، بروسلوز و هاری به عنوان دبیر علمی و یا عضو کمیته علمی مشارکت نموده و چندین مجموعه مقاله به کوشش ایشان و دیگر اعضای گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان منتشر شده است.

از جمله سوابق علمی- اجرایی ایشان می‌توان به ریاست بخش بیماریهای طیور دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۸، دبیری هیأت ممتحنه رشته تخصصی بیماریهای طیور از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۰، ریاست شاخه علوم درمانگاهی فرهنگستان علوم (دو دوره)، مشاورت سازمان دامپزشکی کشور از سال ۱۳۷۲ تاکنون، ریاست کمیسیون تخصصی دامپزشکی هیأت ممیزه دانشگاه تهران از سال ۱۳۷۲ (هفت دوره)، عضویت در هیأت ممیزه و کمیسیون تخصصی دامپزشکی دانشگاه تهران (ده دوره)، عضویت در هیأت ممیزه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (سه دوره)، عضویت در شورای آموزشی دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۱، عضویت در شورای تحصیلات تکمیلی دانشکده دامپزشکی از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۲، عضویت در جامعه دامپزشکان ایران بعد از اخذ مدرک دکترای دامپزشکی تاکنون، عضویت در کمیته فنی سازمان دامپزشکی

کشور از سال ۱۳۷۵ تاکنون، عضویت در کمیسیونهای ثبت واکسن دارو و مکملهای سازمان دامپزشکی کشور از سال ۱۳۷۵ تاکنون، ریاست و عضویت در کمیته تخصصی بهداشت و درمان طیور در اولین دوره سازمان نظام دامپزشکی ایران از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۱، عضویت اصلی در اولین دوره نظام دامپزشکی استان تهران از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۱، عضویت در کمیته آنفلوآنزای سازمان دامپزشکی کشور از سال ۱۳۷۹ تاکنون، عضویت در نظام دامپزشکی ایران از سال ۱۳۷۹ تاکنون، عضویت در انجمن علمی طیور جهانی از سال ۱۳۷۹ تاکنون، عضویت در هیأت ممیزه مرکزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از سال ۱۳۸۰ (سه دوره)، عضویت و ریاست کمیسیون تخصصی گروه دامپزشکی هیأت ممیزه مرکزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از سال ۱۳۸۰ (سه دوره)، عضویت در هیأت ممیزه دانشگاه تهران از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۵ و از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸، عضویت در انجمن علمی طیور ایران از ۱۳۸۰ تاکنون، عضویت در کمیسیون و نماینده مرکز تحقیقات جهاد کشاورزی در هیأت ممیزه مؤسسه واکسن و سرم‌سازی رازی از سال ۱۳۸۲ (دو دوره)، عضویت در کمیسیون تخصصی کشاورزی و منابع طبیعی هیأت ممیزه دانشگاه تهران از سال ۱۳۸۲ (دو دوره)، عضویت در هیأت ممیزه سازمان تحقیقات وزارت جهاد کشاورزی از سال ۱۳۸۳ (دو دوره)، و ریاست و عضویت در کمیسیون تخصصی دامپزشکی، علوم دامی آبیان و شیلات وزارت جهاد کشاورزی از سال ۱۳۸۳ تاکنون اشاره کرد. همچنین ایشان عضو هیأت تحریریه و هیأت داوران ۱۰ مجله علمی می‌باشند.

استاد دکتر بزرگمهری فرد تاکنون بیش از ۲۰ لوح تقدیر و سپاس از: وزیر جهاد کشاورزی، رؤسای دانشگاه تهران، رئیس دانشگاه آزاد اسلامی، رؤسای دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران، رئیس سازمان نظام دامپزشکی ایران، رؤسای ادارات کل دامپزشکی استانها، انجمن اسلامی و جهاد دانشگاهی دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران، انجمن جهانی علوم طیور شاخه ایران، جامعه دامپزشکان ایران، و فارغ‌التحصیلان سالهای مختلف دانشکده دامپزشکی تهران کسب کرده‌اند. همچنین در مراسمی در سال ۱۳۸۹ از مقام شامخ علمی ایشان تجلیل شده است.



آکادمی علوم لهستان^۱

پیشینه

بعد از جنگ جهانی دوم تغییرات عمده‌ای در سیستم سیاسی کشور و همچنین در تمام زمینه‌های زندگی اجتماعی از جمله علوم و فرهنگ، به وجود آمد.

در خلال جنگ، علوم لهستان متحمل خسارات بزرگی شد. در سالهای ۲۳-۱۳۱۹ ش. (۴۴-۱۹۴۰ م.)، اعضا و کارمندان آکادمی هنرها و علوم لهستان و دانشگاهها دور هم گرد می‌آمدند و در خلال جلسات سری بحث و گفتگو، اصول و ساختار بعد از جنگ آکادمی علوم در لهستان، اهداف و نحوه تأمین مالی آن را به بحث می‌گذاشتند. از این‌رو پروژه سازماندهی و استقرار آکادمی علوم لهستان در ورشو با ترکیب نهادهای فوق‌الذکر و آکادمی هنرها و علوم لهستان آماده شد.

در ۱۳۲۸ ش. (۱۹۴۹ م.)، دولت لهستان تصمیم گرفت که کنگره علوم لهستان را راهاندازی کند. در سازماندهی این کنگره، دانشمندان متعددی از کل کشور شرکت داشتند. سند مرتبط با این کنگره یعنی پروژه سازماندهی آکادمی علوم لهستان، در سال ۱۳۳۰ ش. (۱۹۵۱ م.) تهیه شد و به تأیید کنگره رسید. در هفتم آبان‌ماه سال ۱۳۳۰ ش. (سی اکتبر ۱۹۵۱ م.)، پارلمان، قانون تأسیس آکادمی علوم لهستان را تصویب کرد. در سال بعد دولت طی فرمانی، فعالیت آکادمی هنرها و علوم لهستان را خاتمه‌یافته اعلام نمود. طبق این قانون، آکادمی علوم لهستان به عنوان مؤسسه‌ای دولتی اعلام شد که فعالیتهای آن شامل سازماندهی، انجام تحقیقات در تمام زمینه‌های علمی با تأکید بر مسائل حیاتی

آکادمی علوم لهستان مهمترین نهاد علمی این کشور می‌باشد که در سال ۱۳۳۱ ش. (۱۹۵۲ م.) تأسیس شده است. این آکادمی ابتدا با نام انجمن علمی ورشو^۲ و به اهتمام استانیسلاو استاسیویچ^۳، شخصیت علمی برجسته لهستانی، در سال ۱۱۷۹ ش. (۱۸۰۰ م.) بنا نهاده شد. این انجمن اولین نهاد در نوع خود در کشور لهستان به شمار می‌آمد که در آن زمان تحت انقیاد اتریش، پروس و روسیه بود. در سال ۱۱۹۴ ش. (۱۸۱۵ م.)، انجمنهای مشابهی در شهرهای لهستان نظیر کراکو^۴، پوزنان^۵، لوه^۶، تورن^۷ و ویلنیوس^۸ تأسیس شدند. در سال ۱۲۵۱ ش. (۱۸۷۲ م.)، آکادمی علوم^۹ در کراکو تأسیس شد.

بعد از جنگ جهانی اول، لهستان استقلال خود را مجدداً به دست آورد. آکادمی علوم به آکادمی هنرها و علوم لهستان^۱ تغییر نام داد و مبدل به مؤسسه‌ای خصوصی گردید که دارای چهار بخش بود: متن‌شناسی، تاریخ و فلسفه، علوم دقیق، و علوم پزشکی.

در سال ۱۲۹۹ ش. (۱۹۲۰ م.)، فکر تأسیس یک نهاد علمی دولتی که نماینده کل جامعه علمی کشور باشد شکل گرفت. در آن زمان به نظر می‌رسید که با شرایط جدید زندگی در اروپا، انجام تحقیقات در زمینه اقتصاد کشور با اخذ یارانه از بودجه دولت، با سهولت بیشتری می‌تواند انجام شود. پیامد طبیعی این امر آن بود که تحقیقات مرتبط با نیازهای کشور تازه تأسیس، نظیر تحقیقات در زمینه اقتصاد، آموزش، دفاع و کشاورزی کشور، با هماهنگی بهتری انجام پذیرد.

1-Polish Academy of Sciences
2-Warsaw Learned Society
3- Stanisław Staszic

4-Krakow
5-Poznan
6-Lwow

7-Torun
8-Vilnius
9-Academy of Knowledge

10-Polish Academy of Arts and Sciences

مرتبط با پیشرفت علمی و اقتصاد کشور و فرهنگ لهستان می‌شد. در سال ۱۳۳۱ ش. (۱۹۵۲ م.)، چهار بخش آکادمی تشکیل شدند که عبارت بودند از: علوم انسانی و علوم اجتماعی، علوم بیولوژیکی، علوم ریاضی-فیزیکی-شیمیایی و جغرافیایی، و علوم فنی. سپس طی فرآیندی شبکه‌ای از مراکز تحقیقاتی قوی به صورتی مدرن سازماندهی شد.

قانون تأسیس آکادمی علوم لهستان در سال ۱۳۳۰ ش. (۱۹۵۱ م.)، متعاقباً در سال ۱۳۳۹ ش. (۱۹۶۰ م.) بسط یافت و در آن بر استقلال فعالیتهای آکادمی، آزادی همکاری و ارتباطات محکم میان مراکز علمی آکادمی برای ارتقای تحقیقات در بالاترین سطح، تأکید شده است. نظام توصیه علمی و ارزیابی اهداف نهادهای دولتی در آن زمان به وجود آمد. بخشهای آکادمی بسط یافتند و شاخه‌ها و کمیته‌ها شکل گرفتند. از این‌رو کل جامعه علمی کشور دستخوش فرآیند سازماندهی کارگاه‌های علمی، آموزش و انتشار دانش شد.

■ عضویت

آکادمی دارای اعضای ملی (شامل اعضای پیوسته و مکاتبه‌ای^{۱۱}) و اعضای خارجی^{۱۲} می‌باشد. عضویت در آکادمی مادام‌العمر است. تعداد اعضای ملی حداکثر ۳۵۰ نفر تعیین شده است.

تمام اعضا (ملی و خارجی) توسط مجمع عمومی از میان کاندیداهای دارای بالاترین مرتبه دستاوردهای علمی و اشتغال علمی، انتخاب می‌شوند. اسامی کاندیداهای عضویت ملی از سوی اعضای ملی فعلی، انجمنهای مستقر در دانشکده‌های دانشگاهها و انجمنهای مؤسسات تحقیقاتی لهستان (از جمله مؤسسات وابسته به آکادمی)، تعیین می‌شوند. اعضای خارجی به پیشنهاد اعضای ملی انتخاب می‌شوند. هر عضو آکادمی، با توجه به رشته تحصیلی وی، در یکی از بخشهای پنج‌گانه عضویت دارد. اعضا موظفند که فعالیتهای علمی خود و همچنین امور تعیین‌شده از سوی آکادمی را نیز انجام دهند.

در حال حاضر هیچ تدبیری برای افزایش مشارکت دانشمندان جوان و زنان صورت نگرفته است، گرچه تعدادی بورسیه، کمکهای مالی و جوایز برای تشویق دانشمندان جوان تازه‌کار تدارک دیده

شده است. تعداد زنان دارای عضویت ملی به کل تعداد اعضای ملی ۴٪ می‌شود. در لهستان ۶۵٪ از فارغ‌التحصیلان دانشگاهها، زن و نیز ۴۳٪ از دانشمندان مشغول به کار در تحقیق و توسعه، زن می‌باشند. اما تاکنون زنان در تعیین خط‌مشیهای تحقیقاتی نقش کم‌رنگی داشته‌اند (به عنوان رئیس شوراهای علمی ۶٪ و به عنوان رئیس دانشگاه ۸/۶٪).

مطابق قانون مصوب ۵ اردیبهشت ۱۳۷۶ ش. (۲۵ آوریل ۱۹۹۷ م.)، پارلمان لهستان، رکن عالی اداره آکادمی مجمع عمومی می‌باشد که متشکل از تمام اعضای ملی است. مجمع عمومی مسیر فعالیتهای آکادمی را مشخص و در اجرای این فعالیتهای نظارت می‌کند. در خلال جلسات مجمع که سالی دو بار برگزار می‌شود، هیأت‌رئیس آکادمی مسئولیت تمام مسائل استراتژیک را بر عهده دارد. هیأت‌رئیس متشکل است از رئیس، سه معاون، رؤسای بخشهای پنجگانه، و رؤسای شاخه‌های هفتگانه منطقه‌ای. هیأت‌رئیس بر واحدهای تحقیقاتی و سایر بخشهای آکادمی نظارت دارد. رئیس آکادمی، ریاست مجمع عمومی و هیأت‌رئیس آکادمی را بر عهده دارد و مسئول فعالیتهای روزمره آکادمی می‌باشد. رئیس برای مدت چهار سال و با حداقل دو سوم آرای مجمع عمومی، توسط اعضا انتخاب می‌شود.

■ ساختار سازمانی

ساختار سازمانی آکادمی متشکل است از بخشهای^{۱۳} شاخه‌های منطقه‌ای^{۱۴}، کمیته‌های علمی^{۱۵} و نیروهای کاری. آکادمی پنج بخش به شرح ذیل دارد: «علوم انسانی و علوم اجتماعی»، «علوم بیولوژیکی و علوم کشاورزی»، «علوم ریاضی، فیزیک، شیمی و زمین‌شناسی»، «علوم مهندسی» و «علوم پزشکی».

رئیس هر بخش توسط اعضای آن بخش انتخاب می‌شود. هر بخش به ارائه نظرات در ارتباط با مسائل مرتبط با رشته‌های مربوط به آن بخش می‌پردازد و در ارتباط با اولویتهای تحقیقاتی و خط‌مشی مربوط به هر رشته، به مقامات آکادمی نظرات مشورتی ارائه می‌کند. هر بخش، فعالیتهای مربوط به آن بخش را سرپرستی و هماهنگ می‌نماید و همچنین تمام بخشهای تابعه آکادمی مرتبط با رشته خود را سرپرستی می‌کند.

■ شاخه‌های منطقه‌ای

آکادمی دارای هفت شاخه منطقه‌ای است که در نقاط: گداآسک^{۱۶}، کاتوویس^{۱۷}، کراکو^{۱۸}، لوبلین^{۱۹}، آودا^{۲۰}، پوزنان^{۲۱} و ورساو^{۲۲} مستقرند. نقش این شاخه‌ها ایجاد انسجام میان جوامع علمی محلی و به عهده داشتن نمایندگی از سوی آکادمی در نزد مقامات و سازمانهای محلی می‌باشد. در شاخه‌های منطقه‌ای، اعضای ملی آکادمی با توجه به محل سکونت خود عضویت دارند.

■ کمیته‌های علمی و کمیته‌های نیروی کار

کمیته‌ها نقش خاصی در آکادمی دارند. این کمیته‌ها به دو گروه تقسیم می‌شوند: کمیته‌های علمی تابعه بخشها و کمیته‌های نیروی کاری تابعه ریاست.

شبکه ۱۰۷ کمیته‌های آکادمی، نمایندگی تمام محققان لهستان و ارکان مشورتی آکادمی را بر عهده دارد. کمیته‌ها مجموعاً ۴۰۰۰ عضو منتخب دارند. هر کمیته علمی دارای سیستم مدیریتی خاص خود در یک رشته علمی می‌باشد و هدف آن ایجاد انسجام بین دانشمندان لهستانی است.

امور مربوط به کمیته‌های علمی عبارتند از: پرداختن به مسائل خاص یک رشته، مشارکت در انتشار یافته‌های تحقیقات، و ایجاد ارتباط و همکاری با مراکز علمی خارجی. به علاوه کمیته‌های نیروی کاری در هیأت‌رئیس آکادمی یا در سطح بخش، دارای وظایف بین‌رشته‌ای نیز می‌باشند. از جمله این وظایف می‌توان به تحقیقات مرتبط با مطالعات علمی، تدریس و مسائل اجتماعی و اقتصادی اشاره کرد. آکادمی علوم لهستان، به عنوان یک نهاد تحقیقاتی، در حال حاضر دارای ۷۶ مؤسسه تحقیقاتی است که شامل مؤسسات و مراکز تحقیقاتی، ایستگاههای تحقیقاتی، باغهای گیاهی و واحدهای دیگر تحقیقاتی می‌شود. به علاوه آکادمی دارای واحدهای علمی کمکی از جمله آرشیوها، آزمایشگاهها، موزه‌ها و مراکز خارجی است.

دولت و نهادهای محلی، ۷۶/۳ درصد از کل بودجه آکادمی علوم لهستان را تأمین می‌کنند. منابع خارجی ۵/۳ درصد و منابع چندگانه دیگر ۱۸/۴ درصد از کل بودجه آکادمی را تأمین می‌کنند.

■ مدالها و جوایز اعطایی

■ مدال نیکولاس کپرنیک^{۲۳} اعطایی از سال ۱۳۷۶ ش. (۱۹۹۷ م). هر سال حداکثر شش بار این مدال اعطا می‌شود.

■ مدال آکادمی علوم لهستان^{۲۴} اعطایی از سال ۱۳۸۷ ش. (۲۰۰۸ م). این مدال حداکثر ده بار در سال اعطا می‌شود.

■ تندیسهای آکادمی علوم لهستان^{۲۵} اعطایی از سال ۱۳۸۷ ش. (۲۰۰۸ م). این تندیسها حداکثر پنج بار در سال اعطا می‌شوند.

■ مدال پنجاهمین سالگرد آکادمی علوم لهستان^{۲۶} اعطایی از سال ۱۳۸۱ ش. (۲۰۰۲ م). در آن سال این مدال به ۳۰۰ تن از شخصیتهای برجسته علمی از سوی آکادمی علوم اعطا شد.

■ جوایز بخشهای پنج‌گانه آکادمی برای دستاوردهای برجسته علمی. اعطایی از سال ۱۳۴۲ ش. (۱۹۶۳ م). به صورت سالانه.

■ جایزه ماری کوری^{۲۷} از سال ۱۳۴۶ ش. (۱۹۶۷ م). سالانه توسط بخش سه آکادمی اعطا می‌شود. یکی از این جوایز در زمینه فیزیک و دیگری در زمینه شیمی می‌باشد.

■ جوایز اعطایی توسط رئیس آکادمی علوم لهستان

■ جایزه رئیس آکادمی علوم لهستان^{۲۸} برای فعالیتهای علمی و سازمانی از سال ۱۳۷۶ ش. (۱۹۹۷ م)، اعطایی به صورت سالانه به یک یا دو نفر یا به یک تیم

■ جایزه فکر برتر به شخصیتهای علمی^{۲۹} اعطایی از سال ۱۳۸۵ ش. (۲۰۰۶ م). این جایزه سالانه توسط رئیس آکادمی علوم لهستان به دو نفر از دانشمندان جوان که کمتر از ۳۵ سال سن دارند، اعطا می‌شود.

■ فعالیتهای بین‌المللی

از بدو تأسیس، آکادمی علوم لهستان همکاریهای علمی بین‌المللی را به عنوان ابزاری ارزشمند برای پیشرفت مداوم تحقیقات در لهستان مورد توجه قرار داده است. آکادمی همواره کوشیده است تا شبکه گسترده‌ای از ارتباطات با همتهای خارجی که دارای استقلال سیاسی می‌باشند، داشته باشد.

همگام با گسترش همکاریهای آکادمیک بین‌المللی بر اساس اصل مشارکت و سودآوری برای کل دست‌اندرکاران این مشارکت،

16-GdaaAsk
17-Katowice
18-KrakOw
19-Lublin
20-AOddA

21-PoznaaA
22-WroccAaw
23-Nikolas Copernicus Medal
24-Medal of the Polish Academy of Sciences
25-Polish Academy of Sciences Statuettes

26-Jubilee Medal of the 50th Anniversary of the Polish Academy of Sciences
27-Marie Skłodowska-Curie Award
28-Award of the President of the Polish Academy of Sciences
29-Golden Mind - Master in Knowledge Promotion

آکادمی علوم لهستان دارای ارتباطات دوجانبه سنتی و ارتباطات چندجانبه از طریق عضویت در بیش از صد سازمان علمی بین‌المللی و همچنین شرکت در پروژه‌های تحقیقاتی متعدد که توسط تمام سازمان‌های اروپایی انجام می‌شود، بوده است.

همکاری‌های دوجانبه با آکادمی‌های علوم ملی و واحدهای همتای آنها اصالتاً بر اساس انعقاد توافق‌نامه با ۷۵ مؤسسه از ۴۱ کشور می‌باشد. این همکاری‌ها شامل انجام پروژه‌های تحقیقاتی مشترک، تدارک دیدارهای علمی و همچنین تأسیس کمیسیون‌های مشترک، تیم یا گروه‌های کارشناس می‌باشد. واحدهای آکادمی در حدود ۷۴۰ توافق‌نامه با مراکز تحقیقات خارجی منعقد نموده‌اند. بر اساس این موافقت‌نامه‌ها، مراکز تحقیقاتی آکادمی و مؤسسات علمی خارجی می‌توانند پروژه‌های تحقیقاتی مشترک انجام دهند. به‌علاوه، آکادمی هماهنگ‌کننده همکاری‌های علمی بین‌المللی کلیه مراکز خود و تعدادی از مؤسسات آموزش عالی و مؤسسات تابعه است. همکاری میان مراکز و دانشمندان به نوبه خود به صورت مستمر انجام می‌پذیرد و دور از تشریفات رسمی می‌باشد. در ارتباط با همکاری‌های چندجانبه، آکادمی علوم لهستان عضو فدراسیون علوم اروپا، فدراسیون آکادمی‌های علوم و علوم انسانی ملی اروپا^{۳۰} شورای مشورتی علمی آکادمی‌های اروپا^{۳۱} شبکه جهانی آکادمی‌های علوم^{۳۲} و بسیاری از مؤسسات بین‌المللی است. آکادمی، هماهنگ‌کننده فعالیت‌های انجام‌شده از سوی مرکز بین‌المللی علوم مکانیکی^{۳۳} در اوداین^{۳۴}، مؤسسه بین‌المللی سیستم‌های تحلیل کاربردی^{۳۵} در لاکسینبرگ^{۳۶} اتریش، و مرکز بین‌المللی مهندسی ژنتیک و بیوتکنولوژی^{۳۷} در تریست^{۳۸}، دهلی نو و کیپ تاون می‌باشد. آکادمی علوم لهستان همچنین فعالیت‌های جامعه علمی لهستان با سازمان‌های علمی بین‌المللی نظیر شورای بین‌المللی علوم^{۳۹} و همچنین تمام انجمن‌های علمی و اغلب مؤسسات و کمیته‌های تابعه را هماهنگ می‌نماید. همکاری با سازمان‌های فوق توسط کمیته‌های ملی تأسیس‌شده توسط هیأت‌رئیس آکادمی علوم لهستان یا کمیته‌های علمی یا کمیته‌های نیروی کار آکادمی می‌باشد.

مراکز آکادمی و دانشمندان آنان در برنامه‌های تحقیقاتی که از سوی یونسکو، سازمان بهداشت جهانی، یونیدو و سازمان‌های مستقر در سازمان ملل متحد، به اجرا گذاشته می‌شوند، مشارکت می‌کنند و

همچنین در پروژه‌های هماهنگ‌شده از طریق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی^{۴۰}، مرکز اروپایی مطالعات اتمی^{۴۱} و همچنین مرکز بین‌المللی تحقیقات هسته‌ای در دوبنا^{۴۲} شرکت می‌نمایند. تیم‌های تحقیقاتی آکادمی به صورت فزاینده‌ای با همکاران خود در کشورهای اتحادیه اروپا، پروژه‌های تحقیقاتی مشترک انجام می‌دهند که مشترکاً سرمایه‌گذاری شده و در چارچوب برنامه‌های پروژه‌های مشارکتی اورکا^{۴۳} می‌باشد.

آکادمی در تأسیس مؤسسات تحقیقاتی بین‌المللی در لهستان نظیر مؤسسه بین‌المللی سلول و بیولوژی مولکولی^{۴۴}، مرکز بین‌المللی بیوسایرنیتیک^{۴۵}، لابراتوار بین‌المللی میدان‌های مغناطیسی بزرگ و دماهای پایین^{۴۶} و همچنین مرکز منطقه‌ای اروپا در اگویدرولوژی^{۴۷} تحت نظارت یونسکو فعالیت می‌نماید. آکادمی همچنین مراکز نظیر تأسیسات مربوط به مرکز ریاضی بین‌المللی استفان باناک^{۴۸} مرکز فرانسوی-لهستانی بیوتکنولوژی گیاهی^{۴۹} و با ایستگاه‌های قطبی آکادمی در اسپیدزبرگن^{۵۰} و جزیره کینگ جورج^{۵۱} در قطب جنوب را سرپرستی می‌کند.

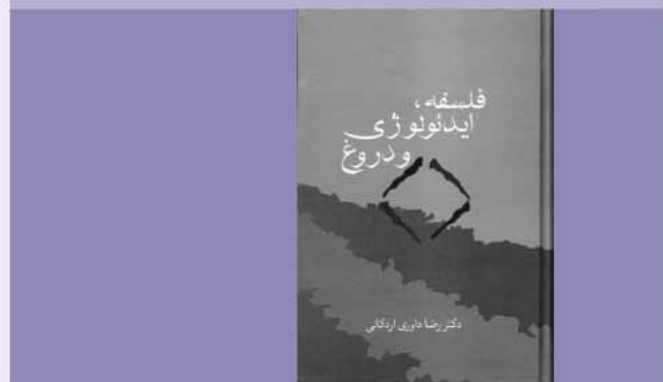
مترجم: محمود علیمحمدی

منبع: <http://www.english.pan.pl>

- 30-European Science Foundation (ESF)
- 31-European Federation of National Academies of Sciences and Humanities (ALLEA)
- 32-European Academies Scientific Advisory Council (EASAC)
- 33-Global Network of Academies of Sciences (IAP)
- 34-International Centre for Mechanical Sciences (CISM)
- 35-Udine
- 36-International Institute for Applied Systems Analysis (IIASA)
- 37-Laxenburg
- 38-International Centre for Genetic Engineering and Biotechnology (ICGEB)
- 39-Trieste
- 40-International Council for Science (ICSU)
- 41-International Agency for Atomic Energy (IAEA)
- 42-European Centre for Nuclear Studies (CERN)
- 43-International Centre for Nuclear Research in Dubna
- 44-EUREKA
- 45-International Institute of Cell and Molecular Biology
- 46-International Centre of Biocybernetics
- 47-International Laboratory of High Magnetic Fields and Low Temperatures
- 48-European Regional Centre for Ecohydrology
- 49-Stefan Banach International Mathematical Centre
- 50-French-Polish Centre of Plant Biotechnology
- 51-Spitzbergen
- 52-King George Island



معرفی



فلسفه، ایدئولوژی و دروغ

دکتر رضا داوری اردکانی

چاپ اول: شهریور ۱۳۹۲، انتشارات سخن

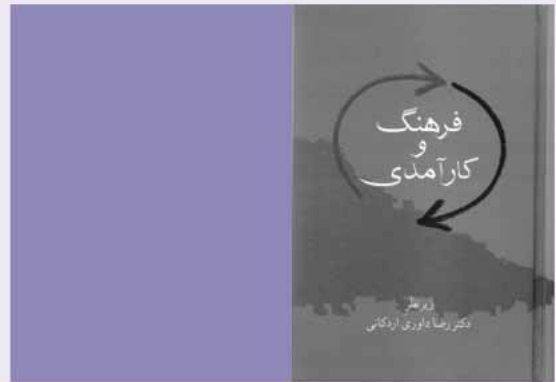
آقای دکتر داوری اردکانی کتاب «فلسفه، ایدئولوژی و دروغ» را در تفسیر سخن پایانی محاوره «فلسفه، سیاست و خشونت» نوشته است و به این جهت می‌توان آن را مجلد دوم کتاب «فلسفه سیاست و خشونت» خواند. نویسنده در پایان آن محاوره در پاسخ به این پرسش که فلسفه با یأس چه مناسبت دارد به قصد رد و انکار یأس و اینکه سخن من سخن یأس نیست بلکه پرسش از وضع کنونی اخلاق است، نوشته است: «یأس نه بلکه دروغ نگفتن به چشم و گوش و دل و جان» و این یعنی مأیوس نیستم اما می‌پرسم چرا نه صرفاً به یکدیگر بلکه به چشم و گوش و دل و جان خود دروغ می‌گوییم. نویسنده در ابتدای مقدمه کتاب می‌نویسد: «این پاسخ که قدری متشابه و مبهم است به بحران اخلاق در زمان ما و انحطاطی که جهان را به خطر انداخته است باز می‌گردد. پس باید در توضیح آن سعی شود».

این کتاب شامل دو بخش با عناوین «ملاحظات دربارہ راستی و راستگویی» و «زبان، خاموشی و دروغ» است که هریک از دو بخش شرح و توضیح و تفصیل مطالب بخش دیگر است. نویسنده با بیان اینکه کتاب را برای آنکه پژوهشی در راستگویی و دروغگویی باشد، ننوشته‌است، می‌نویسد: «این یادداشتها با توجه به اینکه دروغ کاری بسیار عادی و شایع و همه‌جایی است و با این نگرانی که روابط آدمیان نمی‌تواند بر مبنای دروغ استوار شود،

نوشته شده است ... مهم این است که از وخامت وضع بیگانگی و بی‌پناهی مردمان در جهان نیست‌انگار کنونی غافل نباشیم و دروغ و نفاق ناشی از این بیگانگی و بی‌پناهی و نیز گسیختگی پیوندها و پیمانها را ناچیز نینگاریم. شاید نتوان یک جهان بشری بدون دروغ ساخت اما همیشه و پیوسته در جهان پر از دروغ هم نمی‌توان به سر برد. اگر دروغ را نتوان به کلی از میان برداشت لاقلاً نباید بگذاریم که زشتی آن از یادها برود و امری عادی و مباح تلقی شود». نویسنده در پایان مقدمه کتاب توضیح می‌دهد: «لحن نوشته در بعضی جاها تلخ است، اما این تلخی در جنب تعظیم به صدق صدیقان نباید چندان ناگوار باشد. من چشم خود را به روی خوبیها و زیباییها نبسته‌ام و نمی‌خواهم همه از زشتی و پلشتی بگویم اما وقتی به جای دیدن و گفتن خوبیها و زیباییها، زشتیها و بدیها را زیبایی و خوبی می‌خوانند از یادآوری این تحریف و دروغ خودداری نباید کرد. دروغ وجود آدمی را تباه می‌کند و آینده زندگی را به خطر می‌اندازد. در جهان همیشه دروغ بوده‌است اما بنای جهان بر صدق و راستی استوار است. اگر صدق و صفا از میان برود و فراموش شود و دروغ زبان را و جان را به تسخیر درآورد، باید در انتظار فاجعه بود».

بخش اول کتاب ۱۰ فصل و بخش دوم ۷ فصل دارد. عناوین ۱۷ فصل کتاب عبارتند از: «دروغ چیست؟»، «دروغ و مصلحت و حقیقت»، «جایگاه دروغ در زبان»، «راستی و آزادی در سخن»، «گوینده سخن و قصد او»، «دروغ و مصلحت»، «فاشگویی و فضیلت آزادی»، «سیاست و دروغ»، «دروغ در تبلیغات و تاریخ‌نویسی»، «مروری دوباره در انواع دروغ و صور دروغگویی؛ دروغ سازمان‌یافته» و بخش دوم: «دروغ در شعر و صدق در زبان اهل معرفت»، «راستی و مرگ»، «دروغ در عصر اطلاعات و وضع توسعه‌نیافتگی»، «دروغ سیاستمدار و دروغ دانشمند در سیاست و جامعه»، «دروغ در زبان غالب و در سخن قدرت»، «شعر، افشاگر جهان دروغ» و «اخلاق در ذیل سیاست». در پایان کتاب فهرست اعلام و فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات خاص آمده‌است.

کتاب «فلسفه، ایدئولوژی و دروغ» در شهریور سال ۱۳۹۲ در ۲۸۲ صفحه و به شمارگان ۱۱۰۰ نسخه توسط انتشارات سخن منتشر شده‌است.



فرهنگ و کارآمدی

زیر نظر دکتر رضا داوری اردکانی

چاپ اول: ۱۳۹۲، انتشارات سخن

کتاب حاضر، جلد دوم مجموعه میزگردهای «مجله نامه فرهنگ» است که به همت آقای دکتر رضا داوری اردکانی به زیور طبع آراسته شده است. جلد اول کتاب با عنوان «نگاهی نو به فلسفه و فرهنگ» در زمستان سال گذشته توسط انتشارات سخن منتشر شد و اینک جلد دوم کتاب با عنوان «فرهنگ و کارآمدی» به چاپ رسیده و در دسترس علاقمندان قرار گرفته است. آخرین جلد کتاب نیز با عنوان «سیاست و فرهنگ» به همین زودیها منتشر خواهد شد. در مجموع، این سه مجلد گزارش بیش از ۵۰ مجلس بحث و حاصل تضارب آرای صاحب نظرانی است که در مورد مسائل مختلف فلسفی، علمی، تاریخی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران و جهان مباحثه و گفتگو کرده اند.

این میزگردها در مدت نزدیک به ۱۵ سال سردبیری دکتر رضا داوری اردکانی در مجله نامه فرهنگ، زیر نظر ایشان اداره شده است که مجموعه این گفتگوها در قالب سه مجلد به همت انتشارات سخن منتشر و به خوانندگان عرضه شده است.

می توان این مجموعه را یک دایره المعارف کوچک فرهنگ زمان دانست. مزیت این دایره المعارف این است که در آن آرای گوناگون و احياناً مخالف در هر باب بیان شده و غالباً به تعدیل نظرها و تفاهم انجامیده است.

جلد دوم این مجموعه با نام «فرهنگ و کارآمدی» علاوه بر مقدمه

شامل مشروح مباحث مطرح شده در ۱۵ جلسه میزگرد است که عناوین میزگردها و اسامی شرکت کنندگان بدین شرح است:

■ روابط بین الملل و عصر قدرت ارتباطات و اطلاعات؛ شماره ۱۹، پاییز ۱۳۷۴؛ (سیدمحمد آوینی، دکتر مرتضی اسعدی، دکتر محمود سریع القلم، محمدعلی شعاعی، دکتر مهدی محسنیان راد، دکتر کاظم معتمدنژاد، دکتر احمد نقیبزاده و دکتر رضا داوری اردکانی)

■ فرهنگ و کارآمدی؛ شماره ۲۶، تابستان ۱۳۷۶؛ (حجت الاسلام والمسلمین دری نجف آبادی، حجت الاسلام والمسلمین مرتضی بهشتی، دکتر محمدحسین پناهی، دکتر محمدحسین سلیمی، مهندس محمدحسن عرفانیان، دکتر علیمحمد کاردان، دکتر محمد نهاوندیان، سیدمحمد آوینی و دکتر رضا داوری اردکانی)

■ نظم و قانون و فرهنگ؛ شماره ۲۳، پاییز ۱۳۷۵؛ (دکتر گودرز افتخار جهرمی، دکتر عبدالله جاسبی، دکتر علی اکبر صالحی، دکتر علیمحمد کاردان، بایزید مردوخ و دکتر رضا داوری اردکانی)

■ فرهنگ و آموزش؛ شماره ۲۷، پاییز ۱۳۷۶؛ (دکتر محمد حسین پورکاظمی، دکتر مهدی حجت، دکتر علی شریعتمداری، دکتر سیدجعفر شهیدی، دکتر علی اکبر صالحی، مهندس جعفر علاقه مند، دکتر علیمحمد کاردان، دکتر عزت الله نادری، محمدعلی شعاعی و دکتر رضا داوری اردکانی)

■ تساهل و تسامح؛ شماره ۲۸، زمستان ۱۳۷۶؛ (آقای علی جنتی، دکتر نصرالله پورجوادی، دکتر سیدعلیرضا بهشتی، دکتر غلامعباس توسلی، حجت الاسلام والمسلمین رشاد، دکتر احمد نقیبزاده و دکتر رضا داوری اردکانی)

■ تبادل فرهنگی؛ شماره ۲۹، بهار ۱۳۷۷؛ (دکتر فتح الله مجتبابی، دکتر سیدمصطفی محقق داماد، دکتر مهدی محقق، دکتر خوشرو، دکتر ریخته گران و دکتر رضا داوری اردکانی)

■ گفتگوی تمدنها؛ شماره ۴۰، تابستان ۱۳۸۰؛ (دکتر علی اصغر مصلح، دکتر سیدمصطفی محقق داماد، دکتر ضیمران، دکتر عباس منوچهری، محمدعلی شعاعی و دکتر رضا داوری اردکانی)

■ جهانی شدن؛ شماره ۴۳، بهار ۱۳۸۱؛ (دکتر هادی خانیکی، دکتر محمد نهاوندیان، دکتر ضیمران، دکتر جواد لاریجانی و دکتر رضا داوری اردکانی)

■ کتاب و مطبوعات؛ شماره ۴۴، تابستان ۱۳۸۱؛ (رضا سیدحسینی، دکتر پژمان، دکتر فرخ امیرفریار، علی اصغر محمدخانی و دکتر رضا داوری اردکانی)

■ آموزش و پرورش و فرهنگ؛ شماره ۴۵، پاییز ۱۳۸۱؛ (دکتر جعفر توفیقی، دکتر علی محمد کاردان، دکتر مهرمحمدی، دکتر ابراهیم‌زاده، دکتر عباس بازرگان، مهندس شعاعی و دکتر رضا داوری اردکانی)

■ فرهنگ و سیاست جهانی کنونی؛ شماره ۴۷، بهار ۱۳۸۲ (دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، دکتر محمد توکل، دکتر سیدمصطفی محقق‌داماد، دکتر عباس منوچهری و دکتر رضا داوری اردکانی)

■ جغرافیای تاریخی و فرهنگی خلیج فارس؛ شماره ۵۵، بهار ۱۳۸۴؛ (دکتر بیژن اسدی، دکتر ناصر تکمیل‌همایون، مهندس محمدرضا سحاب، دکتر داوود باوند، دکتر پیروز مجتهدزاده و دکتر رضا داوری اردکانی)

■ سیاست و گفتگوی تمدنها؛ شماره ۵۶، تابستان ۱۳۸۴؛ (دکتر محمود بروجرودی، دکتر محمد توکل، دکتر علی‌اصغر مصلح،

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی بروجرودی، دکتر عباس منوچهری، دکتر محسن خلیجی، دکتر علی‌اکبر فرهنگی و دکتر رضا داوری اردکانی)

■ فرهنگ و مصرف؛ شماره ۵۷، پاییز ۱۳۸۴؛ (دکتر حسن حبیبی، مهندس محمد باقریان، دکتر مهدی بهادری‌نژاد، دکتر فرامرز رفیع‌پور، دکتر محمدرضا شمس اردکانی، دکتر حسن ظهور و دکتر رضا داوری اردکانی)

■ روشهای پیشگیری از اتلاف وقت؛ شماره ۵۷، پاییز ۱۳۸۴؛ (دکتر حسن حبیبی، مهندس محمد باقریان، دکتر یوسف ثبوتی، مهندس جعفر مرعشی، دکتر فرامرز رفیع‌پور، دکتر سیدمصطفی محقق‌داماد، دکتر رضا مکنون و دکتر رضا داوری اردکانی)

کتاب حاضر در ۸۰۶ صفحه و به شمارگان ۱۱۰۰ نسخه، در مهرماه سال جاری به همت انتشارات سخن به چاپ رسیده است.

مجمع‌المسائل هفتصد و شصت و دو مسئله به زبان عربی چاپ و نشر شده است. در توضیح‌المسائل، مسائل مربوط به عبادات، اقسام اجتهاد و انواع و شرایط و ویژگیها و منابع آنها مطرح شده و احکام موضوعاتی که در نتیجه تحول زمان متحول می‌شود و نیز ویژگیهایی که باید مجتهد در مقام استنباط احکام الهی از مبانی دینی برخوردار باشد، بیان شده است. از دیگر موضوعات مطروحه مسائل عرفان و ادیان الهی است که اصول آنها برای همه پیروان ادیان الهی یکی است و اختلاف بین آنها در فروع دین است و نه در اصول. مسئله وجوب رعایت وحدت بر پیروان مذاهب اسلامی و بیان زمان پیدایش و عوالم پیدایش آنها از دیگر موضوعات جلد هشتم توضیح‌المسائل است.

در مجمع‌المسائل که به زبان عربی است مسائل احکام عبادات، نماز، روزه و حج بیان شده است. مسئله اقسام کفار و رعایت حقوق آنها، مسئله مراد از مشرکین و سبب فرق بین شرایط ابنیاء که اسلام درباره آنها بیان نموده، مسائل غلات و مانند آنها و تأکید اسلام بر حفظ وحدت و ... از مسائلی است که در رساله آمده است. جلد هشتم توضیح‌المسائل در ۳۶۷ صفحه و جلد دوم مجمع‌المسائل در ۳۲۷ صفحه تنظیم شده و چاپ اول رساله‌ها در سال ۱۳۹۲ توسط مؤسسه اجتهاد قم منتشر شده است.



توضیح‌المسائل و مجمع‌المسائل

مطابق با فتاوی آیت‌الله محمدابراهیم جناتی^۱

پس از انتشار و توزیع رساله‌های فارسی و عربی حضرت آیت‌الله محمدابراهیم جناتی که دربردارنده دوازده هزار مسئله است، بعضی از متدینان ایرانی و دیگر کشورها از جمله ترکیه، لبنان و کانادا، مسائل و احکام شرعی را که در دیارشان مورد توجه بوده است مورد پرسش قرار دادند و ایشان به آنها پاسخ دادند. مجموعه این پرسشها به عنوان جلد هشتم توضیح‌المسائل و جلد سوم مجمع‌المسائل چاپ و در دسترس قرار گرفته است. در جلد هشتم توضیح‌المسائل، ششصد و ده مسئله به زبان فارسی و در جلد سوم



گلکاری (مبانی و گونه‌ها)

ویراست دوم

نویسندگان: دکتر جان ام. دال و دکتر هارولداف ویلکینز

برگرداننده: دکتر مرتضی خوشخوی^۱

چاپ اول: ۱۳۹۲، انتشارات دانشگاه شیراز

ویراست اول کتاب حاضر در سال ۱۹۹۹ میلادی منتشر شده و پس از آن در سال ۲۰۰۵ میلادی نویسندگان کتاب را مورد بازنگری گسترده قرار داده، مطالب بسیاری به آن افزوده و در مواردی تصحیح‌هایی روی آن انجام داده و دگربار منتشر کرده‌اند. در این کتاب از کلیه پژوهش‌هایی که در سطح جهانی درباره گل‌های مورد بحث در کتاب انجام شده، بهره‌گیری شده است و کتابی جامع که آمیخته علم و عمل است تقدیم دوستداران گل‌ها و گیاهان زینتی شده است. آقای دکتر مرتضی خوشخوی کلیه متن این کتاب را با توجه به گستردگی متن اصلی، در چهار جلد، به فارسی برگردانده و اظهار امیدواری کرده است که مورد توجه استادان، دانشجویان، پژوهشگران، دانش‌پژوهان و نیز تولیدکنندگان و پرورشگران گل‌ها و گیاهان زینتی قرار گیرد و آخرین دستاوردهای علمی در این زمینه را در اختیار داشته باشند.

در جلد نخست برگردان کتاب به فارسی که در ۶۲۸ صفحه تنظیم شده، مبانی دانش کشت و پرورش گل‌ها به‌طور مشروح آمده است و در جلدهای دوم تا چهارم، کشت و پرورش یک گل یا گروهی از گل‌ها به‌صورت جداگانه مورد بحث قرار گرفته‌اند.

در برگردان کتاب «گلکاری؛ مبانی و گونه‌ها» نام‌های پیشنهادی آسان و مردم‌پسند برای هر گل، بیشتر با توجه به نزدیکی تلفظ واژه

فارسی با نام بیگانه گیاه و گاهی جنس، خاستگاه یا نام انگلیسی گل‌ها و گیاهان پیشنهاد شده که برگرداننده امیدوار است این نامگذاری در پالایش زبان فارسی از نام‌های بیگانه در حد خود، کارا باشد. همچنین در این راستا و در برگردان کتاب، از واژه‌های مصوب فرهنگستان علوم، بهره‌گیری شده است.

جلد اول کتاب افزون بر پیشگفتار نویسندگان و برگرداننده و نمایه، در برگیرنده ۱۲ فصل است که عناوین فصل‌های آن عبارتند از: «گیاه‌افزایی»، «کنترل گل‌دهی»، «دما»، «نور»، «آب»، «مواد غذایی»، «محیط کشت»، «تنظیم رشد گیاهی»، «مدیریت آفت»، «پس‌برداشت»، «راهاندازی و ساخت گلخانه» و «بازار رسانی و مدیریت تجاری».

در پایان هر فصل، نکته‌های کلیدی و منابع آمده است و واژه‌نامه و واژه‌یاب بخش‌های پایانی کتاب می‌باشند.



نوآوری در آموزش مهندسی

دکتر حسین معماریان^۲

چاپ اول: ۱۳۹۱، انتشارات دانشگاه تهران

هدف از چاپ این کتاب ارائه روش‌هایی برای بالابردن کیفیت آموزش مهندسی است و شامل مجموعه فعالیت‌هایی است که باید از سطح ارائه یک درس تا یک برنامه آموزشی صورت گیرد تا آموزش مهندسی عرضه‌شده بتواند در ارزشیابی‌های ملی و بین‌المللی موفق باشد و جایگاه شایسته‌ای را کسب کند.

کتاب حاضر در ۴ بخش و ۱۴ فصل تألیف شده است. بخش اول به مطالب مربوط به تدارک آموزش و تدریس اختصاص یافته است.

۱- عضو پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران و استاد ممتاز دانشگاه شیراز
۲- استاد دانشکده فنی دانشگاه تهران و عضو وابسته گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم

در بخش دوم کتاب به فرایند تدریس و یادگیری پرداخته شده است و بخشهای سوم و چهارم به ارزشیابی آموزشی، و برنامه‌ریزی آموزشی اختصاص دارد. عناوین ۱۴ فصل کتاب عبارتند از: «مهندسی و آموزش»، «طراحی تدریس مهندسی»، «تدارک هدفها و دستاوردها»، «سخنرانی در کلاس»، «آموزش دانشجو محور»، «یادگیری فعال»، «ارزیابی یادگیری»، «ارزشیابی در جهان»، «ارزشیابی در ایران»، «سازوکار ارزیابی درونی»، «نگرشی تازه در آموزش مهندسی»، «طراحی درس جدید»، «طراحی برنامه کارشناسی جدید» و «کاستیهای آموزش مهندسی ایران». برابر انگلیسی تمامی مفاهیمی که در متن کتاب با حروف سیاه (بولد) آمده‌اند، در واژه‌نامه انتهایی کتاب، به دو صورت فارسی به انگلیسی و انگلیسی به فارسی، گردآوری شده است. از دیگر بخشهای پایانی کتاب می‌توان به فهرست منابع و فهرست راهنما اشاره کرد.

چاپ اول کتاب «توآوری در آموزش مهندسی» در سال ۱۳۹۱، در ۴۳۸ صفحه و به شمارگان ۱۰۰۰ نسخه توسط مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران منتشر شده است.



تولید پایدار محصولات زراعی

زراعت عمومی

تألیف: دکتر علیرضا کوچکی، دکتر اسکندر زند و

دکتر عبدالمجید مهدوی دامغانی

مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۹۲

تاریخچه انتشار منابع علمی کشاورزی در ایران پیشینه‌ای پنجاهساله دارد. کتابهایی با عنوان «زراعت عمومی» از نخستین کتابهایی بود که در زمینه کشاورزی در ایران انتشار یافت. البته آنچه تاکنون با عنوان زراعت یا علوم زراعی به مفهوم خاص و کشاورزی به

مفهوم عام در چند دهه گذشته به چاپ رسیده، مبتنی بر اصول و مبانی کشاورزی رایج بوده است که در تفکر انقلاب سبز ریشه دارد. محتوای اصلی این نوع کتابها اغلب موضوعهایی مانند آبیاری، خاک‌شناسی، ماشین‌آلات کشاورزی و حفاظت گیاهی با هدف افزایش عملکرد بوده و در آنها عرصه‌های زراعی مزرعه‌هایی مجزا و فاقد اثر متقابل اجزا و پیرامون در نظر گرفته شده است.

کشاورزی رایج از لحاظ تولید مواد غذایی هم در مقیاس جهانی و هم در مقیاس ملی دستاوردهای بسیاری داشته است اما ابعاد پیدا و پنهان این دستاوردها در ارتباط با نابودی منابع طبیعی، فرسایش گسترده خاک و کویرزایی، کاهش تنوع زیستی، تغییرات اقلیمی و گرمایش جهانی و بحرانهای زیست‌محیطی و اقتصادی و اجتماعی به تدریج در دهه‌های پایانی قرن گذشته و دهه نخست قرن حاضر آشکار شده است. در نتیجه از آن زمان دیدگاههای جدیدی در زمینه تولید مواد غذایی شکل گرفت و نگرش پایداری جایگزین نگرشهای دیگر شد. این کتاب حاصل تلاش و مشارکت گروهی از استادان دانشگاهها و مراکز پژوهشی کشور است. تنوع تخصص افراد، تأکید بر استفاده از منابع علمی بومی و متناسب با شرایط ایران از ویژگیهای دیگر کتاب است. کتاب حاضر با بررسی نقش علوم زراعی در عرصه‌های تولید و تاریخ زراعت آغاز شده است و در فصلهای سوم و چهارم خوانندگان با اصول طبقه‌بندی گیاهان زراعی و اندامهای گیاهی آشنا می‌شوند. پس از بررسی عوامل آب و هوایی و محیطی در فصلهای چهارم و پنجم اصول عملیات کشاورزی پیش و پس از کاشت گیاهان زراعی مانند خاک‌ورزی، انتخاب بذر، حاصلخیزی خاک، آبیاری، مدیریت آفات و بیماریها، مدیریت علفهای هرز و مدیریت پس از برداشت گیاهان زراعی و نیز راههای پیشرفت در عرصه کشاورزی مانند بهنژادی گیاهان زراعی به ترتیب در فصلهای هفتم تا چهاردهم توضیح داده می‌شود. در فصل پانزدهم و شانزدهم تنشهای محیطی مؤثر بر تولید و نظامهای زراعی بررسی می‌شود. سپس در سه فصل پایانی کتاب با توجه به اهمیت اقتصادی و معیشتی گیاهان زراعی ابتدا اصول اقتصاد کشاورزی و روشهایی برای یافتن تناوبهای زراعی مناسب برای زراعت پایدار و در پایان گستره دانش زراعت که ممکن است آینده زراعت و تولید غذا را تحت تأثیر قرار دهد، مورد بررسی قرار گرفته است.



NEWSLETTER

The Academy of Sciences

Islamic Republic of Iran

47